

مرده ده آن بندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

پاسخ به پرسشهای ایرانیان
ابوالحسن بنی صدر

برحق باید ایستاد تا زورپرست تسلیم حق شود

سلام آقای بنی صدر
عید فطر بر شما و خانواده شما مبارک باشد.
خواستم از فرصت استفاده کنم و دو سؤال را مطرح کنم. در سوره یونس، آیه ۸۸ از قول موسی نفرینی را میآورد. خود آیه به قرار زیر است:
موسی گفت: «پروردگارا! تو فرعون و اطرافیانش را زینت و اموالی (سرشار) در زندگی دنیا داده ای، پروردگارا! در نتیجه (آنها بندگان را) از راه تو گمراه می سازند. پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دلهایشان را سخت و سنگین ساز، که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند.»
قسمت اول آیه را که خواست موسی است می فهمم. می گوید پول و قدرت را از او بگیر تا به این ترتیب توان او گرفته شود. اما قسمت دوم آیه را نمی فهمم. چرا موسی می خواهد که فرعونیان دلشان سخت بشود تا مستحق عذاب دردناک شوند؟ آیا بهتر نبود از خداوند بخواهد که دل و دیده او را نرم کن تا حق را دریابد. من از این قسمت آیه جز نفرت کور چیز دیگری دستگیرم نمی شود. تفسیرهایی که در این مورد کرده اند کار را بد تر می کند. به طور خلاصه میگویند موسی می گوید بعد از اینکه انسانی به اینجا رسید، دیگر راه برگشت ندارد مگر اینکه عذاب بر او وارد شود. اگر اینطور بود می باید اول آیه این بود که او را از سر راه بردار و بس. اینطور که ترجمه شده یک نگرانی موسی را می رساند که نکند فرعون دلش نرم شود و دیگر عذاب آن دنیا از او برداشته شود را می رساند.

در صفحه ۲

انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۷۵۹ از ۵ تا ۱۸ مهر ۱۳۸۹

فتنه

◀ بفرموده سه سازمان حاکم بر کشور، هاشمی رفسنجانی و اصلاح طلبان

باید حذف شوند! ص ۴

◀ رژیمی که در درونش همه با همه در نزاع هستند، با ۵ مشکل بزرگ

روبرو است - ۲: ص ۴

◀ خاطرات تونی بلر: دیک چنی معاون بوش، اصرار بر حمله به ایران و عراق

و افغانستان داشت: ص ۷

◀ نیمی از صنایع تعطیل - ذخیره ارزی ناچیز - قرضه نجومی دولت

- یارانه ناچیز و تورم رو به افزایش: ص ۸

◀ فهرست اسامی اعضای مافیایا که از رهگذر استبداد ملاتاریا، از انقلاب

بدین سو، تشکیل شده اند - ۱۳: ص ۱۳

◀ ۱۰ هزار نفر شمار توقیف شدگان جنبش - زندان مخوفی که در آن،

بی سر و صدا اعدام می کنند و دیگر جنایتهای رژیم: ص ۱۳

از سعید به توان دو

تقدیم به تیزپروازان ارتش ایران.

کمان ۹۹، یکی از معجزه ها که ارتش ایران آفرید

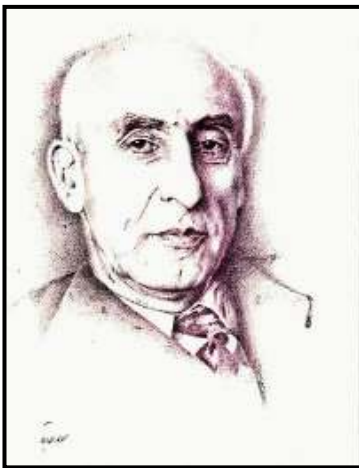
انقلاب اسلامی: متنی که می خوانید خود می گوید که گزارشگر آن، کسی است که نخستین عملیات نیروی هوایی ایران را نیک می شناسد و نیک از نقش نیروی هوایی ایران در نجات ایران آگاه است. وقتی سران ۸ کشور اسلامی به ایران آمدند، جملگی ارزیابی یاسر عرفات را تصدیق کردند: ارتش ایران، حماسه نبود، معجزه بود که آفرید. گزارش زیر، شرح یکی از معجزه ها است که معجزه گره های آن، خلبانان رشید ایران بودند:

در صفحه ۱۰

«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و هشتمین

سالگرد تولد دکتر محمد مصدق»

زندگینامه دکتر محمد مصدق (۹)



جمال صفری

◀ اولین بار که در اسناد دولتی ایران سخن از ساختن راه آهن بمیان آمده است، در نامه ای است که ناپلئون سوم امپراتور فرانسه در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۸۵۸ پس از بازگشت فرخ خان امین الملک سفیر ایران از فرانسه به ناصرالدین شاه نوشته است. (۱) در آن نامه به راه آهنی اشاره شده است که انگلیس ها میخواستند از استامبول تا خلیج فارس بکشند و تا هندوستان امتداد دهند و در همان سال ۱۲۷۳ قمری - ۱۸۵۸ میلادی وارد مرحله عمل شد. در همین سال، بسی انگلستان، افغانستان از ایران جدا شد و ظاهراً روس ها در آن منطقه دست به اقداماتی زدند. (۲) انگلیس ها هم برای مقابله با این وضع و ترساندن روس ها بکمک حاج میرزا حسین خان سپهسالار

انقلاب اسلامی: اطلاعات سپاه و واواک و اطلاعات نیروهای انتظامی کار مشترکی را در باره «فتنه»، یعنی جنبش مردم ایران بعد از تقلب بزرگ در انتخابات، تهیه کرده اند و البته خود نیز آن را «لو» داده اند. در این «تحقیق» که در ۱۱۰ صفحه انتشار داده اند، چند سازمان نما، نقش «سران فتنه» و دستیاران ردیف اول تا ردیف چندم آنها را مشخص ساخته اند. بدین سان، آشکار کرده اند که رژیم خصلتهای سرکوب گرانه رژیم استالین را باز یافته است. چرا که رهبر فتنه، هاشمی رفسنجانی است که زیر دست خمینی، کارگردان کودتای ۱۳۶۰ بود و با جعل نامه از قول خمینی و صحنه سازی، خامنه ای را «رهبر» کرد. با سازشهای پنهانی با آمریکا و انگلیس و اسرائیل عامل ادامه جنگ بمدت ۸ سال و حل «مسئله مخالفان» از راه اعدام شد. از آن روز تا امروز، در خدمت رژیمی است که محصولش انواع مافیاهای رانت خوار و سبع ترین دژخیمان است. بنا بر این تحقیق، در «ساختار فتنه» او رهبر است. در ردیف دوم، موسوی خوئینی ها، داستان کل اسبق و سرپرست گروگانگیرها - به قول خمینی انقلاب دوم و به قول سردار مشفق، طرحی امریکائی که موسوی خوئینی ها آن را بدست دانشجویان به اجرا گذاشت - و محمد خاتمی، وزیر و سپس بمدت ۸ سال رئیس جمهوری در رژیم ولایت مطلقه فقیه و میرحسین موسوی نخست وزیر بمدت ۸ سال، قرار دارند.

در فصل اول این مجموعه، سازمان نمای رهبری و هدفهای «جریان فتنه» را می آوریم و ذیل آن، هدفهای سه سازمان تهیه کننده این گزارش را از نظر خوانندگان می گذرانیم.

در فصل دوم، دو چالش باقی مانده از ۵ چالش بزرگی را که رژیم با آنها روبرو است، تشریح می کنیم.

در صفحه ۳

ژاله وفا

وضعیت پژوهش و نیروی انسانی در صنعت

نفت ایران

تقدیم به گارگران شریف پتروشیمی پردیس و خانگیان که در آتش سوزی جان باختند و دولت حتی به خانواده آنها کوچکترین رسیدگی نکرده است.

در بخش چهارم سلسله نوشتارهایی که به بررسی وضعیت صنعت نفت و گاز کشور اختصاص داده ام، طبق درخواست ۳ تن از کارکنان شرکت نفت و گاز ایران به بررسی وضعیت پژوهش و نیز نیروی انسانی صنعت نفت و گاز کشور میپردازم.

قبل از پرداختن به مساله پژوهش در صنعت نفت مقدماتی

جهانگیر گلزار

بی آیندگی کودک ایرانی

در کشورهای اروپایی که رشد جمعیت رو به کاهش است و ادامه نسل و حیات جامعه در خطر است، جامعه جوان را جزو سرمایه حیاتی جامعه می دانند. در کشورهایی که در چند دهه گذشته اسباب رشد خود را فراهم نموده اند به مسئله رشد جامعه جوان جهت شکوفایی شدن استعدادها ارزش فوق العاده داده اند. رشد این کشورها در پرتو رشد نسل جوان فراهم شده است. تجربه این کشورها انگوی شده است که دیگر کشورها بتوانند تجدید نظری در دید و روش خود به جوان و کودک و آینده او بنمایند. تجدید نظری که رشد کودک و جوان را حیات کل جامعه می



سوال دوم در مورد قصاص دزدی است. من کتاب قضاوت شما را خواندم و حتی سالها پیش، از شما در این مورد سؤال کردم اما قانع نمیشوم. اینکه دست دزد باید قطع شود با اصل جبران پذیری در تناقض است زیرا اولاً مجرم دست را برای همیشه از دست داده و ثانیاً مجرم تا آخر عمر انگشت نما می شود به این خاطر که زمانی دزدی کرده است. علاوه بر اینکه یک خشونت را در جامعه قانونی می کند. اینکه بعضی از مفسران میگویند آیه مال جامعه و قفسور است هم دردی را دوا نمیکند. زیرا قرآن باید روش زندگی کردن در حال باشد. اینکه خداوند آیه را برای آینده دور (مدینه فاضله) بفرستد دردی دوا نمیکند. پیشاپیش از اینکه وقت برای پاسخ گفتن صرف می کنید، از شما بسیار سپاسگزارم. کامروا باشید مجید

*** پاسخها به دو پرسش:**

۱- هر گاه ترجمه را با اصول راهنمای قرآن مقایسه می کردید، متوجه می شدید که ترجمه غلط است. و باز اگر آیه را با آیه دیگری (سوره طه، آیه ۴۴) تطبیق می کردید که به موسی (ع) می فرماید بطرف فرعون برو بلکه متنبه شود، باز متوجه می شدید که آیه غلط ترجمه شده است: ۱-۱- نه پیش از ابتلا که در پایان ابتلا است که موسی (ع) از خداوند می خواهد دست فرعون را از اسباب قدرتمنداری کوتاه کند. او به طرف فرعون رفته و او را به ترک زورمداری دعوت و سحر ساحران را باطل کرده بود. فرعون پشت کرده و در حال رفتن گفته بود: من خدای اعلا می شمام.

۲- موسی (ع) از خداوند نخواست دلهای فرعونیان را سخت کند تا ایمان نیاروند و عذاب ببینند. چون او می دانست که فرعون به خواب دید در قوم بنی اسرائیل، پسری متولد می شود (قرآن، از جمله، سوره قصص، آیه های ۱ تا ۱۲) که دولت فرعون را سرنگون می کند. پس او پریشان دل شد و فرمان داد نوزادان پسر را بکشند. اینست که از خداوند می خواهد وحشت از سقوط را در دلهای فرعونیان تشدید کند. استدلال می کند: چون تا عذاب نبیند ایمان نمی آورند، دل آنها را سخت کن (تا مگر ایمان آورند). به دو ترجمه به زبان فرانسه و دو ترجمه به زبان فارسی نیز مراجعه کردم. ترجمه ها غلط نیستند. با این تفاوت که ترجمه ها به زبان فرانسه، دقیق تر هستند و خواننده را با مشکلی روبرو نمی کنند که شما با آن روبرو شده اید. این پیامبر گرامی نیز خواستار رها شدن فرعون و فرعونیان از فرعونیت بوده است. خواست او برآورده می شود: ۱،۳- آیه ۹۰ سوره بونس می گوید: چون آب، فرعون را در میان گرفت، او خطاب به خداوند گفت: به تو ایمان می آورم. بدین سان، وقتی فرعون سختی دید و راه ها را از هر سو پرخود بسته دید، ایمان آورد. بدین قرار، آیه ها به انسان ها قاعده ای را می آموزد که همواره بکارشان می آید:

زور پرست از راه در آمدن کسان به قلمرو حاکمیت او، به راه نمی آید. می باید بر حق ایستاد. در موافقت با دلخواه او، یک قدم نیز نباید برداشت. زیرا این به یمن ایستادن بر حق است که زور پرست به حق تمکین می کند.
هر گاه ایرانیان این قاعده را بکار برده بودند، گرفتار استبداد نمی شدند و اگر امروز نیز این قاعده را بکار برند، از بند استبداد رها می شدند. بشرط آنکه نه

برحق باید ایستاد تا زورپرست تسلیم حق شود

این قاعده همه روزه بکار می رود و بدون تردید شما موارد بسیاری از بکار رفتن آن را می شناسید: هر جنایتکاری وقتی در تنگنا قرار می گیرد و وحشت از کرده اش، دلش را پر میکند، پشیمان می شود. همچنانکه هر مستبیدی وقتی در تنگنا قرار می گیرد، پشیمان می شود اما وقتی که دیگر پشیمانی سودی ندارد. فرعون بهنگام غرق شدن پشیمان شد. استالین وقتی خشونت بی حدش همه را به تنگ آورد و همسرش خودکشی کرد و هیتلر و موسولینی وقتی جنگ را باخندند و شاه سابق وقتی صدای انقلاب را شنید، پشیمان شدند. خمینی وقتی نسلی را در جنگی قربانی کرد، نخست تصمیم به کناره گیری گرفت - کاری که توسط فرستاده اش به او پیشنهاد کردم - اما زورپرستانی که اقتضاحا پیا کرده و جنگ را تا شکست ادامه داده بودند، او را از این کار بازداشتند. با این وجود، جام زهر شکست را به دست او دادند و او سرکشید.

بدین قرار، ترجمه نازسا و تفسیر غلط ناشی می شود از نتاخن اصول راهنمای قرآن و امرهای واقع مستمر و قاعده هایی که قرآن در اختیار انسان می نهد. این قاعده ها، در دین بیگانه در بیان قدرت، بنا بر این، بر اصل تنویر و با بکار بردن منطق صوری، به چشم عقل نمی آید. اگر عقلا آزادی خویش را بازیابند، در می یابند هر گاه بر حق بایستند، دولت زورگویان، صدای آنها را خواهند شنید و تسلیم خواست به حق مردم ایستاده برحق خواهد شد.

۲- نیک یادآور شده اید که بریدن دست با اصل جبران و ترمیم خوانائی ندارد. کلید مشکل در همین یادآوری است، هر گاه توجه کنید که فرع تابع اصل است و نه اصل تابع فرع. حداکثر مجازات دزد، قطع ید است. اما قاضی می باید علم پیدا کند بر جرم و هویت مجرم و آن گاه، حکمی را صادر کند که با اصول بیست گانه ای (تا این جای تحقیق این جانب) سازگار باشد که قرآن مقرر می کند. یکی از آن اصول، اصل جبران و ترمیم است. یکی دیگر اصل مهلت اصلاح به مجرم دادن است. بنا بر این دو اصل و ۱۸ اصل دیگر، قاضی نمی تواند حکم به قطع ید بدهد. در آیه ۳۸ سوره مائده، خداوند مجازات را مقرر می کند. آیه ۳۹ همان سوره مقرر می کند هر گاه مجرم توبه کرد خداوند توبه او را می پذیرد. بدین قرار، مجازات نمی باید مهلت توبه را از مجرم بستاند. با این وجود،

۱- شما می توانید بیسید چرا مجازات حداکثر را مقرر کرد وقتی قاضی، بخاطر وجوب رعایت اصول، نمی تواند حکم به حداکثر مجازات بدهد؟ به دلایل فراوان، اول به این دلیل که از آن زمان تا زمان ما، در بسیاری از جامعه ها، مجازات سارق بسیار سنگین تر بود و هنوز هم هست (هم اکنون در چنین مجازات رشوه خواری اعدام است). دوم به این دلیل که هر گاه نخست مجازات و آنگاه حد معین نشود، دنیا یکام دزدان و زورگویان چپالوگر می شود. چنانکه هم اکنون، یک اقلیت کوچک از جمعیت نزدیک به ۷ میلیارد نفری جهان، صاحب افزون بر ۸۰ درصد ثروت جهان هستند. تردید نکنید که این اقلیت از راه سعی خویش صاحب این ثروت عظیم نشده اند. از این رو، ۲- قاضی می باید مستقل و آزاد باشد. کار اول قاضی مستقل از قدرتمداران، تشخیص حق و دادن حق به حق دار است. یعنی می باید از

دادن به حق و منصرف کردن دیگران از ارتکاب جرم و جنایت است. و ۲،۳- بنابر آیه ۳۸ سوره مائده، مجازات می باید از سوی خدا باشد. یعنی استقلال و آزادی و حقوقمندی را به مجرم بازگرداند. چرا که خداوند حق است و از او ناحق صادر نمی شود. در برابر مجرمی که حق خویش و حق دیگری را از یاد برده است، اغماض روا نمی دارد. بنا بر همان قاعده، بر مجرم سخت می گیرد تا او از غفلت از حقوق خویش بدر آید و دریابد که تا به حقوق خود تجاوز نکند، به حق دیگری تجاوز نمی کند. بدین سان، باز آوردن به حق و رابطه ها را رابطه های حقوقمندا گرداندن، هم هدف و هم اصل از اصول راهنمای قضاوت است.

*** سه پرسش از ۴۷ پرسش یک هموطن گرامی:**

۱- رابطه با بخشی از آیه ۵۹ سوره ی نسا "اطيعواالله واطيعوا الرسول واولی الامر منکم" که شما آن را در پاسخ به هموطنی دیگر شرح داده بودید در تفسیر المیزان مرحوم علامه طباطبائی آنچه شما می گوئید را با دلایلی رد می کنند و سپس برهان ها و روایاتی نیز بر دلالت بر اهل بیت بودن و عصمت اولی الامر می آورند. حال من گیج شدم. چون هم شما دلایلی دارید، هم آن مرحوم نظر شما چیست؟ آیا شما از دیدگاه علامه آگاهید؟ چرا در آیاتی دیگر که خداوند مؤمنین را به اطاعت از خود و رسول فرا می خواند از کسی یا کسانی دیگر سخنی نیست؟

۲- حضرت علی (ع) به ابن عباس نماینده اعزامی خود برای مذاکره با زعمای فرقه خوارج در نهج البلاغه چنین فرموده است: با ایشان با استناد به قرآن مناظره مکن زیرا که قرآن دو پهلو است و احتمالات و توجیهات بسیار در بر دارد. یکی از آنها را تو می گویی و یکی دیگر را آنان می گویند. در عوض با آنها با سنت (حدیث) احتجاج کن در این صورت دست باز است و آنان گریز گاهی نخواهند یافت" (نهج البلاغه فیض الاسلام خطابه ی هفتاد و هفتم) که آقای شفا در کتاب پس از ۱۴۰۰ سال آن را واقعیت خوانده است. چگونه می توان دو پهلوپی را آن هم از زبان حضرت علی (ع) پذیرفت؟

۳- آیا شما با آثار آقایان شجاع الدین شفا و دکتر مسعود انصاری (روشنگر) و همچنین کتاب ۲۳ سال آقای علی دشتی درباره اسلام آشناست؟ نظراتن چیست و آنها را چگونه کتاب هایی می بینید؟

*** پاسخها به سه پرسش:**

۱- تفسیر مرحوم طباطبائی را دوباره خواندم. او استدلال مرا رد نمی کند. یک طرز فکری را با توسل به منطق صوری توجیه می کند. طرز فکری توجیه می شود که از آیه بر نمی آید، راست بخواهی از فلسفه ارسطو بر می آید. صاحب المیزان، خود تصریح می کند که در تفسیر منطق صوری را بکار برده است. اما بسا غفلت داشته است که منطق صوری را اولاً تنها بر اصل ثنویت تک محوری می توان بکار برد که ضد توحید است و ثانیاً بکار بردن منطق صوری عقل را از دیدن واقعیتها ناتوان می کند. چرا که تنها محور فعال را می بیند و محور فعل پذیر را جز بعنوان مطیع محور فعال نمی بیند. نخست ببینیم محور فعال و محور فعل پذیر کدامها هستند و سپس بتکریم که

مؤمنان هستند. رابطه محور فعال و محور فعل پذیر با اطاعت دومی از اولی برقرار می شود. اولی الامر می باید معصوم باشد زیرا او امر و نواهی خداوند را بی کم و کاست به اجرا می گذارد. و معصوم جز امامان دوازده گانه نمی توانند باشند. بدین سان، توجیه او، مطاع بودن غیر معصوم را رد می کند. به سخن دیگر، کسی نمی تواند به نمایندگی از معصوم دعوی ولایت بر مردم را بکند.

۱،۲- اما غفلت ها: الف - غفلت از این واقعیت که پیش از تصمیم، امری وجود ندارد تا اطاعت معنی پیدا کند. ب - از محتوای امر خدا و پیامبر غفلت می شود. در حقیقت، از خداوند که حق مطلق است جز حق صادر نمی شود. پس محتوای امر حقوق هستند. حقوق، ذاتی حیات انسانند و اطاعت از خدا و پیامبر، عمل به حقوق است. بدین قرار، عمل به حقوق، آزاد شدن به یمن رابطه با خداوند و غافل نشدن از استقلال و آزادی و حقوق خویش است.

ج - از این واقعیت غفلت می شود که مقام قضاوت با مقام اجرا متفاوت است. پیامبر، در مقام قاضی، حکم بر حق می دهد و در دادن حکم از اصول راهنمای قضاوت پیروی می کند. پس اطاعت از امر، اطاعت از حکم قاضی است.

د - از این واقعیت غفلت می شود که پیامبر، بنا بر نص قرآن، برگزیده مؤمنان بود. پس در اموری که به وحی مربوط نمی شدند، بعنوان منتخب مردم عمل می کرد.

ه - از این واقعیت غفلت می شود که معنی آیه نباید با معانی آیه های دیگر قرآن تناقض پیدا کند. معنی که او به آیه می دهد، با آیات «هر کس خود خویش را هدایت می کند» و «مؤمنان و مؤمنات ولی یکدیگر هستند» و با آیه هائی که پیامبر را مالک و وکیل و پدر و... مردم نمی شناسد، تناقض پیدا می کند.

۱،۳- یکجا می گوید حق شور را برای مؤمنان شناخته است اما حق تصمیم را از آن پیامبر دانسته است. بکار بردن منطق صوری، در نتیجه محور فعال گرداندن پیامبر، او را از این واقعیتها غافل کرده است:

الف - از این واقعیت غفلت کرده است که امور خارج از امر وحی و تشریح، به مردم راجع هستند. زیرا فرمود: امر هم شوری بینهم.

ب - از این واقعیت غفلت کرده است که عزم، مرحله شور و رسیدن به اجرا است. اگر امری نباشد، عزمی وجود ندارد.

مرحله ای که در آن، امر ایجاد می شود، مرحله شور و رسیدن به ایجاد امر است. در این مرحله، اطاعت نه موضوع دارد و نه ممکن است. حال آنکه در مرحله اجرا، منتخب شورا که ولی امر می شود، مجری است و مقام اجرا مقام اطاعت است. با این وجود، در مقام و موقع اجرا نیز خداوند امر به شور می کند. به این ترتیب، ۱،۴- هر گاه از غفلت های بالا بدر آئیم، آیه های قرآن چون آب زلال و روان می شوند:

۱- قرآن را بمنابیه روش، خداوند به پیامبر وحی می کند. پس ایجاد کننده امر خداوند است. آن بخش که نیاز به تشریح چگونگی اجرا دارد (برای مثال، نماز در قرآن است و ترتیب نماز گزاردن را پیامبر، آن سان که خداوند به او می آموزد، تشریح می کند) را پیامبر انجام می دهد. پس ایجاد کننده این امر پیامبر است. ۱- قضاوت مقام تشخیص حق و دادن حق به حق دار است. پیامبر در مقام

که صدور حکم است را، پیامبر، بر وفق قرآن، ایجاد می کند. بدینسان با تحقق امر که صدور حکم قاضی است وارد مرحله اجرا میشویم. این مرحله، مرحله اجرای حکم است.

۱- در آنچه به زندگی انسانها مربوط می شود، امر را خود آنها ایجاد می کنند، زیرا فرمود امر هم شوری بینهم. مقام ایجاد امر، مقام اطاعت نیست زیرا در این مقام، اطاعت محال است. این مقام، مقام شور با هدف ایجاد امر است. پس از آنکه امر ایجاد شد، نوبت به اجرا می رسد. این مقام، مقام اطاعت است. کسی که مردم او را بر می گزینند، ولی امر اجرا می شود. نخست او می باید از مصوب شورا را اجرا کند و سپس، بهنگام اجرا، می باید از او اطاعت کرد. با این وجود،

۱- در این مقام نیز، خداوند به پیامبر، دستور می دهد شور کند. چنان مسئولیت اجرا با او است، هر گاه خواست نظر شورا را در اجرا نیز رعایت کند، بر او است که به خداوند توکل کند. در باره آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، مرحوم طالقانی این نظر را اظهار کرده است (پرتوی از قرآن، قسمت پنجم جلد سوم صفحه های ۲۹۵ و ۲۹۸):

آیه بعد از شکست در جنگ احد نازل شد. با وجود این، «اصل شورا را تحکیم می کند چون پایه اجتماع اسلامی است» و برای همیشه تا اندیشه ها و استعدادهای بروز کنند و هر صاحب رأیی خود را شریک در سرنوشت بدانند و مسلمانان برای آینده و همیشه تربیت شوند و بتوانند در هر زمان و هر جا بعد از غروب نبوت، خود را رهبری کنند... فاذا عزم فتوکل علی الله... تفریح بر «شاورهم فی الامر» است که چون در مشاوره رأی بر انجام کاری انجام گرفت، باید عزم کنی و تصمیم قاطع بگیری، دیگر تردید و شک و دو دلی به خود راه ندهی و توکل به خدا کنی ...»

یادآور می شوم که در یونان قدیم، با وجود دموکراسی، بهنگام جنگ، بک فرمانده معین می شد و ولایت مطلقه می جست. در جنگ احد نیز، همان روش را پیشنهاد کردند. پذیرفته نشد چرا که، بنا بر اصل، «امر آنها شور است آنها بود». چون شکست خورد آمد، جانشینان آن نظر، بر درستی آن بیشتر اصرار کردند. این شد که آیه ۱۵۹ سوره آل عمران اصل شورا را تثبیت کرد. با توجه به این که مقام جنگ، مقام اجرا است و در این مقام، هدف و روش برگزیده می شوند و نقشه تهیه می گردد، در این مقام نیز، آیه اصل شورا برقرار می کند. در سال روز جنگ ۸ ساله، مقایسه کنید روش آقای خمینی (تا من هشتم جنگ هست دعا کنید خمینی بمیرد ...) را با رهنمود قرآن.

بدین سان، آیه های قرآن، با یکدیگر خوانائی پیدا می کنند. کمتر تناقضی بوجود نمی آید. آیه ها هماهنگ می شوند تا به انسانها بهترین روش زندگی جمعی را بیاموزند. روش زندگی جمعی که بخاطر مدار شدن قدرت و غفلت انسانها از استقلال و آزادی و حقوق خویش، در هیچ جامعه ای، بکار نمی رود. در جامعه های مسلمان هیچ آنچه به سازمان دادن زندگی جمعی مربوط می شود:

- ولایت با جمهور مردم می شود که از راه شرکت در شورا و ایجاد امر، این ولایت را اعمال می کنند (مردم سالاری شورائی). - مردم یا خود مجریان امر می شوند و یا آنها را انتخاب می کنند. در صورت انتخاب، مجری با مجریان، در باره چگونگی اجرا با مردم و یا منتخبان آنها شور می کنند. نیکوترین کار اینست که نظر شورا را به اجرا بگذارد یا بگذارند. زیرا روش تجربی است و رعایت نظر شورا، هم محب



استقلال و آزادی می شود و هم تصحیح خطاها را آسان می سازد. ۲- پاسخ پرسش دوم شما اینست:

در نهج البلاغه ترجمه فیض الاسلام، جزء نامه ها، شماره ۷۷ است و متن عربی و فارسی آن اینست:

و من وصیه له علیه السلام [۵] لعبد الله بن العباس، لما بعثه للاحتجاج علی الخوارج [۶] لا تخافهم بالقرآن، فان القرآن حمال ذو وجوه، و نقول و یقولون، [۷] ولکن حاججهم بالسنه، فانهم لن یجدوا عنها محیصا ترجمه

[۵] از سفارشهای امام علیه السلام به عبدالله بن عباس هنگامی که وی را برای گفتگو نزد خوارج فرستاد [۶] با آیات قرآن با آنها محاجه نکن چرا که قرآن برای این لجوجان [معانی مختلف و امکان تفسیر گوناگون دارد. تو چیزی می گوئی و آنها چیز دیگر] و سخن به جای نمی رسد [۷] لکن با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با آنها بحث نما که در برابر آن پاسخی نخواهند یافت [و مجبور به تسلیمند]

پرسش کننده گرمای توجه کند که قولی که او نقل کرده است، نه با متن عربی می خواند و نه با متن ترجمه فیض الاسلام.

۲، ۱- نخست یادآور شوم که هرگاه سنت را «گفته ها» (حدیث) بشماریم، چنانکه پرسش کننده در پرسش آورده است، قول منسوب به علی (ع)، تناقض پیدا می کند با نص قرآن که خود را «مبین و بدون اعوجاج توصیف می کند. راستی نیز اینست که بنا بر اصول راهنمای قرآن و بر اساسی شناسائی امراهی واقع مستمر، خواننده، قرآن را سراسر شفاف و سر راست می یابد. و نیز، تناقض پیدا می کند با قول و فعل علی (ع) که او خود را قرآن ناطق خواند. آیا خود او آسانی دو پهلو بود؟ آیا وی فراوان انسانهای دو پهلو را انتقاد نمی کرد؟ و باز تناقض پیدا می کند با خطبه ۲۰۱ آن امام در پاسخ به پرسش در باره حدیث های دروغ.

۲.۲- این قول قطعی الصدور نیز نیست. با این قول «گفته های ما را به قرآن بسنجید اگر نتواند، به دورش افکنید»، نیز، تناقض دارد. مقابله قولها با قرآن از این اصل پیروی می کند که قرآن قطعی الصدور است و قول های پیامبر و امامان، قطعی الصدور نیستند. پس اطمینان از صحت آنها موکول است به مقابله آنها با قرآن.

۲، ۳- در قرآن تناقض نیست. اما در قول و فعلهای انسانها احتمال دادن وجود تناقض بجا است. جعل قولها که جاعلان می کنند نیز بخاطر وجود این احتمال حتی در قول و فعل پیامبر است. از این رو، احتجاج به حدیث، با توجه به وجود احادیث ضد و نقیض، راه به جانی نمی برد. زیرا یکی می تواند به حدیثی استناد کند و دیگری به حدیثی نافی آن. پس علی (ع) نمی فرماید به قرآن احتجاج نکنید و به حدیث احتجاج کنید.

۲، ۴- و اما اگر سنت، عمل یا قول پیامبر باشد، بنا بر این که بنا بر فرض، سنت همان قرآن است وقتی به عمل در می آید، هرگاه قطعی باشد که عمل یا قول پیامبر ترجمان آیه ای و با آیه هائی از قرآن است، سنت او جای چون چرا در معنی آیه یا آیه ها باقی نمی گذارد. در این صورت، سنت معنی شفاف و سر راست قرآن را به دست می داد. باوجود این، اشکال باقی می ماند:

۲، ۵- بنا بر قرآن، کتاب برای آن است که (سوره نحل، آیه ۶۴):

«ما این کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر آنچه را که برسرش اختلاف می کردند، برای آنها تبیین کند و برای قومی که ایمان می آورند، هدایت و رحمت باشد.»

پس پرسیدنی است از چه رو امامی پس علی (ع) به، از ان. عباس. نم.

برحق باید ایستاد تا زورپرست تسلیم حق شود

با این توضیح، به پرسش شما پاسخ می دهیم: ۱- کتاب ۲۳ سال را در دوره شاه، خوانده ام. آن زمان، از من خواستند بر آن ردیه ای بنویسم. اما این کار را نکردم. زیرا روا ندیدم وقت را به جای پرداختن به بیان آزادی، صرف ردیه نوشتن بر کتابی کنم که افزون بر کم عمق بودن، فراوان تحریف و جعل در بردارد.

بعد از مهاجرت، چون بر اثر گفتار و کردار روحانیان زورپرست، زمینه رد و انکار اسلام فراهم گشت، از من خواستند کتاب ۲۳ سال را نقد کنم. یکبار دیگر آن را خواندم و باز بهمان نتیجه رسیدم که نباید وقت را صرف این کار کنم. بخصوص که مشغول تحقیق در مردم سالاری بودم و این تحقیق، ۲۰ سال از وقت را از آن خود کرد.

۱ اما نوشته های آقای شجاع الدین شفا، دو نوعند. نوعی از آنها ترجمه ها هستند. پیش از آمدن به فرانسه، ترجمه های او را می خواندم. بخاطر قلم روان و زیبایی. و نوع دیگری از این نوشته ها، آنها هستند که بعد از انقلاب قرآن را نقل و یا از نوشته های من و دیگران نقل کرده است. از نقل قولهایی که از من کرده است، یکی نیز راست نیست. آیه هایی که نقل کرده است، باز یا وجود ندارند و یا او جعل معنی کرده است. چند نمونه:

۱- در جلد ۱ جنابیت و مکافات (صفحه ۹۹) از خیانت به امید (صفحه ۳۲۵) بنی صدر این قول را نقل کرده است:

«...و سرانجام انتشار غیر منتظره بسیاری از اسناد محرمانه سفارت آمریکا در تهران، نادانسته ها و ناگفته های فراوانی را آشکار نماید، تا این واقعیت بخوبی روشن شود که ما نه از روز اول مسلمانان دو آتشه ای بودیم، نه به رهبر عالیقدر انقلاب اعتقاد زیادی داشتیم، نه در جریان انقلاب از «نادانیهای» او و از «بی محتوایی اندیشه هایش» بی خبر بودیم»

در صفحه ۳۲۵ کتاب خیانت به امید، کلمه ای از این نقل قول وجود ندارد. این جمله ها با این معانی در هیچ جای آن کتاب نیز وجود ندارند. ۲- در صفحه ۱۰۰ جلد اول، باز قولی را از صفحه ۳۳۰ کتاب خیانت به امید نقل می کند، که در آن صفحه آمده است وجود ندارد. در آن صفحه آمده است که پاسخهای پرسشهای روزنامه نگاران را هیأتی مرکب از بنی صدر و دکتر یزدی و قطب زاده و... تهیه می کردند. در کتاب مکافات و مجازات این سان به توهین و تحقیر آقای خمینی بدل شده است:

«... زیرا بعدا خود ما اعتراف کردیم که این گفته ها حتی منعکس کننده نظرات خود او نبود. حرفهایی بود که ما برایش می نوشتیم و در هنگام مصاحبه ها، در دهانش می گذاشتیم و...» ۳- در صفحه ۳۸۰ جلد اول، قولی را از بنی صدر نقل می کند (خیانت به امید صفحه ۲۸۶) که نصف قول است. بنا بر این، راست را به دروغ بزرگ بدل کرده است:

«در تابستان سال ۱۳۵۵، در منزل آقای دکتر تقی زاده در لندن، آقای ب.ب. که به تازگی از ایران آمده بود، گفت که امریکائیان به او و سی نفر از مدعوین دیگر، در جلسه ای، در سفارت، گفته اند که دولتمردان ایران آثار ناتوانی از خود ظاهر می کنند و باید گروهی تازه جایشان را بگیرند. اگر آمادگی دارید و در خود این توانائی را می بینید، وارد گود شوید ما حمایتان می کنیم»

قول را نصف کرده است ب.ا. اب.

برخوردار بوده اند. دنباله نقل قول اینست:

« بنا بر قول او، این گروه پاسخ داده اند: شما باید بروید به سراغ کسانی که به مبارزه سیاسی مشغولند و بدین صفت در میان مردم اعتبار دارند. ما تکنوکرات هستیم. مقام امریکائی می پرسد: مقصودتان چه کسانی است؟ می گویند: کسانی نظیر بنی صدر. و مقام امریکائی پاسخ می دهد: نه او و نظیرهای او نمی شوند. مارکسیست و طرفدار مسکو هستند. به او جواب می دهند: چنین نیست. مارکسیست نیستند و طرفدار مسکو نیز نیستند. مقام امریکائی می گوید: یک هفته بعد یکدیگر را ببینیم. در این دیدار، همان مقام می گوید: درست است. آقای بنی صدر مارکسیست و طرفدار روسیه نیست. اما با سیاست امریکا دشمن است.»

بدین سان، با نیمی از قول، سفید را سیاه می کنند: امریکائیان خواهان گروهی بوده اند طرفدار سیاست امریکا برای این که جاننشین متضدیان فرسوده رژیم شوند. خواهان انقلاب و تغییر رژیم نبوده اند.

در جلد های ۲ و ۳ به همین رویه جعل قول و ساختن بزرگ ترین دروغ ادا شده داده و در صفحه ۲۰۱۲ کتاب (جلد سوم) شاهکاری از دروغ و جعل ساخته است. در کتاب خیانت به امید (صفحه ۱۵۹) صحبت از گروه گاتیکری است. او قول را چنان نقل کرده است که پنداری سخن از انقلاب ایران است:

«حالب این جاست که حتی نخستین «رئیس جمهوری» رژیم ولایت فقیه ... در همین زمینه با دیگر صاحب نظران منتقد همصدا شده است:

«نه تنها مردم ایران که مردم آمریکا نیز فریب خوردند و به دستگاه حاکمه خود اجازه دادند انقلاب و زندگی ملتی را ویران سازد. اما باید بدانند که خودشان نیز بهای سنگین این ویران سازیها را خواهند پرداخت. آیا کسانی پیدا خواهند شد و درصدد تحقیق در این مسئله بر خواهند آمد و مسئولان این فاجعه بزرگ را که اینهمه ویرانی به دنبال آورده است، تعیین و به افکار عمومی آمریکا معرفی خواهند کرد؟ آیا این تحقیق در صورت انجام، وجدان ملت امریکا را نسبت به دستگاه حاکمه امریکا آگاه خواهد ساخت؟»

خود محمد رضا شاه، در آخرین روزهای زندگی پر ماجرای خویش، در ارزیابی همین واقعیت نوشت:

«همانهائی که به اصرار از من خواسته بودند بخاطر خدمت به صلح جهان، پاسدار امنیت خاورمیانه باشم، حالا از درخوش آمدگویی به کسانی درآمده اند کشور ایران را به ویرانی می کشانند...»

بدین سان، مسئله ای که گروه گاتیکری است - که بر اثر پی گیری بنی صدر مجلس امریکا کمینته تحقیق برای تحقیق در باره آن منتشر کرد و محققانی چند به تحقیق در باره آن پرداختند و تحقیق های خود را منتشر ساختند - با انقلاب جاننشین می شود و عامل انقلاب نیز امریکا می گردد!

در کتاب «تولدی دیگر» همین روش را با قرآن بکار برده است: در سراسر کتاب او، حتی یک مورد که آیه ای را بی کاستن و افزودن آورده باشد، وجود ندارد. وقتی لازم دیده است، به قرآن، آیه نسبت داده و آیه ساخته خود را دست آویز ردیه نویسی کرده است. تفاوت او با علی دشتی اینست که دشتی زمانی روحانی بوده و چون او، دروغ را فاحش نساخته است. این امر که لازم دیده اند به آیه ها معانی دلخواه را بدهند و یا نصف آیه ها را بیاورند و به آن معنی دلخواه را

معنی آن را قلب کرده است:

هر کس راست را دروغ می کند، عقلی قدرتمند دارد و هیچ زورپرستی به رد حق و حقیقت توانا نمی شود. چند نمونه:

۱- نسبت دادن آیه های «متعدد» به قرآن که در قرآن نیستند: در صفحه ۲۳۳ کتاب تولدی دیگر می نویسد: «آیات متعددی از قرآن گواه بر اینند که بت ممتزای بنام الله، از پیش از اسلام، در عربستان شناخته بوده است و مقامی مافوق بت های دیگر داشته است.»

بدیهی است که حتی یک آیه در قرآن چنین دروغ بزرگی را در بر ندارد. خود او، آیه ای را نقل می کند که وارونه ادعای او را ثابت می کند: «اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را در جای خود قرار داد؟ پاسخ خواهند گفت: الله. و اگر بپرسی چه کسی باران می فرستد و زمین مرده را زنده می کند؟ جواب خواهند گفت: الله. پس چرا امروز روی از حقیقت می گردانید؟» عنکبوت (۶۱ و ۶۳)

حال این که آیه قرآن اینست (سوره عنکبوت، آیه ۶۳):

«و اگر از آنها از آفریننده آسمانها و زمین و نظم دهنده به گردش خورشید و ماه بپرسی، خواهند گفت: الله. پس چرا خود را به فریب می سپارند؟ * اگر از آنها بپرسی چه کسی از آسمان آب نازل می کند و بدان زمین را، پس از مرگ (خزان)، زنده می گرداند، هر آینه خواهند گفت: الله. سپس گو خدا را، بسا بیشتر آنها نمی اندیشند.»

آیه ها به روشنی تمام از آنها سخن نمی گوید که الله را بت بزرگ می دانسته اند، از آنها سخن می گوید که خداوند را خالق هستی می دانند و بدو روی نمی آورند. به هیچ روی سخن از آنها که بت می پرستند بمیان نیست.

او چون فکر کرده است همگان بر این باورند که مردم عربستان بت پرست بوده اند، پس می پذیرند که لاید مردم عربستان الله را بت بزرگ می دانسته اند و گرنه از کسانی که الله را جز بت نمی شناخته اند، چگونه بتوان از الهی جز بت پرسید؟ غافل از این که قرآن هر زمان از بت سخن بمیان می آورد (از جمله وقتی بت شگنی ابراهیم و سخن گفتن او با بت پرستان را شرح می دهد)، از بت پرستان می پرسد: شما بتی را می پرستید که به کاری توانا نیست؟

آیا او می دانسته است که الله قرآن، بت بزرگ عرب نبوده است و بسیاری از عبرت خدا را خالق هستی می دانسته اند الا اینکه بت را شیخ می شمرند و بنا بر قرآن (سوره اعراف آیه ۱۸۰)، به بتهای خود، اسامی می دادند که خداوند را هستند، یا می دانسته و از بی اطلاعی خوانندگان، سوء استفاده کرده است؟ اگر خود نمی دانسته چهل خویش را تبلیغ کرده و خوانندگان کتاب خویش را در جهل فرو برده و اگر می دانسته خوانندگان خود را فریب داده است.

۲- مورد نصف آیه را نقل کردن و آیه ها را جا به جا کردن و به آیه ها معانی دلخواه را دادن: در صفحه ۳۴۲ کتاب «تولدی دیگر» آورده است: «زنانی را به نکاح خود درآورد که مورد پسندتان باشند. دو یا سه و یا چهار. و چنانچه دلپسندتان نبودند، در امر طلاق دغدغه ای به خود راه ندهید» (نساء، ۱۹)

اما قسمت اول، بخشی از آیه ۳ سوره نساء است که با کاستن و افزودن به آن، نقل کرده است. قسمت دوم، قسمتی از آیه ۱۹ همین سوره است که معنی آن را قلب کرده است:



فتنه

طائب می گوید: او از طریق ابطحی به اسرار موشکهای دور برد پی برده و آنها را در اختیار امریکا گذاشته بود. بنا بر «ساختار فتنه» نیز، او یکی از رابطهای «سران فتنه» با امریکا است. معنی سخن او اینست که سردار مشفق راست گفته است که گروگانگیری طرح امریکائی بوده که توسط موسوی خونینی ها و دستیاران او، از جمله عباس عبیدی، به اجرا گذاشته شده است:

از خبر آن لاین (۲۹ شهریور ۲۰۱۰): در زمان آقای خاتمی، سیاه متوجه شد که اطلاعات مربوط به موشکهای دور برد لو رفته است. پیگیری کردند و دیدند یکی از کسانی که در این ماجرا دخالت داشته، آقای عباس عبیدی بوده است. این موجب شد که بیشتر بررسی کنند. بعد متوجه شدند که دشمن به ما خیلی نزدیک شده است. تحقیقات نشان داد که آقای ابطحی با موضوعات سری سروکار دارند و این اطلاعات به ایشان می رسد. ایشان هم با همین جریانات ارتباط داشتند. اسناد و مدارک این ماجرا که منتشر شد، آقای عبیدی هم که دستگیر شدند. این جریانات هم در قالب اطلاعات سری مطرح شد و به ما رسید. آقای ابطحی و عباس عبیدی با هم ارتباط داشتند. یعنی آقای که اطلاعات هسته ای ما را داشت با ایشان ارتباط داشتند. اما من نگفتم که آقای ابطحی این حرف ها را به کسی زده است.

۸- محمود کاشانی شرح می دهد که چنان بهزاد نبوی، مجلس را در مورد قرارداد الجزیره فریب داده است. چون روبرت باری نیز مقاله جدیدی انتشار داده است، به سخنان محمود کاشانی و نوشته روبرت باری، در شماره آینده، به تفصیل می پردازیم.

۹- دفتر میر حسین موسوی تقشیش و هر آنچه در آن بود خالی شد و او و کروی، ممنوع الملاقات شدند. خاتمی به خامنه ای هشدار داد که حذف کنندگان امروز، فردا در برابر رهبر خواهند ایستاد. با گذشت ۲۹ سال از کودتای خرداد ۶۰، او تازه می پرسد: مگر ما انقلاب نکردیم آزاد باشیم؟! ۱۰- پیش از تشکیل مجلس خبرگان، صحبت از جانشین کردن رئیس مجلس، هاشمی رفسنجانی با محمد یزدی بود. اما احمد خاتمی گفت: تغییر رئیس مجلس خبرگان در دستور کار مجلس نیست. مجلسی که تشکیل شد، همان شخص گفت مجلس خبرگان حق پرسش از رهبر را ندارد چه رسد به استیضاح. البته به این دلیل که رهبر را خداوند معین می کند و مجلس کشف می کند! حال آنکه بنا بر اصل ۱۱۱ قانون اساسی، مجلس خبرگان حق استیضاح و عزل رهبر را دارد. حال اگر این مجلس حق پرسیدن نیز نداشته باشد، یعنی، رابطه واژگونه می شود و از این پس، همه ارگانها تحت امر سه سازمان کودتا کننده قرار می گیرند. بخصوص که احمدی نژاد استقلال سه قوه از یکدیگر را «غریب» و مطرود می داند. لابد از دید او یک قوه بیشتر وجود ندارد و آن قوه «قدرت» است و قانون گذاری و قضاوت می باید مطیع محض قدرت باشند. و

□ اگر پیش از انتخابات آینده، خامنه ای بمیرد؟

◀ در ۲۸ شهریور ۸۹، ندای سبز آزادی خبر زیر را انتشار داده است: گفتنیست شکری به این دلیل که اهل مازندران و آذربایجان و همکاران فدایی رحیم مسای در وزارت اطلاعات، دستگیر شدند. در ادامه

انتخابات سال آینده زنده باشد» و این حرف به گوش رهبری رسیده است بر کنار شده است.

انقلاب اسلامی: این را می دانیم که خامنه ای بیمار است. پس از قلب بزرگ، نیز، دلیل تحمیل احمدی نژاد را بهر قیمت، احتمال مرگ خامنه ای و بنا براین، گزینش جانشین او دانستیم. با آنکه از میزان صحت خبر آگاه نیستیم، اما وقتی خبر را با «ساختار فتنه» و موضعگیریهایی احمدی نژاد و... مقابله و مقایسه می کنیم، تردیدهایمان برطرف می شود که غیر از تغییر اساسی برای آنکه دولت تحت سیاه و اوواک و قوای انتظامی قرار بگیرند، مسئله جانشین خامنه ای نیز مسئله روز است. در رژیم در گیر با ۵ چالش بزرگ، مافیاهای نظامی - مالی در نقش بند ایوان هستند:

رژیمی که در درونش همه با همه در نزاع هستند، با ۵ مشکل بزرگ روبرو است - ۲:

۴- مشکل چهارم، مخالفت همگانی مردم ایران با رژیم و ترس رژیم از جنبش مردم:

۱ رژیم حاکم، از خرداد ۸۸ بدین سو، با استفاده از کلیه امکانات و ترفندهای فریبکارانه در تبلیغات رسانه ای و به کار گیری تمام داشته های نظامی - امنیتی - اطلاعاتی - چماقداری - قضایی و ... تلاش کرده است مرگ جنبش را به حامیان و حواریون خود بقبولاند. جنبش اضطراب ناشی از بیم است و سقوط رژیم را در دههای سران و حامیان جنبش انداخته است. از این رو، بازگرداندن روحیه ضرورت تمام یافته است. بخصوصی که هر چه از هنگام اعلام مرگ جنبش بیشتر گذشت، رژیم نه تنها متوجه شد که جنبش نمرده است، بلکه خطر به جنبش در آمدن لایه های زیرین اجتماع را بیشتر احساس کرد. به گونه ای که دیگر صحبتی از مرگ به قول خودشان فتنه نمی کنند. جز این که واواک و سپاه و نیروهای انتظامی گزارش مشتری را در عنوان «ساختار فتنه» انتشار داده اند. در سازمان نمائی که در صفحات اول این گزارش درج است، هاشمی رفسنجانی رهبر و مقام دوم بعد از او، خاتمی و موسوی و موسوی خویینی ها قرار دارند. دادستان تهران و انقلاب نیز گفته است: سران فتنه محاکمه خواهند شد و پرونده مهدی هاشمی باز است و او به ایران احضار شده است. در ۲۵ شهریور نیز دفاتر میر حسین موسوی، مورد تقشیش مأموران رژیم قرار گرفتند.

۱ در آخرین صحبت های سید علی خامنه ای، در دیدار با سران سه قوه و نمایندگان، او خواست آنهایی را که بنا به دلایلی از حاکمیت دور شده اند، را برگرداند - نقل به مضمون - سخن او نشان داد که نه تنها خود او بلکه دستیاران او نیز به این نتیجه رسیده اند که بر خلاف تبلیغات فریبکارانه صدا و سیما و ائمه نماز جمعه و مطبوعات وابسته که معتقد بودند در روز ۲۲

شکل های دیگر در آمد- و از آن روز به بعد دیگر صحبتی از فتنه گران نیست و مردم از گرد آنها، پراکنده شده اند، جنبش نمرده است. در حقیقت، بعد از بیش از شش ماه از آن تاریخ، همه اصولگرایان به این نتیجه رسیده اند که با توجه به عملکرد کودتاچیان، این باند کودتا است که حامیان خود را از دست داده و این جنبش است که بر حامیانش افزوده گشته و روز به روز توانمند تر می شود.

با بررسی عملکرد کودتاچیان مشخص می شود که حاکمان مستبد برای از بین بردن جنبش ملت ایران دست به اعمال فراوانی زده اند. اما آخرین سخنرانی سید علی خامنه ای معلوم کرد که در این کار موفق نشده اند. در زیر یک چند از روش های کودتاچیان برای فرو خواباندن جنبش را فهرست می کنیم:

۱ قبل از فهرست روشهای کودتاچیان، لازم می بیند یادآور شود که استبدادیان متوجه شده اند که دیگر مشروعیت لازم را برای ادامه حیات رژیم ندارند. اگر تن به انتخاب مردم در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری بدهند، قطعاً با انتخاب یکی از کاندیداهای مخالف، ادامه فشار و اختناق و چپاول اموال ملت سخت خواهد شد. ناکزبر، بخشی از قدرت فرا قانونی خود را از دست خواهند داد. لذا تصمیم به کودتا گرفتند و معتقد بودند که می توانند با استفاده از نیروهای سرکوبگر خود، صدای اعتراض مردم را طی چند روز خاموش سازند. اما بعد از کودتا متوجه شدند که مأموران اطلاعات سیاه و اوواک و نیز مشاوران آنها فاقد اطلاعات لازم و درک صحیح از رفتار مردم بوده اند:

۱. روشهایی که استبدادیان برای خواباندن جنبش بکار برده اند:

۱ - قلب گسترده در انتخابات به فرمان سید علی خامنه ای. این فرمان توسط سیاه پاسداران و بسیار ناشیانه و نابخردانه اجرا شد. آقصد نانشیانه و نابخردانه دستور اجرا شد که خود اصولگرایان متوجه شدند قلب بیش از بزرگ است و آشکارا انجام شده است که بتوان از پی آمدهایش گریخت. امروز در «ساختار قدرت»، کوشش برای دو مرحله ای کردن انتخابات ریاست جمهوری را به پای «سران فتنه» می نویسند. اما رویه استبدادیان اینست که قول و عمل خود را به کسانی نسبت می دهند که می خواهند حدفشان کنند. حقیقت اینست که بخشی از اصول گرایان بر این نظر شدند که اگر انتخابات ابطال نمی شود، دست کم وقوع تقلبات گسترده تصدیق شود و با ابطال تعداد لازم از آرای قلابی، شورای نگهبان انتخابات را دو مرحله اعلان و ترتیب دور دوم را بدون قلب بدهد تا مگر بریدن مردم از رژیم قطعی نشود.

برخی از یاران کودتاچیان که از قبل از برگزاری انتخابات، انتخاب مجدد احمدی نژاد را با حدود ۲۴ میلیون رای اعلام کرده بودند - مجتبی هاشمی ثمره و حجت الاسلام حمید رسایی و خانم لاله افتخاری -، گرچه زمینه سازی بود، اما پیشاپیش معلوم کرد که قلب بزرگ انجام خواهد گرفت. اشتباه بزرگ نامزدهای اصلاح طلب این بود که از بیم تحریم انتخابات توسط مردم، نه تنها مردم را از قطعی بودن قلب بزرگ آگاه نکردند، بلکه گفتند هر اندازه میزان مشارکت مردم در دادن رای بیشتر باشد، خطر و اثر قلب کمتر می شود. تماس تلفنی لاریجانی و باهنر با موسوی و تبریک گفتن پیروزی او در

در فصل سوم، به آن بخش از خاطرات تونی بلر، نخست وزیر پیشین انگلستان می پردازیم که بنا بر آن، دیک چنی اصرار داشته است بعد از عراق به ایران حمله شود. در این فصل به نظرها و خبرهای گویای وضعیت ایران در منطقه و جهان نیز می پردازیم.

در فصل چهارم، خبرها و داده های اقتصادی گویای ورشکستگی دولت و رکود اقتصادی را از نظر خوانندگان می گذرانیم.

در فصل پنجم، قسمت دیگری از فهرست اسامی اعضای مافیاهای را می آوریم که در رژیم ملاتاریا صاحب مقام و موقع شده اند. و بالاخره در فصل ششم، خبرهای تجارزه با به حقوق بشر را می آوریم:

بفرموده سه سازمان حاکم بر کشور، هاشمی رفسنجانی و اصلاح طلبان باید حذف شوند:

اهداف و استراتژی:

۱ - هدفهای بلند مدت: 1 تغییر و تجدید قانون اساسی - حذف رهبری و ولایت فقیه - صدا و سیما - شورای نگهبان - نیروهای مسلح - محدود کردن رهبری - مصوبات مجلس - حوزه دین و مذهب.

هدفهای میان و کوتاه مدت:

1. ۱ - حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان و ۲ - حذف احمدی نژاد به هر قیمت و ۳ - بازگشت به قدرت و ۴ - طرح محدود و پاسخ گو کردن رهبری. * بازگشت به قدرت: بدون کمک رهبری و با عبور از مبنای دینی. * طرح محدود و پاسخگو کردن رهبری از راه: ۱ - فعال کردن مجلس خبرگان جهت نظارت و نقد رهبری، ۲ - شورائی و مدت دار کردن رهبری، ۳ - تعیین مرجع رسیدگی به شکایات از رهبری، ۴ - بوجود آوردن (امکان) عزل رهبری توسط محاکم قضائی، ۵ - تدوین شرح وظائف جدید برای رهبری و ۶ - تشریفات کردن رهبری.

نمودار سازمان و ارتباطات فتنه:

* لایه رهبری:

هاشمی رفسنجانی موسوی خویینی ها و محمد خاتمی و میر حسین موسوی متصدیان لایه طراحی و سازمان دهی: مهدی هاشمی و عطر یانفر و بهزاد نبوی و تاج زاده و امین زاده و لاری و مرعشی سازمانهای سیاسی مجری: مشارکت و

سازمانهای مجری دستیار سازمانهای بالا:

- ۱ - گروهکها و ضد انقلاب به ویژه منافقین و نهضت آزادی و
- ۲ - NGO های داخلی (گفتگوی تمدنها) و
- ۳ - ستاد میر حسین و
- ۴ - ستاد طلبان (فیضیه) و
- ۵ - ستاد کروی و
- ۶ - ارادل و اوباش.

1 ستاد طلبان (فیضیه) خود زیر مجموعه دارد:

ستادهای فرعی - پویش - سازمان رأی - کمیته صیانت.

1 ارادل و اوباش با ستاد طلبان اتصال پیدا می کنند از طریق ستاد ۸۸

* ارتباطات کشورهای خارجی و به ویژه امریکا و انگلیس با چهار لایه رهبری کننده «جریان فتنه»

- ۱ - NGO های خارجی
- ۲ - سفارتخانه ها و رسانه های بیگانه:
- ۱- نقش جواسیس
- ۲ - گروهک ها و ضد انقلاب، بویژه منافقین و نهضت آزادی.
- ۳ - NGO های داخلی (گفتگوی تمدنها).

انقلاب اسلامی: نخستین و آشکار ترین سخن این دو نمودار، اینست:

دولت مافیاهای نظامی - مالی می گویند بله مائیم که حکومت می کنیم و فهرست اسامی و سازمانهای آمر و مأمور اجرای «طرح فتنه» را مأموران ما تهیه کرده اند. کسانی که نامشان در این «تحقیق» آمده اند، باید حذف شوند:

۱ - چهار لایه رهبری کننده و سازمانهای مجری «طرح فتنه» که حذف آنها در دستور کار قرار می گیرد، شخصی می شوند.

۲ - سه سازمان تهیه کننده گزارش، یعنی سیاه پاسداران و اوواک و نیروهای انتظامی، دولت را در دست دارند و بر آنند که با حذف کسان و سازمانهایی که آمران و مأموران اجرای «طرح فتنه» را تهیه کرده اند، در حاکمیت بدون مزاحم شوند.

۳ - در برابر مافیاهای نظامی - مالی جبهه گسترده ای در درون رژیم قرار می گیرد.

۴ - نزاع ها که اصول گرایان با یکدیگر دارند و نیز بنا بر شنودها و «اعتراف» ها که در «ساختار فتنه» گنجانده اند، سه سازمان حاکم، وقعی نیز برای اصول گرایان سیاسی کار قائل نیستند.

۵ - هدف های دراز و میان و کوتاه مدت را داشتن، از دید مافیاهای نظامی - مالی جرم است.

۶ - انتشار گزارش همراه است با قول احمدی نژاد. او گفته است: آن زمان که امام گفت مجلس بالاتر از همه است، نخست وزیر بود. امروز دیگر مجلس بالاتر از همه نیست. یعنی مجلس و دستگاه قضائی می باید تابع قوه مجریه تحت امر مافیاهای نظامی - مالی باشند.

۷ - و حسین طائب سخنی بس شگرف



فتنه

است که آن دو، پیروزی موسوی را قطعی می دانسته اند. بسا فکر می کرده اند با گفتن تبریک، متصدیان تقلب را از تقلب باز می دارند. اما اشتباه می کردند. خامنه ای و سران مافیاهای نظامی - مالی در بیراهه ای افتاده بودند که بازگشت نداشت. مراجعه به «ساختار فتنه» جا برای تردید نمی گذارد که از دید خامنه ای و سران مافیاهای نظامی - مالی، پیروزی میرحسین موسوی را تغییر رابطه «رهبر» با جامعه به زیان رهبر و محدود شدن او در مرحله اول و حذف ولایت فقیه در مرحله دوم، می دانسته اند. آنها این «دلیل» را برای توجیه تقلب بزرگ ساختند و به این عنوان که مسئله مسئله بقای نظام ولایت است، تقلب را «شرعا» توجیه کردند.

۲- سرکوب های خیابانی: هنگام اعلام نتایج انتخابات، مردمی که می دانستند به چه کسی رای داده اند به خیابانها آمده و خواهان رای خود بودند. به دستور سید علی خامنه ای، سرداران سپاه پاسداران فرمان سرکوب مردم را به نیروهای سرکوبگر صادر کردند و آنها نیز در حمله به مردم ایران از هیچ خشونتیی فروگذار نکردند.

۳- از کلیه نیروهای چماقدار که پس از انجام جنایت، صفت «خود سر» به آنها داده می شود، در حمله به برخی مراکز که در جنبش نقش نیروی محرکه را داشتند، مانند خوابگاه دانشگاه و به قتل رساندن شماری از دانشجویان استفاده شد. پس از انجام جنایت در خوابگاه دانشجویان، سران رژیم کودتا گفتند حمله کنندگان به خوابگاه ناشناس و خود سر بوده اند! اما بعد از انتشار فیلمی که از حمله نیروهای انتظامی و چماقداران به خوابگاه توسط بی بی سی، پخش شد همه متوجه شدند «خودسرها» همان نیروهایی هستند که سید علی خامنه ای فرماندهی کل آنها را بر عهده دارد.

یکی از کسانی که هویت «خودسرها» را لو داد، شخص سید علی خامنه ای، فرمانده این گروه نظامی و چماقدار بود. او در پرسش و پاسخ با دانشجویان، در روزهای اخیر، گفت: برخیزا رفتند در مجلس و به برخی کارها اعتراض کردند - حالا چند نفری هم شعار تند تری دادند نباید که با آنها برخورد کرد (نقل به مضمون).

در این پاسخ، سید علی خامنه ای حمایت خود را از چماقدارانی اظهار کرد که به در مجلس آمدند و مجلسیان را تهدید کردند که مجلس را به توپ می بندند. آنها شعارهای تهدید آمیز و ناسزا آمیز بر ضد نمایندگان مجلس سردادند. با ارباب نمایندگان، آنها توانستند «نمایندگان» را وادار کنند رای را که به طرح دانشگاه آزاد، داده بودند، باطل کنند.

حمایت سید علی معلوم کرد که اولاً او خود دستور حمله به مجلس را داده است، اگر نه، آلت فعل مافیاهای نظامی - مالی و ناگزیر است زورکونی های آنها را تصدیق و تصویب کند. ثانیاً وضعیت رژیم چنان بهم ریخته است که مجلس خط سید علی را نمی خواند و برای ارباب مجلس نیاز به چماقداران است. موارد دیگر، مانند حمله به خوابگاه دانشگاه در سال ۸۷ و حمله به خوابگاه دانشجویان در سال ۸۸ و همچنین حمله به خوابگاه سبحان محل استقرار نمایندگان در سال ۸۸ ... از جمله عملیاتی هستند که در آنها، «رهبر» اگر خود نقش فرمانده را نداشته است، لاجرم نقش آلت را داشته است.

البته «رهبر»، در پرسش و پاسخ با دانشجویان، سخنی نیز گفته است که گویای بی اعتباری او است. او گفته است: در رابطه با برخی مسائل، دستور در دسترس داده ام، اما همانطور که

۴- با اعلام غیر رسمی نتایج انتخابات و پیام «رهبر»، پیش از آنکه شورای نگهبان بطور رسمی نتایج انتخابات را اعلان کند، کودتا انجام شد. مردم دست به اعتراض زدند. خامنه ای جنبش مردم را اغتشاش خواند و دستور سرکوب و در صورت لزوم آتش گشودن بر روی جنبش کنندگان را صادر کرد. نیروهای تک تیرانداز و چماقداران به اصطلاح لباس شخصی که از یادگانهای نظامی سپاه به خیابانها آورده شده بودند و به جای چماق در جیب خود کلت داشتند، شروع به شلیک های هدفمند از کمر به بالای جوانان کردند. تا مگر با ایجاد رعب و وحشت مردم را وادار به عقب نشینی کنند. از این دست وحشیگری ها نیروهای نظامی بسیار انجام دادند تا جنبش را متوقف کنند از جمله:

- قتل تعداد زیادی از جوانان در خیابانهای تهران و شهرستانها به فجیع ترین شکل و زدن گلوله به سر و گردن و سینه و صورت آنها.

- قتل ندا آقاسلطان و تهیه سناریوهای مختلف برای گم کردن رد پای جنایتکاران مأمور خامنه ای. آخرین کار آنها انتشار گزارشی بود که توسط پرس - تی - وی تهیه شده بود. گزارشی که به روشنی دروغ های رژیم را آشکار می کرد.

- قتل ترانه موسوی با آن سعیت: ابتدا سناریویی ساختند و به نمایش گذاشتند: تنها سه ترانه موسوی وجود داشتند. بعد در سناریوی دیگری، او را مقیم کانادا اعلام کردند. بعد محسنی اژه ای گفت: اصلاً چنین کسی وجود ندارد و بعد از مدتی، جسد وی به خانواده اش تحویل شد.

- قتل حداقل ۴ نفر از جوانان معترض در زیر شکنجه در زندان کهریزک. خامنه ای هم زندان کهریزک پیدا کرد که پهلو زد به زندان ابوغریب. اگر می گفت به علت وقوع جنایتها آن را تعطیل می کند، ممکن بود کسانی باور کنند که او از جنایتهای سبعانه و شنیع خبر ندارد. اما او علت تعطیلی زندان کهریزک را بهداشتی نبودن زندان اظهار کرد. بعد معلوم شد چند نفر از جمله فرزندان روح الامینی و جوادی پور و ... در آن زندان زیر شکنجه به قتل رسیده اند.

- تجاوز به حداقل ۵ نفر از دختران و پسران سرفراز ایران که تکرار لکه ننگ زندانها و بازداشتگاههای دوران خمینی بود. افشای این جنایات نه تنها موجب مرگ جنبش و وحشت مبارزان نشد بلکه آبروی نداشت رژیم را بکلی از بین برد.

- استفاده از ترور، جهت ایجاد وحشت و ترس از جمله ترور خواهر زاده مهندس موسوی و دکتر پوراندروز جانی پزشک زندان کهریزک و دکتر علی محمدی استاد دانشگاه و ... که حامی جنبش بودند.

- قتل وحشیانه جوان معترض توسط خودرو نیروی انتظامی در حوالی میدان ولی عصر که فیلم آن از تلویزیونها پخش شد. بازگو کننده این جنایت، خانم توسلی، به زندان محکوم شد اما قاتل آزاد و در پناه ولی فقیه مطلقه است.

- قتل یکی از جوانان معترض و انداختن وی از روی پل حافظ در روز عاشورا بعد از وارد کردن ضربات کارد بر تن او، توسط نیروهای ملبس به لباس شخصی.

- قتل تعدادی از دانشجویان در حمله ناجوانمردانه نیروهای لباس شخصی و نیروی انتظامی در خوابگاه دانشگاه تهران. فیلم آن حمله وحشیانه بعدها منتشر شد.

حملات در دانشگاههای شهرهای شیراز و اصفهان و مشهد و اهواز و تبریز و ارومیه و اراک و ... انجام گرفته اند. در برخی موارد دانشجویان توسط ضربات چاقو و تیر به شهادت رسیده اند.

- ضرب و شتم هزاران نفر از جوانان توسط چماقدار های نیروهای سپاهی ملبس به لباس شخصی و نیروهای ناجوانمرد نیروی انتظامی و اعضای ضد مردمی لشگرهای محمد رسول الله و سیدالشهدای سپاه پاسداران در تهران. در شهرستانها، دیگر لشگرهای سپاه همین حمله ها را به مردم کرده اند.

- دستگیری چهره های سیاسی و مطبوعاتی جهت کنترل جنبش. از جمله، امین زاده و تاج زاده و رمضان زاده و بهزاد نبوی و زیدآبادی و عماد الدین باقی و عیسی سحرخیز و احمد قابل و صفایی فراهانی و محسن میردامادی و سعید حجاریان و هنگامه شهیدی و بدرالسادات مفیدی و شیوا نظرآهاری و سردار مقدم و بهشتی و کیوان صمیمی و عبدالله مومنی و بهاره هدایت و ... دهها نفر دیگر از مبارزان و همچنین هزاران نفر از معترضین در خیابانهای تهران و شهرستانها.

- برپایی دادگاههای نمایشی و اعترافات گسائی که زیر شکنجه، آماده حضور در این نمایش شده بودند. این نمایش موجب بی آبرویی بازمی بیشتر قوه قضائیه رژیم شد. در این بین، چند تن از بیگناهان که مجبور به اعتراف نمایشی شدند به اعدام محکوم و به قتل رسیدند.

- حمله به خانه های مردم و ضرب و شتم افراد خانواده به جرم سردادن ندای الله اکبر. فیلمهای برخی از این حملات جنایتکارانه منتشر شده اند.

- قتل جوانان کشور و فشار شدید بر خانواده های آنان برای این که مرگ عزیزان خود را اعلام نکنند و تهدید به اینکه اگر اعلام کنند دیگر اعضای خانواده نیز به قتل خواهند رسید. لذا هنوز آمار قطعی شهدای جنبش تهیه نشده است.

- قتل و دفن شبانه جوانان و افشای گورهای دسته جمعی. جتنی به دروغ مدعی شد این قبرها از آن سربازان گمنامی است که در جریان جنبش از سوی مردم به قتل رسیده اند! آن سربازان گمنام از مسئولان خواسته اند قبرهای آنان گمنام و نامشخص بگردند و بمانند!

- حمله به کسانی که به قول «ساختار فتنه» رده دوم رهبران فتنه هستند، یعنی مهدی کروبی و میر حسین موسوی و زهرا رهنورد و سید محمد خاتمی. در همین ماه رمضان، بمدت ۵ شب و روز، خانه موسوی را به رگبار سنگ و گاه گلوله بستند.

دهها مورد دیگر جرم و جنایت همه دد مشانه و با هدف انداختن ترس در دلها. برخی اوقات جنایت انجام شده را بی محابا در برابر دید مردم انجام و به نمایش در می آوردند تا که ترس را عامل خواباندن جنبش کنند. جنایتها و ضد اطلاعات و ... نتوانستند مردم را بی تفاوت کنند. اما توانستند مردم را در برابر این پرسش قرار دهند: در چهارچوب این رژیم، هر کار که شدنی بود، برای «اصلاح آن از درون» کردیم. نتیجه نداد. هدف و روش را باید تغییر داد. بعد از راهپیمایی ۲۲ بهمن، مردم تصمیم به تغییر شیوه مبارزاتی خود گرفتند. همین امر باعث بیشتر شدن ترس سران رژیم کودتا و دستیارانشان از سقوط و گجگی آنها شد. این واقعبت که در روزهای تاریخی، رژیم، تهران و شهرهای بزرگ را اشغال نظامی می کند و این واقعبت به موضوع اصلی سخنان خامنه ای، در دیدارش با اعضای

دستیارانش و ترس در دلهای مخالفان او و رژیم او امریکا و ... لانه کرده است. غافل از اینکه وقتی موضوع سخن ترس می شود، لاجرم او است که می ترسد و هدف و روش نیروهای دموکرات می باید این ترس را در دل او و دستیارانش شدید کنند تا مگر به خواست ملت، تسلیم شود) و واقعیتها، دیگر، حاکی از آنند که رژیم می داند، در آنچه به رژیم و تغییر آن مربوط می شود، مردم در کار گذار از تردید به تصمیم هستند.

- فشار به مراجع مخالف و در خانه زندانی کردنشان، یکی از شیوه های حاکمیت برای جلوگیری از ادامه جنبش بود. مخالفت آیات عظام منتظری و صانعی و روحانیانی چون بیات زنجانی و وحید خراسانی و موسوی اردبیلی و ... موجب شد که حاکمان مستبد، با استفاده از لباس شخصی ها، مانع از دیدار مردم با آنها شوند. توسط مأمورانش به دفاتر برخی از این مراجع یورش بردند تا شاید بتوانند رابطه مراجع و مردم مخالف را قطع نمایند. در این کار نیز با شکست روبرو شدند. هر چند که بعد از درگذشت آیت الله منتظری حاکمیت نفس نسبتاً راحتی کشید، اما ادامه مخالفت از سوی صانعی و بیات زنجانی و موسوی اردبیلی و جوادی آملی و ... همچنان تنور رابطه مردم با مراجع مخالف را گرم نگاه داشته است.

- سرکوب به برخی روحانیون برای ایجاد ترس در این قشر: با انجام کودتای انتخاباتی، نیروهای وابسته به رژیم - که از قبل برخی چهره ها را برای تحت فشار قرار دادن، مشخص کرده بودند - شرایط زندگی را برای آنها سخت کردند. در هر موقعیتی آنها را مورد تهدید قرار میدادند. اسامی اینگونه روحانیان در «ساختار فتنه» آمده اند. محتشمی پور و سید محمد خاتمی و مجید انصاری و موسوی بجنوردی و حسن خمینی و موسوی تبریزی و ...

- فتنه خواندن جنبش ملت بزرگ ایران یکی دامها بود که خامنه ای و دستیاران او ساختند و او خود در آن افتاد. جنبش مردم ایران را فتنه خواند. با بکار بردن قیاس صوری، آن را با جنگ جمل مشابه ساخت تا مگر تا با مأموران و کم شمار مردم ساده اندیش را بفریبند و آنها را به مقابله با مردم مأمور کند. مأموران ارشد سپاه و وادایک دست بکار شدند. مجالس توجیه «محرمانه» تشکیل دادند و نوار سخنان خود را انتشار دادند. صدا و سیما مأمور شد که با انتشار «اعتراف» ها و «کشفیات» واداک و سپاه، «فتنه» را دست ساخت امریکا و انگلیس و اسرائیل تبلیغ کند. سرانجام نیز، «ساختار فتنه» را در ۱۱۰ صفحه انتشار دادند. در فرصتی دیگر این سند را بررسی می کنیم. در اینجا، خاطر نشان می کنیم که این سند، بیاتگر شدت ترس خامنه ای و دستیاران او از جنبش مردم ایران است. این سند به مردم ایران روشن می گوید که بر فشار خود بر رژیم باید بیفزایند تا از بند استبداد رها شوند.

- بنابر صورتجلسه معاونت سیاسی صدا و سیما، مقرر بود که همزمان با حمله به مردم در روز عاشورا، می باید صحنه ها سازند و آنها را به حساب مردم بنویسند و در برنامه های خبری و دیگر برنامه ها، مردم را اغتشاش گرانی بخوانند که با هلهله و کف و سوت زدن، آنها در روز عاشورا، تا مگر رگ غیرت متعصبین بجنبند و خوششان به جوش آید و به مقابله خونین با مردم برخیزند. از هیچ جنایتی نیز کوتاهی نکنند و مطمئن باشند که با قتل اغتشاشگران هلهله گو و کف زن به مشت می روند.

اما علائم حاکی از آنند که از مرگ خود می ترسند:

۱- وحدت میان مردم در مخالفت با رژیم ولایت مطلقه فقیه حاصل آگاهی مردم ایران از ماهیت این رژیم.

۲ - مقاومت کسانی که رژیم آنها را سران فتنه می خواند. یعنی موسوی و کروبی و خاتمی و ... برغم شدید فشار به آنها، حاضر نیستند با حاکمان مستبد، از در مصالحه درآیند.

۳ - هماهنگی نیروهای سیاسی در داخل و خارج از کشور که از روز اول جنبش، در حمایت از مردم و با هدف استقرار ولایت جمهور مردم. این هماهنگی در حمایت نه تنها کاهش نیافته که شفاقت نیز شده است.

۴ - مقاومت زندانیان سیاسی در برابر شکنجه و فشار متجاوزین به حقوق بشر در زندانها تا بدانجا که اینک، مبارزان هستند که از درون زندان حاکمان مستبد را تحت فشار قرار داده اند.

۵ - ارسال نامه های زندانیان و مواضع بسیار شفاف و شجاعانه آنها در باره خامنه ای و ولایت فقیه و حکومت کودتا، نشان می دهد که دیگر زندانها قادر به تحمل این همه مبارزه و شجاعت را ندارند و رژیم در برابر آنها، ضعف و زبونی است که اظهار می کند.

۶- حمایت سازمانهای جهانی مدافع حقوق بشر و سازمانهای ایرانی مدافع حقوق بشر و رسانه ها عرضه را بر رژیم به شدت تنگ کرده است. بر خوردهای عجولانه و ناپخته با این سازمانها و رسانه ها گویای ترس از سرانجامی است که در انتظار استبدادیان است.

۷- عقب نشینی های پی در پی حاکمیت در برابر مبارزان داخلی و خارجی در پی افشاکاری های انجام شده در درون و بیرون ایران. این افشاکاریها رژیم را تحت فشار شدید قرار داده اند به گونه ای که بعضی از گردانندگان رژیم به این نتیجه رسیده اند که قادر به کنترل وضعیت نیستند. بهتر است در پی آن باشند که با فدا کردن برخی ها مدتی زمان به دست آورند. این روزها صحبت از محاکمه سعید مرتضوی است. این احتمال وجود دارد که او و یکچند از همانندهایش را قربانی کنند.

۸- انتشار نوار سردار مشفق پیش از همه، به خامنه ای و بیات او زیان رساند. رژیمی را زیر سوال برد که پنداری هیچ کاره است و مأموران قدرتهای خارجی هر کار می خواهند در ایران می کنند. گروگانگیری که خمینی آن را انقلاب دوم خواند، دست ساخت امریکا و مجری این طرح امریکائی، موسوی خویننی ها شد. ...

نوار مردم ایران را از درون متلاشی رژیم آگاه کرد. از ترسی که در دلهای سران رژیم خانه کرده است، آگاه کرد و از تزلزلی که رژیم بدان گرفتار است، آگاه کرد.

۹- و وقتی هاشمی رفسنجانی خمینی را، آنها در ماه رمضان و مکرر، به خواب می بیند و از او استمداد می کند، یعنی رژیم آقشدر توان باخته و بی اعتبار شده است که دست به دامان کسی شده است که در حیات خود، مرگ بر مرگ و ویرانی بر ویرانی افزود و سرانجام جام زهر آلود سر کشید و همین هاشمی رفسنجانی در توصیف دوران او گفت: «ده سال خراب کردیم و حالا هم که می خواهیم بسازیم، نمی گذارند».

مشکل پنجم نبود «آدم» دانا و توانا به مدیریت:

از انقلاب تا امروز، در طول ۳۰ سال، «پاکسازی» و حذف استعدادهای روش رژیم شده است. دوره هاشمی



فتنه

گروهی برای گروه دیگر پرونده می سازد و دستگاه اداری و حکومت نمایشگاهی بی کفایتی و ناتوانی است:

* رحیم مشائی و علت برجا ماندنش برغم مورد هجوم شدنش از هر سو اینست که پرونده های پیش از انقلاب خامنه ای و عده ای دیگر را در اختیار دارد:

۱. بنا بر اطلاع، رحیم مشائی پرونده های قبل از انقلاب عده ای، از جمله خامنه ای را در اختیار دارد. در آن پرونده ها اسنادی وجود دارند که پرونده داران را ناگزیر می کنند دست به عصا راه بروند.

۱. متقابلاً برای او پرونده ساخته اند و می سازند. از جمله پرونده دیدار و گفتگو با مقامات امریکائی و اسرائیلی. از جمله گفته می شود که عکس او را در حال گفتگو گرفته اند.

۱. رحیم مشائی با نام مستعار مرتضی محب الاولیا - مهندس الکترونیک از دانشگاه صنعتی اصفهان عضو اطلاعات رامسر در اوایل انقلاب و معاونت اطلاعات سپاه در کردستان در کنار محمد رضا نقدی در قرارگاه حمزه سید الشهدا بوده است. به هنگامی که احمدی نژاد فرماندار خوبی بود، وی عضو شورای تأمین استان بود.

مادرشاهی که از مشاوران مطمئن «بیت رهبر» و از اعضای بلند پایه انجمن حجیته می باشد دارای آرشیبوزی بزرگ از اسناد بیت و اسناد دوران شاه می باشد. او زمانی مسئول آرشیبوزی اسناد ساواک بعد از انقلاب بوده است. در آنجا او اسنادی از روابط انجمن حجیته ای ها و همکاریشان با ساواک را بیرون برده است. این اسناد را او در اختیار داشته است. اما نفوذی های رحیم مشائی برخی از آن اسناد را به دست آورده اند و با استفاده از آن اسناد خامنه ای و مصباح زدی و میرحاجزی و دیگر نزدیکان خامنه ای را تحت فشار قرار داده است.

بعد از تشکیل واواک، او «مسئول تدوین استراتژی نظام جمهوری اسلامی در خصوص کردهای ایرانی شد». او از مؤسسين «مؤسسه مطالعات علمی» وابسته به واواک بود که عمده فعالیتش تحقیق و پژوهش و ارائه راهکار در خصوص مسائل قومیت های ایرانی، شناخت بیشتر آنان و همبستگی ملی بود.

۱. بهنگامی که بهشارتی وزیر کشور بود، او مدیرکل اجتماعی وزارت کشور شد. و سپس به رادیو پیام رفت و مسئول آن شبکه گشت.

۱. و چون محمود احمدی نژاد شهردار تهران شد، او معاونت فرهنگی - هنری شهرداری تهران و فرهنگسراها را بر عهده گرفت و در تبلیغات ریاست جمهوری میلیاردها تومان از بودجه شهرداری را خرج رساندن احمدی نژاد به ریاست جمهوری کرد.

۱. او مدیر مسئول نشریه سوره با انتشار بین المللی است و در حال حاضر مشاغل و مناصب زیر را دارد: البته در تار عنکبوت روابط شخصی، او پدر عروسی احمدی نژاد می باشد:

۱- رئیس مرکز مطالعات جهانی شدن،

۲- جانشین رئیس جمهور در شورای عالی ایرانیان خارج از کشور،

۳- عضو شورای نظارت بر صدا و سیما،

۴- عضو شورای فرهنگی حکومت،

۵- نماینده رئیس جمهور در شورای

پاکسازی کاسته شد. اما با رسیدن احمدی نژاد به ریاست جمهوری، یک پاکسازی عمومی انجام گرفت. او از سپاه، «آدم» می خواست. بیکار، رحیم صفوی، فرمانده پیشین سپاه، گفت: آقای رئیس جمهوری از ما آدم می خواهد ما هم به او معرفی می کنیم. آنها هم که از قلم افتاده بودند، بعد از تقلب بزرگ در انتخابات ۲۲ خرداد ۸۸، تصفیه شدند. سالی ۱۵۰ هزار استعداد نیز مهاجرت می کنند. احمدی نژاد رابطه ای جز مطیع و مطاع را نمی شناسد. از این رو، چند نوبت وزیر نفت و وزیر دارائی و رئیس بانک مرکزی را تغییر داده است. حاصل تصفیه های مداوم این شده است که سالها است، در وضعیت سنجی های مختلف بین المللی، ایران در ردیفهای آخر قرار دارد (۱). در حال حاضر، صحبت از اینست که ضد بهائی ها (انجمن حجیته ایها) دارند رقبا را از صحنه خارج می کنند. خمینی زدائی کار آنها است. هاشمی خمینی را به خواب می بیند و از او استمداد می کند. خود او را رهبر «فتنه» کرده اند. و خامنه ای ناگزیر می شود که در حضور «خبرگان»، خود را پیرو «خط امام» بخواند ناگوبند آلت فعل حجیته ایها است. مشاوران نظامی و مشاوران سیاسی (دستگاهی که ولایتی سرپرستی می کند) و برخی از روحانیان (از جمله ناطق نوری) حجیته ای هستند. خامنه ای خود نیز حجیته ای بوده است. اختلافات در «بیت رهبر» و در دستگاه حکومت (مشاور مطبوعاتی احمدی نژاد می گوید: انتقاد رهبر متوجه متکی بود چون یک امر درون دولتی را علنی کرده بود) و نیز در مجلس و قوه قضائیه، ناشی از نبودن «آدم» است. بی سوادها و بی کفایتها که جز زور گفتن و زور شنیدن نمی دانند، ناگزیر با یکدیگر گلاویز می شوند. برخوردهای گروه بندیهای مافیائی و نیز مرامی (حجیته ای و ضد حجیته ای) درون رژیم را باهم متلاشی تر کرده است.

۱- در میان کشورهای جهان، اتباع ایران، تنها به ۱۴ کشور می توانند بدون ویزا مسافرت کنند. ایرانی یکی به آخر مانده است و واپسین کشور افغانستان است:

براساس گزارش منتشر شده شرکت هتلی و همکاران* در زوریخ: سویس (چهارشنبه جون ۲۷ سال ۲۰۰۷) مشخص گردید که شهروندان کشورهای آمریکا، دانمارک، و فنلاند بیشترین آزادی برای مسافرت بدون داشتن ویزا را دارا هستند...

شهروندان این سه کشور می توانند بدون ویزا به ۱۳۰ کشور دنیا مسافرت کنند. بعد از این، کشورهای آلمان، ایرلند و سوئد قرار دارند که شهروندان آنها می توانند بدون اخذ ویزا به ۱۲۹ کشور مسافرت کنند.

همچنین شهروندان ژاپن، انگلستان، فرانسه و ایتالیا می توانند به ۱۲۸ کشور، کشورهای کانادا، استرالیا، لوگزامبورک و نیوزیلند به ۱۲۵ کشور بدون ویزا مسافرت کنند.

بلژیکی ها با مسافرت بدون ویزا به ۱۲۷ کشور در رده چهارم جدول هستند. در جدول زیر رتبه کشورها بر حسب دسترسی به مسافرت آزاد و بدون محدودیت های اخذ ویزا نشان داده شده است.

و از ۱۹۳ کشور، ایران کشور صد و نود و دوم و افغانستان کشور صد و نود و سومین کشور است.

۱. محمد رضوی در مرکز اسناد بود. مسئول اسناد در نخست وزیری گرفتار فحانه یا سکنه ناگهانی شد و مرد.

۱. تقی محمدی کاردار ایران در افغانستان شد و در زندان کشته شد.

۱. مادر شاهی در اسناد ساواک کار می کرد و بسیاری از پرونده ها را بیرون برد. در اطلاعات نخست وزیری در نخست وزیری رجائی نیز بود. او عضو انجمن حجیته و اینک در «بیت خامنه ای» است.

۱. بهزاد نبوی محکوم به ۵ سال زندان است. او متهم به دست داشتن در انفجار نخست وزیری بود که منجر به کشته شدن رجائی و با هنر در ۶ شهریور ۱۳۶۰ شد. شهود اشباح مدعی است که او اطلاعات سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را اداره می کند و در آغاز انقلاب، در کمیته تهران، کارهای اطلاعاتی را تصدی می کرده است.

۱. بیژن تاجیک محکوم به زندان است.

۱. سعید حجاریان ترور شد و در پی تقلب بزرگ و جنبش مردم، دستگیر شد.

۱. خسرو قنبری تهرانی، در اطلاعات نخست وزیری بود. منهم به دست داشتن در انفجار نخست وزیری نیز بود. او اینک زنده و بیکار است.

* از نامه ۲۷ شهریور ۱۳۸۹ کروی به هاشمی رفسنجانی: بی کفایتی و سوء مدیریت سبب آشفتگی در تصمیم گیری در همه عرصه ها شده است:

آنچه از عملکرد مدیریتی این دولت بر می آید، آشفتگی در تصمیم سازی در تمام عرصه های مدیریتی است، به طوری که تمامی اصول و مفاهیم مدیریتی، در آن شکل دیگری به خود گرفته است. البته دولت مکرر اعلام نموده است با این روش آزمون و خطا و اظهار نظرهای غیر مسئولانه که یک روز موضوع کشور می شود هولوکاست و روز دیگر غرامت جنگ جهانی دوم و روز سوم مدیریت بر جهان و... که جز آشفتگی در سیاست و کیاست، چیزی را شاهد نیستیم و بیچاره ملتی که باید هزینه سنگین این بی خردی ها را بپردازد و لب بر نیابد. و صد البته که با هزینه ای که از اسلام و بیت المال مسلمین و کبان کشور و بالاخره به قیمت آلودگی زهم، برای خود نام و نشانی فراهم می کنند. برای مثال به چند مورد از اعمال روش های مدیریتی این دولت که به واقع جز شرمندگی و بی اعتباری ملت بزرگ ایران، در بین جهانیان چیزی را در بر نداشته است، را بر می شمارم:

الف- عدم اتکا به تسوری مشخص مدیریتی و سردرگمی در تصمیم گیری و تصمیم سازی،

ب- بی توجهی به برنامه چشم انداز و برنامه های میان مدت و حتی کوتاه مدت،

ج- تصمیم گیری فردی و عدم اتکا به خرد جمعی،

د- قانون گریزی و عدم تمایل به نظارت و کنترل قانونی،

نتیجه عوامل فوق، رکود اقتصادی، عدم وجود امنیت اقتصاد، رشد بیکاری و فقیر شدن جامعه و... که آمارهای رسمی، گویای واقعیت تلخ بحران اقتصادی و اجتماعی در کشور است. هر چند که دولت مکرراً هر گونه ادعا در این راستا، حتی آمارهای رسمی را

۶- عضو کمیسیون های اقتصاد و فرهنگی حکومت،

۷- ریاست کمیته عالی در مورد طرح خط لوله گاز ایران- پاکستان- هند،

۸- رئیس دفتر محمود احمدی نژاد

۹- رئیس مؤسسه آینده روشن در مورد امام زمان که بودجه آن امسال یک میلیارد و دوست میلیون تومان بود،

۱۰- نخست نماینده ویژه و پس از اعتراض خامنه ای و «نمایندگان» مجلس، مشاور رئیس جمهور در خاورمیانه

۱۱- عضو هیات مدیره شرکت کامپیوتری رایانه شهر با همکاری افرادی چون حمید قباپی - خسرو کاظمی آذربایجانی - مجید رضا ربیعی - کاظم کیا پاشا و... که بسیاری از قراردادهای سازمان میراث فرهنگی و ریاست جمهوری با این شرکت منعقد می شد.

* استیضاح دو وزیر و برخورد ها میان احمدی نژاد با شیخ صادق لاریجانی:

۱. قرار است دو نفر از وزرای حکومت احمدی نژاد یکی وزیر نیرو و دیگری وزیر جهاد کشاورزی استیضاح شوند. نامه درخواست استیضاح آنها را مجلس در دستور مجلس قرار داده است.

۱. میان برخی مقامات قضایی و شورای عالی ایرانیان خارج از کشور اختلاف پدید آمده است. علت اینست که برخی از فراریان ایرانی که بعد از سی سال به کشور برگشته اند، با حمایت باندر رحیم مشائی و بخش حقوقی شورای عالی ایرانیان خارج از کشور شکایاتی مبنی برای باز پس گرفتن زمین ها و دارائی خود تسلیم کرده اند. قوه قضائیه شکایتهای آن را مورد رسیدگی قرار داده است. اما روی آن زمینها در حال حاضر کارخانه و بنای تجاری و مسکونی ساخته اند. بعضی از این زمین ها نیز زیر کشت هستند. متصرفان کنونی آنها حاضر به برگرداندن زمین ها نیستند.

این امر و نیز امر دعوت از کسانی که در دوره شاه تصدی داشته اند، موجب اعتراضهای شدید به احمدی نژاد و رحیم مشائی شده است. هم به قوه قضائیه اعتراض شده و هم قوه قضائیه مسئول را «نهاد ریاست جمهوری» می داند.

۱. بر سر سه امریکائی که در مرز عراق دستگیر شده اند نیز اختلاف است. احمدی نژاد خواستار رها کردن هر سه تن است. آزادی دختری که یکی از ۳ نفر بود، اعلان نیز کرد. اما دستگاه قضائی نوی دهن او زد. اما فشار احمدی نژاد سبب شد که او را با گرفتن ۵۰۰ میلیون تومان وثیقه، آزاد کنند و او آزاد شد و از ایران رفت. بنا بر اطلاع، احمدی نژاد فشار وارد می کند که دو امریکائی دیگر را نیز آزاد کنند.

* گروهی که از مدیران واواک و اطلاعات ارتش کشته و یا زندانی شده اند جز یکی که در «بیت خامنه ای» است:

۱. سرهنگ کتیبه رئیس اداره اطلاعات ستاد ارتش و ضد بهائی بود. در یک تصادف کشته شد.

۱. سرهنگ آگاه نیز کشته شده است. او نیز در اداره اطلاعات ستاد ارتش کار می کرد. او و کتیبه را به اتفاق احمد کاشانی، فرزند آیت الله کاشانی دستگیر کرده بودند. احد کاشانی از

شود. تضعیف موقعیت کشور در جهان را نه از منظر دولت، بلکه از منظر ملت بنگریم. آیا جایگاه ایران و ایرانی، در جهان هیچگاه حتی به این اندازه تضعیف شده است؟ آیا می دانید امروز ما با توجه به تحریم های متعدد سازمان ملل که تماماً نه به دلیل حمایت ملت ایران از انرژی هسته ای، بلکه از بی خردی، بی تجربه گی و گزافه گویی مکرر دولت، به ویژه رئیس جمهور، اینگونه منافع ملی و هویت ایرانی خدشه دار گردیده است؟

* نزاع حکومت با بازار * مدیریت غلط دولت عامل گرانی است، نه بازار*

◀ در ۲۴ مرداد ۸۹، به گزارش خبرنگاری مهر، احمد کریمی اصفهانی، دبیر کل جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار به وبسایت اقتصاددان گفت: دولت با اعلام مکرر در مورد تأمین کالاهای اساسی ارزان مسیب تورم است، زیرا توقع در مردم ایجاد می کند.

دولت، بازار را مقصر گرانی ها می داند اما بازار هم سیاست های دولت را عامل افزایش قیمت ها می شناسد. شکل گیری اعتصاب در بازار تهران و افزایش تنش ها که منجر به دستگیری برخی از بازاریان شد، بیش از پیش بر اختلاف بین بازار و دولت افزود.

حالا در تازه ترین واکنش نسبت به عملکرد دولت در رابطه با بازار، دبیر کل جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار اعلام رقم میلیاردی تخلف بازاریان را عملی «غیرقانونی و با اهداف سیاسی» عنوان کرده است.

هفته گذشته جواد تقوی، معاون سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان، در یک نشست خبری با اشاره به برگزاری طرح ویژه نظارتی ماه مبارک رمضان گفته بود: تا هفدهم مرداد ماه جاری، ۲۴ هزار پرونده تخلف بازاریان مورد رسیدگی قرار گرفته که ارزش آن ها ۲۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون ریال است.

اما در مقابل، دبیر کل جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار در گفت و گو با وبسایت «اقتصاددان» با اشاره به سخنان معاون سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان، تصریح کرد که باید هزینه سنگین این بی خردی ها را بپردازد و لب بر نیابد. و صد البته که با هزینه ای که از اسلام و بیت المال مسلمین و کبان کشور و بالاخره به قیمت آلودگی زهم، برای خود نام و نشانی فراهم می کنند. برای مثال به چند مورد از اعمال روش های مدیریتی این دولت که به واقع جز شرمندگی و بی اعتباری ملت بزرگ ایران، در بین جهانیان چیزی را در بر نداشته است، را بر می شمارم:

الف- عدم اتکا به تسوری مشخص مدیریتی و سردرگمی در تصمیم گیری و تصمیم سازی،

ب- بی توجهی به برنامه چشم انداز و برنامه های میان مدت و حتی کوتاه مدت،

ج- تصمیم گیری فردی و عدم اتکا به خرد جمعی،

د- قانون گریزی و عدم تمایل به نظارت و کنترل قانونی،

نتیجه عوامل فوق، رکود اقتصادی، عدم وجود امنیت اقتصاد، رشد بیکاری و فقیر شدن جامعه و... که آمارهای رسمی، گویای واقعیت تلخ بحران اقتصادی و اجتماعی در کشور است. هر چند که دولت مکرراً هر گونه ادعا در این راستا، حتی آمارهای رسمی را

کریمی با انتقاد از عملکرد دولت در زمینه کنترل گرانی، مشکل گرانی را ناشی از «مدیریت غلط» دانسته و عنوان کرد که «این خود دولت است» که با مدیریت غلط به گرانی دامن می زند. دولت «سوء مدیریت ها را نمی بیند». دولت، تقصیر را گردن اقشار مردمی چون اصناف می اندازد تا ماهیت دولتی سوء مدیریت ها را بر طرف کند.

انقلاب اسلامی: رژیمی درگیر این مشکلات بزرگ، بعد از جنگ ۸ ساله میز، همچنان ایران را در پرتگاه جنگ نگه داشته است.



خاطرات تونی بلر: دیک چنی معاون بوش، اصرار بر حمله به ایران و عراق و افغانستان داشت:

انقلاب اسلامی: خاطرات تونی بلر، نخست وزیر پیشین انگلستان انتشار یافت. در این خاطرات، از جمله، به اصرار دیک چنی، معاون پیشین رئیس جمهوری آمریکا، بهنگامی که بوش رئیس جمهوری بود، بر جنگ با ایران و عراق و افغانستان پرداخته است. روبرت پاری (۶ سپتامبر ۲۰۱۰) مقاله ای در توضیح این قسمت از خاطرات، نگاشته و انتشار داده است. نکات عمده آن عبارتند از:

۱. دیک چنی (Dick Cheney) بر این باور بود که آمریکا نه تنها با تروریسم اسلامی که با دولتهای «لات» که سازمانهای تروریست را حمایت می کنند، نیز در جنگ است. تنها راه پیروزی در این جنگ نیز رساندن قدرت آمریکا به حداکثر است.

۲. دیک چنی خواهان تغییر رژیم در تمام خاورمیانه بود. زیرا این رژیم دشمنان منافع آمریکا هستند. او می خواست در باره کشورهای نظیر ایران و سوریه و عراق و دست نشاندگان هاشان یعنی حزب الله و حماس و... این و آن روشی را باید بکار برد. اما بعد از ترورهای ۱۱ سپتامبر معتقد شد که تنها زور کارائی دارد. بر ضد این کشور ها، بدون تردید و اما و اگر، زور باید بکار برد.

بعد از گذشت سالها، علامتها از این استراتژی محافظه کاران جدید که حمله به دشمنان آمریکا - و اسرائیل - که با جنگ با ایران آغاز و با حمله به سوریه و ایران دنبال می شد، مشاهده می شدند. اما به ندرت هزینه بس سنگین این جنگ با مردم آمریکا در میان گذاشته می شد. در نشریه های محافظه کاران جدید، به اشاره، از تدارک جنگ، مقاله هائی انتشار می یافتند. بعد از حمله به عراق، محافظه کاران، این پرسش را در ذهن ها جا می انداختند: بعد از صدام نوبت کدامیک از سران سوریه یا تهران است؟ و پاسخی که باز آنها در ذهن ها جا می انداختند این بود: مردان واقعی به تهران می روند.

۳. بنا بر طرح محافظه کاران جدید، وقتی «تغییر رژیم»، در ایران و سوریه به انجام رسید، دشمنان رو در روی اسرائیل، یعنی حزب الله در لبنان و حماس در فلسطین، منزوی می شوند و دیگر دولتی نیست که به آنها پول و اسلحه بدهد. اسرائیل می تواند شرایط خود را به فلسطینی ها تحمیل کند و بنا بر توافق تحمیلی، زمینهای ساحل غربی رود اردن ضمیمه اسرائیل بزرگ می شود و اسرائیل بزرگ واقعیت پیدا می کند.

* شکست قطعی:

۱. این نقشه تغییر خاورمیانه از دست کم ۵ سال پیش از ترورهای ۱۱ سپتامبر، تهیه شده بود. آن زمان، یک گروه از محافظه کاران جدید، از جمله ریچارد پل و دوگلاس فیت، با توافق نتان یاهو، رهبر لیکود در انتخابات ۱۹۹۶، وارد کار شدند. نوشته محافظه کاران با عنوان «شکست قطعی»، بمعنای استراتژی جدید برای امنیت واقعی، این فکر را توجیه می کرد که تمام تلاشها، متمرکز بر

دیپلماسی و انجام گفتگوهای بی حاصل صلح، نتیجه دلخواه بدست نمی آید.

با تحقق «شکست قطعی»، اسرائیل دیگر نیاز ندارد که در پی صلح از راه تفاهم متقابل و سازش برود. بلکه از راه روبروئی خسونت آمیز و سرنگون کردن رژیمهای چون رژیم صدام به این هدف می رسد.

نقشه سرنگون کردن، حسین نام گرفت و اینطور توجیه شد: «این سرنگون کردن یک هدف استراتژیک مهم اسرائیل، بر اساس حق این کشور است». بی ثبات کردن رژیم حافظ اسد در سوریه این نتیجه را بیار می آورد که حزب الله از حامی خود، سوریه، که نقش کلیدی داشت، محروم و در نتیجه منزوی می شد. ایران نیز نیازمند تغییر رژیم بود و تغییر رژیم ایران در برنامه بود. اما آنچه «شکست قطعی» وارد کردن بدان نیاز داشت، حمایت آمریکا بود. سرنگون کردن رژیم صدام از راه نظامی، کاری بزرگ بود که اسرائیل به تنهایی توان نظامی آن را نداشت. هزینه انسانی و اقتصادی چنین جنگی را اسرائیل نمی توانست بپردازد.

در ۱۹۹۸، محافظه کاران جدید آمریکا، نقشه «شکست قطعی» را در طرح آمریکا، با عنوان «طرح قرن جدید آمریکا» گنجانده و به پرزیدنت بیل کلینتون فشار آوردند رژیم صدام را سرنگون کند.

با اینهمه، تنها تا آنجا پیش رفت که تحریم سخت تری به عراق تحمیل کند و پرواز هواپیماهای جنگی عراق را بفرزای بخشی از خاک این کشور ممنوع کرد و هر از چندی حمله های هوائی به عراق را دستور داد. اما با وجود الگور، معاون رئیس جمهوری در کاخ سفید و طرز فکر کلینتون، حمله به عراق، میسر نبود.

این مانع سیاسی بزرگ وقتی جورج بوش، با کمک محافظه کاران، در سال ۲۰۰۰، به ریاست جمهوری آمریکا رسید، از میان برداشته شد. با وجود این، تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که تروریستهای القاعده به برج های نیویورک حمله کردند، فضای سیاسی آمریکا مساعد جنگ و انتقام گیری نبود.

و صدام حسین در ترورهای ۱۱ سپتامبر دست نداشت و افراط گرایی القاعده را نیز طرد کرده بود. بوش و بلر برای حمله به عراق همدستان بودند. مخالفتهاشان با یکدیگر بیشتر تاکتیکی بود. برای مثال اختلاف بر سر این بود که جنگ را به شورای امنیت پیشنهاد و با تصویب شورای امنیت سازمان ملل بدان دست بزنند و یا طرفه و با عنوان «متفقان داوطلب» انجام بدهند.

بنا بر قول بلر، دیک چنی مطلقا مخالف رفتن به شورای امنیت بوده است. اما بلر رفتن به شورای امنیت را در لحاظ سیاسی ضروری می دانسته است و در دیداری که با بوش در کمپ داوید، در ۷ سپتامبر ۲۰۰۲ بعمل آورده است، موافقت بوش را با رفتن به شورای امنیت بدست آورده است. بلر می نویسد: «وقتی جورج بوش گفت با رفتن به شورای امنیت موافق است، فضای دیدار باز شد. دیک چنی مدتی در گفتگوها شرکت داشت و صریح گفت که با رفتن به شورای امنیت مخالف است. او سخت سر پیگیری بود».

* زمینه مشترک:

اما بلر توضیح می دهد که رفتار تهاجمی دیک چنی با رفتار بوش، تنها در درجه تفاوت داشت. تفاوت رفتار

فتنه

بدنام شده است. می نویسد: «از دید کسانی که چپ هستند البته او یک چهره غیر پیچیده نامحسوس بود. حتی میانه روها از او منزجر بودند. می باید بیشتر کاوش می کردی تا طبیعت دیک چنی را آسان که بود، در می یافتی. درک من از او با بسیاری از مردم تفاوت داشت. من فکر می کردم او یک ایده محوری داشت که می گفت باید آن را جدی گرفت. او بر این باور بود که آمریکا در جنگ است... او جواب او این بود { اینک که ما را به جنگ کشانده اند، یا باید تغییر دهیم و یا تغییرمان می دهند». بدین سان، بلر که می داند رفتار دیک چنی مردم را وحشت زده کرده است، نسبت به او یک اندازه همبستگی اظهار می کند.

من فکر نمی کنم موضع دیک چنی بیانگر نظری خردمندانه بود. از دید او، جنگی بود و خصم ما یک ایدئولوژی داشت و ما را تهدید می کرد. پاسخ نهائی و در خور به این تهدید، گسترش دموکراسی و آزادی در سرزمین دشمن بود. وقتی قرار بر سرنگون کردن رژیم صدام بود، این پاسخ را با هر زبانی می شد توجیه کرد.

بلر می نویسد: «مشکل من با راهی که چنی پیش پا می گذاشت، این بود که روش او را برای رسیدن به هدف، ناقص می دانستم. دقیقا به این دلیل که جنگ بر مدار یک ایدئولوژی توجیه می شد. پس آن را در سطح اندیشه می باید می بردیم. به تریبی می باید عمل کرد که علت پدید آمدن جنگ و سقوط نه در ما که نزد سقوط یابنده و ایدئولوژی او جسته آید. به سخن دیگر، تنها یک استراتژی ترجمان قدرتی بزرگ، کفایت نمی کرد. نباید کار به جنبه نظامی محدود می شد. افزون بر مردم خاورمیانه، مردم دنیای اسلام را نیز می باید با خود همراه می کردیم و با دنیا اتحادی را می ساختیم.

این امر یک امر فرعی و بی اهمیت نبود بلکه بخش مهم کار و بیار آورنده پیروزی بود. بدین قرار، بلر بر اینست که عزم دیک چنی بر از میان برداشتن رهبران منصور آمریکا در خاورمیانه، بیشتر جنبه تاکتیکی داشته است تا استراتژی. که با آنکه طرح بزرگ محافظه کاران جدید برای تغییر رژیمهای خاورمیانه بزرگ از راه جنگ که ترجمان دیدگاهی افراطی بود، مورد موافقت بلر و بوش بوده است. بلر و دیگرانی که خود را میانه رو می خوانند، با عزم دیک چنی بر جانشین کردن رژیمهای ضد اسرائیل و ضد آمریکا، موافق بوده اند. و این نقشه را تحت بیری «دموکراسی» می خواسته اند اجرا کنند. غافل از این که جنگی گسترده تر را تدارک می بینند و دیدند.

انقلاب اسلامی: جنگ بدین خاطر که ضد حق حیات و حق انسان بر صلح و دیگر حقوق او و عملی شیطانی است، توجیه می خواهد. این توجیه آسان می شود وقتی کشوری که جنگ با آن اعلان می شود، رژیمی داشته باشد ضد حقوق. هرگاه این رژیم حمران ساز نیز باشد و بسا جنگ را «نعمت» نیز بداند، توجیه جنگ برای قدرتی که دست به جنگ تعرضی می زند، بازم آسان تر می شود. محافظه کاران جدید برجا هستند و همچنان بکار تبلیغ ضرورت جنگ با ایران مشغولند. باوجود مرگ و ویرانی که جنگ پدید آورده و ۳۰۰۰ میلیارد دلار به پای آمریکا خرج گذاشته است، هم بلر از دست زدن به جنگ پشیمان نیست و هم مروجان جنگ در آمریکا و اسرائیل بکار ترویج جنگ مشغولند و هم در ایران، رژیم مافیاهای جو زندگی مردم را جو جنگ می کند:

* سردار سر لشکر رشید: در

«در ۲۷ شهریور ۱۳۸۹، به گزارش ایسنا، سردار رشید، جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران گفته است: «در حال حاضر هم در شرایط تهدید به سر می بریم و ارتش و سپاه ما دائم خود را آماده می کنند و این سخن گزافه نیست که ما در آستانه یک جنگ احتمالی در آینده هستیم.»

سر لشکر پاسدار غلامعلی رشید، طی همایشی در تهران، گفته است: «هر روز طبل جنگ می زند و در طول ۱۰ سال گذشته همواره تهدیداتی بر علیه ما وجود داشته است. البته فکر می کنم فرماندهان نظامی آمریکا این اشتباه استراتژیک را مرتکب نخواهند شد زیرا از لحاظ نظامی قادر به حملات زمینی علیه ایران نیستند و نسبت به اقدام هوایی و موشکی فکر نمی کنم این خطای استراتژیک را فرماندهان نظامی مرتکب شوند زیرا آنها به خوبی می دانند که ایران از قدرت بازدارندگی و توان بالای موشکی برخوردار است و در دریا قابلیت های فراوان دفاعی دارد».

جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران، با اشاره به اینکه در جنگ زندگی کردن برای یک ملت جدی ترین موضوع است، افزود: «در جنگ یک نسل می جنگد اما نسل های زیادی از تجربیات آن می توانست استفاده کنند. جنگ باعث می شود بقا، موجودیت و استقلال کشور به خطر بیفتد به همین منظور دو طرف از تمام قوا برای پیروزی استفاده می کنند. در طول هشت سال جنگ، عراق علیه کشور ما و حتی مردم خود از سلاح های شیمیایی استفاده کرد و در سالهای اخیر هم آمریکایی ها علیه عراق، افغانستان و اسرائیل در لبنان در جنگ ۲۳ روزه از سلاح های نامتعارف استفاده کردند.»

انقلاب اسلامی: معنای سخن «سردار» رشید اینست که ایران در معرض جنگ با اسلحه غیر متعارف است. آیا مردمی که از زبان جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح می شنوند که ممکن است در حمله به ایران از سلاح اتمی تاکتیکی و یا بمبهای خوشه ای و... استفاده شود، بران می شوند سرمایه گذاری کنند و یا سرمایه های خود را در اولین فرصت از کشور خارج کنند؟ آیا...

واشنگتن پست: جنگ با عراق ۳۰۰۰ میلیارد دلار خرج برده است:

انقلاب اسلامی: در ۵ سپتامبر ۲۰۱۰، واشنگتن پست گزارشی را در باره هزینه های جنگ انتشار داده است. نکاتی از آن که از دید ایرانیان و ایران می توانند مهم و سودمند باشند، عبارتند از:

۱. در سال ۲۰۰۸، ما برآورد کردیم که هزینه جنگ با عراق، سر به ۳۰۰۰ میلیارد دلار خواهد زد. یادآور می شود که حکومت بوش برآورد کرده بود که هزینه جنگ ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار خواهد شد.

اما امروز، که آمریکا جنگ در عراق را به پایان می برد، معلوم می شود برآورد ۳ تریلیون (شامل برآورد کارشناسان از هزینه های جنگ و اثر آن بر اقتصاد آمریکا) سال ۲۰۰۸، کمتر از هزینه ایست که جنگ به پای آمریکا گذاشته است.

۱. اکنون که دو سال از آن ارزیابی می گذرد، بر ما روشن می شود که در برآورد آن روز ما، تمامی هزینه ها لحاظ نشده بودند: هزینه هایی که از مقوله «ممکن بود بشوند» یا به قول اقتصاد دانها هزینه های فرصتهای از دست رفته می باشد.

مشغول جنگ بودیم؟ اما پرسش تنها «چه می شد اگر» نیست، بلکه باید پرسیم اگر به عراق حمله نمی کردیم، آیا بهای نفت چنان شتابان افزایش می یافت؟ آیا فرضه آمریکا رقمی به این بزرگی می شد؟ آیا بحران اقتصادی به این شدت می گشت؟

احتمالا پاسخ به هر چهار پرسش، نه است. درس اصلی اقتصادی که باید گرفت، اینست که منابع (در بر می گیرد پول و توجه را) کمیاب هستند. اگر آنها را در جانی بکار بردید، در جای دیگر نمی توان بکار برد.

انقلاب اسلامی: در مورد جنگ عراق و ایران، ما فرصت رشد یک نسل را که از دست رفت (نقله شدن یک نسل) و نیز فرصتهای استقرار مردم سالاری که از دست رفت و باز فرصت رشد اقتصادی که به فرصت رانت خواری و پیدایش و رشد مافیاهای بدل شد، بارها خاطر نشان کرده و بطور مستمر به مردم ایران هشدار داده ایم که جنگ و زندگی در بحرانهای، نه تنها ایران را از استعدادهای خود محروم می کند و سرمایه هایش را بر باد می دهد، بلکه نسلهای آینده نیز بسا نتوانند خسران عظیم را تدارک کنند. رفتارهای گرایشهای سیاسی و نیز مردم کشور، وقتی با محک این واقعیت سنجیده شود، روشن می شود چرا برغم خطری چنین بزرگ، ایران همچنان تحت رژیم مافیاهای نظامی - مالی است.

* افغانستان:

۱. حمله به عراق، توجه ما را از جنگ افغانستان برگرداند. و حالا، وارد دهه دهمین سال این جنگ می شویم. موفقیت در این جنگ همچنان دور از دسترس است. بسا ما می باید طالبان را مهار می کردیم به تریبی که زبان کمتری می رساندند. آمریکا برای افغانستان، ۱۴.۷ میلیارد دلار بودجه معین کرده بود (کمتر از ۲۰ میلیارد دلار که در سال ۲۰۰۲ خرج شد) در همان حال، ما برای جنگ با عراق ۵۳ میلیارد دلار بودجه در نظر گرفته بودیم. در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶، ما، سالانه، چهار برابر افغانستان، در عراق خرج جنگ کردیم. مشکل می توان باور کرد که اگر منابع خود را به جنگ با عراق اختصاص نمی دادیم، گرفتار چنین جنگ خونینی در افغانستان می شدیم. در سال ۲۰۰۳، گسیل نیرو به افغانستان می باید به اندازه ای می بود که کار طالبان ساخته می شد، نیروئی که در ۲۰۱۰ به افغانستان فرستاده شدند، در آن سال می باید فرستاده می شدند.

* نفت:

۱. وقتی آمریکا با عراق وارد جنگ شد، بهای نفت بشکه ای کمتر از ۲۵ دلار بود. پیش بینی می شد که در سالهای بعد نیز قیمت نفت در همان حدود بماند. در پی جنگ، در سال ۲۰۰۸، بهای نفت به بشکه ۱۴۰ دلار رسید. به باور ما، جنگ در خاورمیانه که بزرگ ترین صادر کننده نفت در جهان است، عامل عمده بالا رفتن قیمت نفت است. نه تنها به این دلیل که صدور نفت عراق قطع می شد بلکه بی ثباتی که جنگ خاورمیانه را بدان گرفتار می کرد، سبب گرانی قیمت می شد و شد. بهنگام محاسبه ۳۰۰۰ میلیارد دلار هزینه جنگ، ما جنگ را عامل افزایش ۵ دلار در قیمت هر بشکه، شمرده بودیم. اما بر این اعتقاد بودیم که محاسبه واقع بینانه تر، می گوید که جنگ سبب افزایش ۱۰ دلار در هر بشکه می شود. این افزایش، مبلغ ۲۵۰ میلیارد دلار از رهگذر افزایش قیمت نفت، بر هزینه های جنگ افزوده است. اما این افزایش هزینه در حد برآورد ما نماند. با افزایش قیمت نفت بیشتر و بیشتر شد و اثر ویرانگری بر اقتصاد گذاشت.



***قرضه امریکا:**

۱ بدون تردید جنگ عراق مبلغ مهمی بر قرضه امریکا افزوده است. این اولین بار در تاریخ امریکا است که حکومت برای جنگ مالیات وضع می کند. نتیجه اینست که قرضه امریکا از ۶.۴ تریلیون در مارس ۲۰۰۳، به ۱۰ تریلیون در سال ۲۰۰۸ رسید (پیش از بروز بحران اقتصادی). یک چهارم از این افزایش نتیجه مستقیم جنگ است. این بر آورد شامل هزینه های درمانی شرکت کنندگان در جنگ نمی شد که نیم تریلیون بر قرضه ها افزوده است.

*** بحران مالی:**

۱ بحران مالی در بخشی ناشی از جنگ است. قیمت بالای نفت بدین معنی است که پولی که در خارج از امریکا خرج می شود، به خود امریکا خرج نمی شود. از سوی دیگر، هزینه های جنگ موجب افزایش فعالیتها و بالا رفتن تولید نمی شوند. پرداخت پول به طرفهای خارجی قرارداد که در عراق کار می کنند، پولی نیست که خرج آن، در کوتاه مدت، سبب توسعه فعالیتهای اقتصادی بگردد. از آن سو، مالیاتی از عوامل بحران شد...

انقلاب اسلامی: افزایش بهای نفت گرچه به اقتصاد امریکا زیان رسانده است اما اولاً سود شرکتیهای نفتی را تا بخوابی بالا برده است. این شرکتها بر نفت عراق چنگ انداخته اند و سالها از این نفت سود خواهند برد. هزینه های جنگی نیز به صنایع جنگی امریکا تا بخوابی سود رسانده اند. بدین سان، مردم امریکا زیان دیده اند اما شرکتیهای نفتی و اسلحه سازی تا بخوابی سود برده اند و می برند. پرسش اینست که از چه رو مردم امریکا به نامزدهای این شرکتها رای می دهند و برای خود ۳۰۰۰ میلیارد دلار زیان و برای این شرکتها سودهای نجومی را سبب می شوند؟ آنها باید از خود بپرسند بستن قرارداد فروش ۶۰ میلیارد دلار هواپیمای جنگی با عربستان، چه اندازه جو جنگ و بی ثباتی را در خاورمیانه سنگین می کند. هزینه هائی که مردم این منطقه می پردازند و سرانجام هزینه ای که امریکائیان خواهند پرداخت چه اندازه خواهند شد؟

*** امریکا معادل ۶۰ میلیارد دلار پیشرفته ترین هواپیمای جنگی به عربستان می فروشد به قصد مهار ایران:**

پس از انتشار خبر فروش پیشرفته ترین جنهای جنگی اف - ۱۵ جدید به ارزش ۶۰ میلیارد دلار به عربستان، در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۰، نیویورک تایمز نوشت: افسران ارتش امریکا به ما می گویند هدف حکومت اوپاما از فروش این جنها به عربستان، توانا کردن این کشور و دیگر کشورهای منطقه به مهار ایران است. اوپاما بر آنست که موافقت کند که با این فروش بدست آورد. نمایندگان کنگره از آن بیم دارند که در اختیار عربستان قرار دادن این جنکنده ها، از لحاظ نظامی، به زیان اسرائیل باشد. افزون بر فروش ۱۷۵ اف - ۱۵، هلی کوپترهای نیرو بر و کشتی های جنگی و موشکهای دفاعی به عربستان فروخته خواهند شد.

اسرائیل نیز ابواب نگرانی کرده است. اما امریکا به این کشور اطمینان داده است که موشکهای دور برد در اختیار عربستان گذاشته نمی شوند و هدف تنها مهار ایران است. یک مقام ارشد حکومت اوپاما به نیویورک تایمز گفت: ما می خواهیم از آنها بپیمند که به نامه آنها آنها

فکرشان بر خطا است هم امروز بازنده اند و هم فردا.

از زمانی که لایحه فروش سلاحها به مجلس می رود، مدت ۳۰ روز طول می کشد تا تکلیف آن معلوم شود. نمایندگان چندان پرسش نخواهند کرد. زیرا حکومت توضیحات لازم را داده است و نیز تعداد کاری را هم که این فروش در امریکا ایجاد خواهد کرد، بر آورد کرده است. با اینهمه، برخی از نمایندگان از آن بیم دارند که مجهز شدن عربستان به این سلاحها، از تفوق نظامی اسرائیل بکاهد. سه نماینده به اوپاما نامه نوشته اند که با فروش اسلحه ای با چنین تکنولوژی پیشرفته به عربستان مخالفت کنند. زیرا برغم اینکه دولت سعودی تکرار می کند دوست امریکا است، متحد امریکا نیست. فروش این اسلحه به عربستان، منطقه را بی ثبات می کند و به امنیت اسرائیل صدمه می زند.

انقلاب اسلامی: وجود رژیم مافیاهای نظامی - مالی دست آویزی شده است برای بیرون بردن ثروت از دست کشورهای نفت خیز و جلب این ثروت به امریکا بقصد رهیدن از بحران اقتصادی شدید. فرصتهای رشد از دست می روند و ثروتها خرج تسلیحات می شوند زیرا دولتهای منطقه استبدادی و نسبت به ملتبهای خود خارجی و نسبت به منطقه مسلط، داخلی هستند. در آنچه به منطقه مربوط می شود، رژیم مافیاهای نظامی - مالی بیشتر از رژیم شوروی سابق، بهانه ساز چپاول ثروتیهای کشورهای نفت خیز توسط امریکا و اروپا است.

*** دو سوم مردم امریکا با حمله نظامی به ایران مخالف هستند:**

در ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۰، نتایج سنجش افکار امریکائیان در باره حمله نظامی به ایران انتشار یافت. بنا بر این سنجش افکار، دو سوم امریکائیان با این حمله مخالف هستند:

۱ از هر ۵ امریکائی، یک نفر با حمله ایران، در صورتی که به اجرای برنامه اتمی خود ادامه دهد، موافقت.

۱ این سنجش به درخواست Chicago Council on Global Affairs انجام شده است. بنا بر این سنجش افکار، هر گاه ایران دست از غنی سازی اورانیوم بر ندارد، تنها ۱۸ درصد امریکائیان موافق حمله نظامی به ایران هستند. ۴۱ درصد بر این نظرند که می باید تحریمهای اقتصادی را تشدید کرد و ۳۳ درصد بر این باورند که می باید همچنان از راه دیپلماتیک رفت.

۱ در پاسخ به این پرسش که سازمان ملل متحد چه باید بکند؟ ۲۱ درصد پاسخ می دهند باید دستور حمله نظامی به ایران را بدهد و ۴۵ درصد موافق تشدید تحریمها و ۲۶ درصد طرفدار مذاکره هستند.

۱ در صورتی که اسرائیل به ایران حمله کند، نیمی از امریکائیه مخالف حمایت دولت امریکا از این حمله هستند. اگر حمله به اسرائیل بخاطر تلافی حمله اسرائیل باشد، ۵۶ درصد امریکائیان مخالف آنند که امریکا به حمایت از اسرائیل وارد عمل شود. و ۳۸ درصد موافق حمایت امریکا هستند. ۱ در آنچه به نزاع اسرائیل و فلسطین مربوط می شود، ۶۶ درصد امریکائیان معتقدند دولت امریکا می باید بی طرف بماند. و ۲۸ درصد بر آنند که امریکا می باید جانب اسرائیل را بگیرد.

فتنه

بیشتر موافق شده اند. اقتصاد ایران بدون مجازات نیز، گرفتار رکود است. ۸۰ درصد و بیشتر اقتصاد دولتی است و باوجود درآمد نفت، قرضه های دولت آن را دولتی ورشکسته گردانده است:

نیمی از صنایع تعطیل

- ذخیره ارزی ناچیز -
قرضه نجومی دولت -
یارانه ناچیز و تورم رو به افزایش:

*** حداقل ۵۰ درصد صنایع کشور تعطیل یا غیر فعال است**

در ۲۷ شهریور ۸۹، مردم سالاری، سخنان دکتر سید حسین نقوی حسینی را این سان نقل کرده است: *این توسعه تا چه زمانی ادامه داشت و از چه زمانی با مشکل مواجه شد؟ ۱ این توسعه تا اوایل دهه ۸۰ خیلی خوب بود. یعنی نمودار صنعت کشور، نمودار رشد بود. اما از اوایل دهه ۸۰، در حوزه صنعت با یک مشکلاتی روبرو شدیم که نه تنها آن سرمایه گذاری ها متوقف شد، بلکه این نمودار توسعه کشور جهت عکس به خود گرفت به طوری که امروز بر اساس آمارهای که در ذهن دارم می توانم بگویم که حدود ۹۰ درصد صنایع نساجی ما تعطیل است.

*آیا منبع آن موثق است؟

۱ بله، این آمار را از مرکز پژوهش های مجلس عرض می کنم که مستند و قابل اعتماد است. اگر تعطیلی ۹۰ درصدی صنایع نساجی را به طور میانگین به صنایع دیگر هم تعمیم بدهیم، باید بگویم که امروزه حداقل به طور میانگین ۵۰ درصد از صنایع کشور تعطیل یا غیر فعال است. اما با کمال تأسف این روند رو به پایین صنعت ما شدت گرفته و به جایی رسیده که امروز وقتی به شهرک های صنعتی، کارخانه ها و کارگاه ها سر می زنیم، کارگاه هایی را مشاهده می کنیم که زمانی ۲۰ یا ۵۰ کارگر آنها مشغول بودند. و در این کارخانه فعال، اقتصاد حیات داشت و چرخش سرمایه به خوبی صورت می گرفت. هم بازار فروش برای تولیدشان وجود داشت، هم کارگر کار داشت و دستمزد می گرفت و هم سرمایه گزار سود سرمایه اش را می برد اما امروز اغلب این کارخانه ها درشان بسته است و کارگران اش اجراج شده اند.

*** حساب ذخیره ارزی کمتر از ۱۰ میلیارد است، بعضی مواد برنامه ۸۰ درصد و برخی دیگر ۱۰۰ درصد اجرا نشده اند:**

در ۲۲ شهریور ۱۳۸۹، فرارو گزارش کرده است: جبار کوچکی نژاد، عضو کمیسیون برنامه بودجه در گفتگو با خبرنگاری فارس گفته است: «موجودی حساب ذخیره ارزی در حال حاضر، کمتر از ۱۰ میلیارد دلار است. موجودی حساب ذخیره ارزی در اساس جمع ستون بدهی جدا

وی همچنین با اشاره به جلسات کمیته تحقیق و تفحص از برنامه چهارم و بررسی انحرافات موجود در برنامه چهارم، تصریح کرد: «برخی از موارد برنامه تا ۸۰ درصد و برخی دیگر تا ۱۰۰ درصد اجرا نشده است و به طور کلی در برنامه چهارم بیش از ۳۰ درصد انحراف وجود دارد.»

*** دولت دهم بدهکارترین دولت ۳۰ سال گذشته. سرانه بدهی هر ایرانی ۲/۲ میلیون تومان:**

در ۲۷ شهریور ۸۹، کلمه اطلاع داده است: به دنبال اعلام روزنامه مردم سالاری درباره این که حجم بدهی دولت دهم به نهادهای داخلی و خارجی به ۱۲۷ میلیارد دلار رسیده است، پایگاه اطلاع رسانی دولت طی گزارشی اعلام کرد: «بانک مرکزی ۱۲۷ میلیارد دلاری دولت را خلاف واقع و غیر مستند اعلام نموده است.»

این گزارش (پایگاه اطلاع رسانی دولت) در حالی به اعلام بانک مرکزی مبنی بر کذب بودن بدهی ۱۲۷ میلیارد دلاری دولت استناد نموده که هیچ گزارشی از بانک مرکزی یا مسئولان این بانک در مورد تکذیب بدهی ۱۲۷ میلیارد دلاری دولت در این بانک یا سایر خبرگزاریها و رسانهها درج نشده و مسئولان روابط عمومی بانک مرکزی هم خبری از درج این گزارش در سایت دولت ندارند و معلوم نیست سایت دولت این خبر را به نقل از کدام مسئول و مقام بانک مرکزی درج نموده است.

حال با عنایت به مطلب فوق می پردازیم به تشریح جزئیات بدهی دولت دهم به نهادهای داخلی و خارجی:

بنا به گزارش بانک مرکزی در بخش گزیده آمار اقتصادی مهم ترین بدهی دولت و شرکت های دولتی ۵۵۴۰۰ میلیارد ریال به بانک های کشور و بانک مرکزی است که عدم پرداخت این بدهی به بانکها باعث قفل شدن سیستم بانکی و ناتوانی بانکها در پرداخت وام به صنعت گران و نیازمندان شده است. البته آمار بدهی های بانکی دولت مربوط به ۱۱ ماهه سال ۱۳۸۸ است که با توجه به شایعاتی درباره افزایش نقدینگی برای واريز يارانه نقدی در اجرای طرح حذف يارانه ها و کمک حدود ۱۰ هزار میلیارد ریالی بانکها به شرکت بازرگانی دولتی برای خرید گندم کشاورزان در تیر و مرداد ۱۳۸۹ و سایر عوامل در حال حاضر بدهی بانکی دولت به حدود ۶۰۰ هزار میلیارد ریال بالغ شده است. لذا برای جلوگیری از اطلاع کلام، سایر بدهی های دولت به صورت خلاصه در جدول ذیل درج می گردد و جمع انتهای جدول منعکس کننده حداقل میزان برآوردی بدهی دولت می باشد.

سال جاری (۱۳۸۹) را نیز به آن اضافه کنیم مجموع بدهی های دولت در پایان سال جاری (با فرض نظم و انضباط مالی دولت مانند سال های قبل اتفاق بدی رخ ندهد و سایر مسائل مانند تحریم های بین المللی و رکود حاکم بر اقتصاد کشور و ... اثرات مالی زیان بار بیشتری بر فعالیت های دولت و اقتصاد کشور وارد ننماید) بالغ بر ۱۵۴ هزار میلیارد تومان بر آورد می گردد. حال اگر جمع

ردیف	شرح بدهی دولت به	برآورد مبلغ بدهی (میلیارد ریال)
۱	بانک به بانک های داخلی و بانک مرکزی	۵۰۰۰۰
۲	بانک به بانک های خارجی و بانک مرکزی	۳۱۰۰۰
۳	سازمان تامین اجتماعی	۸۰۰۰۰
۴	سازمان تامین اجتماعی (بهره بده سال ۱۳۸۹)	۴۵۰۰۰
۵	سازمان تامین اجتماعی (بهره بده سال ۱۳۸۸)	۴۵۰۰۰
۶	سازمان تامین اجتماعی (بهره بده سال ۱۳۸۷)	۴۵۰۰۰
۷	سازمان تامین اجتماعی (بهره بده سال ۱۳۸۶)	۴۵۰۰۰
۸	سازمان تامین اجتماعی (بهره بده سال ۱۳۸۵)	۴۵۰۰۰
۹	سازمان تامین اجتماعی (بهره بده سال ۱۳۸۴)	۴۵۰۰۰
۱۰	سازمان تامین اجتماعی (بهره بده سال ۱۳۸۳)	۴۵۰۰۰
۱۱	سازمان تامین اجتماعی (بهره بده سال ۱۳۸۲)	۴۵۰۰۰
۱۲	سازمان تامین اجتماعی (بهره بده سال ۱۳۸۱)	۴۵۰۰۰
۱۳	سازمان تامین اجتماعی (بهره بده سال ۱۳۸۰)	۴۵۰۰۰
۱۴	سازمان تامین اجتماعی (بهره بده سال ۱۳۷۹)	۴۵۰۰۰
۱۵	سازمان تامین اجتماعی (بهره بده سال ۱۳۷۸)	۴۵۰۰۰

درآمد نفت و گاز کشور در پنج سال اخیر را حدود ۴۰۰ میلیارد دلار در نظر بگیریم (که متأسفانه به علت پنهان کاری های دولت رقم واقعی آن اعلام نمی گردد). را به مجموع ۱۵۴ هزار میلیارد تومان اضافه کنیم، به رقم نجومی ۵۵۴ هزار میلیارد تومان هزینه های دولت در ۵ سال اخیر می رسیم که اگر این هزینه را با دست آوردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مقایسه کنیم در آن صورت به عمق فاجعه ای که در این کشور اتفاق افتاده است پی می بریم. به عبارت دیگر، به رغم درآمدهای ارزی بی سابقه حاصل از فروش نفت و گاز در ۵ ساله اخیر، کشور دارای رشد اقتصادی ۰/۵ درصد در سال ۸۸ و نرخ بیکاری ۱۴/۶ درصد (بر اساس اعلام معاون وزارت کار) در سه ماه اول سال ۸۹ و نرخ تورم رسمی ۱۰/۸ درصد در پایان سال ۸۸ بوده است (که البته نرخ تورم اعلامی دولت به دلایل متعدد مورد وثوق کارشناسان اقتصادی، مردم و حتی برخی علمای دینی حوزه علمیه نمی باشد. آنها معتقدند که نرخ تورم واقعی بسیار بالاتر از نرخ اعلامی قرار دارد) به هر حال، با عنایت به مطالب فوق در ۵ ساله اخیر فعالیت دولت نهم و دهم کشور در مسیری قرار گرفته است که نه تنها لیاقت بهره برداری مناسب از ثروت های خدادادی به همراه نفت و گاز و ... را نداشته است، بلکه حق و حقوق نسل های آینده این کشور را از این ثروت های خدادادی به تاراج داده است.

*** مانده طلب بانکهای کشور از مرز ۲۳۱ هزار میلیارد تومان گذشت:**

در ۲۹ شهریور ۸۹، خبرگزاری فارس گزارش کرده است: مجموعه بانکهای کشور و موسسه اعتباری توسعه در پایان اردیبهشت ماه سال جاری بیش از ۲۳۱ هزار و ۸۶۱ میلیارد تومان مانده تسهیلات ارزی و ریالی داشته اند که وصول نشده است. بیش از این، ارقام متفاوتی از مطالبات معوق بانکها اعلام شده بود که از ۳۸ هزار میلیارد تومان تا ۵۰ هزار میلیارد تومان در نوسان بوده است، ولی در آخرین اظهارنظرهای رسمی بهمنی رئیس کل بانک مرکزی، از وصول ۷ هزار میلیارد تومان از مجموع ۵۰ هزار میلیارد تومان



بنابراین گزارش، در صورتی که مطالبات معوق بانکها بر اساس گفته های بهمنی ۴۳ هزار میلیارد تومان باشد، با توجه به مجموع مطالبات ۲۳۱ هزار میلیارد تومانی بانکها بیش از ۱۸.۶ درصد مطالبات بانکها معوق است.

* نهانوندیان: آمار چک‌های برگشتی کشور به رقم بی‌سابقه‌ای رسیده است:

◀ در ۲۸ شهریور ۸۹، به گزارش ایسنا، محمدنهانوندیان، رئیس اطاق بازرگانی گفته است: رئیس اتاق بازرگانی ایران در نقد شرط جدید صدور کارت‌های بازرگانی را مبنی بر داشتن گواهی نداشتن چک‌های برگشتی عنوان کرد: با توجه به اینکه آمار چک‌های برگشتی کشور به رقم بی‌سابقه‌ای رسیده که قبل از این تنها در سال ۵۷ اینگونه بوده است، حال اگر این موضوع را در بخش کارت‌های بازرگانی مدنظر قرار دهند این بی‌سلیقه‌ی است.

محمدنهانوندیان که در نشست مشترک با رئیس سازمان توسعه تجارت و روسای تشکلات سخنان می‌گفت با اشاره به شرط جدید گواهی نداشتن چک‌های برگشتی برای صدور کارت‌های بازرگانی اظهار کرد: باید واقعیت شرایط اقتصادی کشور را در نظر گرفت. مناسبات بین بنگاه‌ها و بانک‌های کشور نیاز به یک بازنگری دارد که برای بانک‌ها اختیارات غیر قابل‌تعرض فائق باشیم. این یک بی‌عدالتی و نابرابری است که با اقتضانات اقتصاد رقابتی همکاری ندارد.

* یارانه‌ها سبک و هزینه‌ها که آزاد کردن قیمت‌ها ببار می‌آورند سنگینند:

◀ در ۲۹ شهریور، خبرگزاری مهر گزارش کرده است: براساس دستور دکتر محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهوری اسلامی ایران یارانه نقدی از اول مهرماه امسال یعنی پنجشنبه هفته جاری به حساب سرپرست خانوار واریز می‌شود. برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد دولت در مرحله اول به حدود ۶۱ میلیون ایرانی یارانه نقدی پرداخت خواهد کرد، البته دولت قصد دارد یارانه نقدی را به حساب سرپرست خانوار واریز کند.

براساس قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، ۵۰ درصد از درآمد حاصل از اصلاح قیمت حاملهای انرژی به مردم (به صورت یارانه نقدی و غیر نقدی)، ۳۰ درصد به تولیدکنندگان و ۲۰ درصد به دولت به منظور جبران آثار آن بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک داراییهای سرمایه‌ای اختصاص می‌یابد. بر همین اساس، اگر ۵۰ درصد اعتبار ۲۰ هزار میلیارد تومانی هدفمندی یارانه‌ها را محاسبه کنیم، رقم ۱۰ هزار میلیارد تومان به دست می‌آید که بابت یارانه نقدی به مردم تخصیص خواهد یافت.

۱. مبلغ یارانه نقدی در صورت توزیع مساوی: ماهانه ۲۷۳۲۲ تومان؛
حال اگر فرضی را بر این بگیریم که حدود ۶۱ میلیون ایرانی که رقم اطلاعات اقتصادی را بر کرده اند، یارانه نقدی بگیرند، در این صورت هر ایرانی - در صورت توزیع برابر یارانه نقدی میان مردم - ۶۳ هزار و ۹۳۴ تومان یارانه نقدی در سال آینده خواهد گرفت. همچنین اگر رقم ۱۶۳ هزار و ۹۳۴ تومان را بر ۶ ماه باقی مانده از سال تقسیم کنیم، رقم ۲۷ هزار و ۳۲۲ تومان حاصل می‌شود که سهم

۱. مبلغ یارانه نقدی اقشار آسیب پذیر: با توجه به اظهارات شمس‌الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی مبنی بر اینکه ۵،۱۰ میلیون نفر قشر آسیب پذیر و تحت پوشش نهادهای حمایتی از یارانه بیشتری برخوردار خواهند شد. براساس برنامه دولت، یارانه نقدی این قشر بیش از ۱۰ درصد سایر اقشار جامعه خواهد بود. حال سهم این ۵،۱۰ میلیون نفر از ۶۱ میلیون نفر کل مشمولان دریافت یارانه در مرحله اول حدود ۱۷ درصد می‌شود که با اضافه شدن ۱۰ درصد دیگر، سهم ۲۷ درصدی از رقم ۱۰ هزار میلیارد تومان میزان یارانه نقدی اقشار آسیب پذیر را مشخص می‌کند. بر همین اساس، احتمالاً ۲۷۰۰ میلیارد تومان یارانه نقدی میان اقشار آسیب پذیر توزیع خواهد شد. بدین ترتیب رقم یارانه نقدی هر یک از اقشار آسیب پذیر سالیانه ۲۵۷ هزار و ۱۴۲ تومان می‌شود. به عبارتی، اگر این رقم را بر ۶ ماه باقی مانده از سال تقسیم کنیم، رقم یارانه نقدی ماهانه هر یک از افراد این قشر جامعه حدود ۴۳ هزار تومان می‌شود.

۱. مبلغ یارانه نقدی سایر اقشار: در عین حال، رقم یارانه نقدی ۵،۵۰ میلیون ایرانی دیگر نیز از رقم ۲۳۰۰ میلیارد تومان اعتبار باقی مانده تأمین خواهد شد. سهم هر نفر از این رقم در شش ماه باقی مانده از سال ۱۴۴ هزار و ۵۵۴ تومان - یعنی ماهانه حدود ۲۴ هزار تومان - خواهد بود.

پیش از این وزیر امور اقتصادی و دارایی گفته بود: مبلغ یارانه نقدی تعیین شده است و لذا اعلام نمی‌کنیم، ضمن اینکه ظاهراً قرار است رئیس جمهور به صورت رسمی مبلغ یارانه نقدی هر ایرانی را اعلام کند.

انقلاب اسلامی: درازای آزاد شدن قیمت‌ها، میزان یارانه‌ای که به هر فرد در ماه داده می‌شود، تنها بهای ۱.۲ کیلو گوشت بدون استخوان (غیر آسیب پذیرها) و ۲ کیلو و اندی گوشت (آسیب پذیرها) می‌شود. اما هزینه‌ها از رهگذر آزاد شدن قیمت‌ها و بزرگ تر شدن حجم بودجه و نقدینده، بخاطر تورم، بسیار سنگین خواهند شد. اگر نفت نیز نتوان فروخت و یا کمتر بتوان فروخت، اقتصاد ایران و زندگی اقتصادی مردم ایران، چه سرنوشتی خواهد یافت؟

* وقتی در روز میادا، حساب دخل و خرج اقتصاد نفتی نمی‌خواند-صنعت نفت و گاز ایران در معرض تند باد تحریم‌ها

◀ در ۲۲ شهریور ۸۹ سایت امروز، نوشته امین‌الله حسینیان را انتشار داده است:

تحریم‌های تصویب شده علیه ایران، با دو هدف اعمال می‌شوند: -تنگ کردن حلقه منابع انرژی، ۲- ایجاد مشکل در توان تولید محصولات پلاستیکی برای مصارف داخلی. این دیدگاه مدیر اجرایی سابق امور بین‌الملل در شرکت ملی نفت ایران و عضو سابق کمیته استراتژی بلند مدت سازمان اوپک است.

از نظر اقتصادی بیش از ۸۰ درصد منابع سالانه انرژی، بیش از ۷۰ درصد سرمایه‌گذاری‌های عمومی و حدود ۵۰ درصد بودجه سالانه دولت به وسیله صادرات نفت، تأمین می‌شود. به همین دلیل کاهش صادرات نفت و کاهش منابع ارزی تأثیر مستقیم و قابل توجهی بر کل اقتصاد کشور و در نتیجه بر زندگی روزمره هر ایرانی خواهد

فتنه

علی‌رغم اکتار اثرات تحریم بر صنعت نفت ایران شاخص‌ها و دلایلی وجود دارد که اثرات تحریم را اثبات می‌کند. از آن جمله، پروژه بهره‌برداری از حوزه نفت و گاز پارس جنوبی که در خلیج فارس قرار گرفته و کشور قطر نیز در آن سهم است و سال‌هاست که در حال جذب فناوری و سرمایه‌گذاری از سوی شرکت‌های بین‌المللی نفتی است و اکنون بهره‌برداری گاز را در بخش خود آغاز کرده است.

ایران تاکنون موفق شده است تنها ۸ فاز از ۲۸ فاز پیش‌بینی شده برای بهره‌برداری از این حوزه را به اجرا برساند و این ۸ فاز هم مربوط به دورانی است که شرکت‌های خارجی حاضر به سرمایه‌گذاری در این پروژه بودند ولی از زمان اعمال تحریم‌ها، این شرکت‌های خارجی سرمایه‌های خود را از این پروژه خارج کرده‌اند.

وزارت نفت ایران برای بهره‌برداری از ۶ پروژه از فازهای باقیمانده با کنسرسیومی متشکل از ۱۰ شرکت ایرانی قرارداد بسته است و این در شرایطی است که این شرکت‌ها برای این کار نیاز به وارد کردن تجهیزات فنی مانند شیرآلات مربوط به چاه‌های نفت و تجهیزات حفاری در دریا و جذب حداقل ۲۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری دارند. در شرایط فعلی و با تحریم‌های اعمال شده، هرگونه دستیابی به این‌گونه فناوری‌ها غیرممکن است. این بحران به صنعت گاز محدود نمی‌شود. حوزه‌های نفتی ایران نیاز به تزریق گاز به میزان بسیار بالا دارد تا قابل بهره‌برداری باقی بمانند و اگر ایران نتواند در حوزه‌های نفتی خود گاز تزریق کند تا ۶ یا ۷ سال آینده دیگر هیچ نفتی برای صادر کردن وجود نخواهد داشت. امروز مصرف داخلی، یک میلیون و شصت هزار بشکه در روز است. نرخ افزایش مصرف حدود ۶ تا ۷ درصد در سال است و با همین روند مصرف داخلی تا شش سال آینده به دو میلیون بشکه خواهد رسید. در این صورت توان تولید نفت خام تنها جوابگوی مصرف داخلی خواهد بود در واقع صنعت نفت دیگر درآمد ارزی نخواهد داشت.

با توجه به اینکه فناوری‌های مدرن تنها در دست شرکت‌های بزرگ نفتی اروپایی، آمریکایی و ژاپنی است، اعمال تحریم‌ها توسط این شرکت‌ها ایران را برای توسعه صنعت نفت و گاز با مشکلات فراوانی مواجه خواهد ساخت و کشورهایی مانند مالزی، اندونزی یا چین نمی‌توانند کمک مؤثر جهت رفع مشکلات پیش روی صنعت نفت ایران نمایند.

برخی صاحب‌نظران معتقدند بخشی از تحریم‌ها که به تاژگی وضع شده است، محدودیت‌هایی است که برای فروش فرآورده‌های نفتی در نظر گرفته شده است. با آنکه ایران دومین تولیدکننده بزرگ عضو اوپک (کشورهای صادرکننده نفت) است، یک سوم بنزین و بخشی از گازوئیل مصرفی خود را از کشورهای دیگر خریداری می‌کند.

تولید بنزین ایران حدود ۴۳ میلیون لیتر در روز است، اما مصرف به طور متوسط ۶۷ میلیون لیتر در روز است. مصرف گازوئیل حدود ۹۰ میلیون لیتر در روز است که به طور میانگین حدود ۲ تا ۳ میلیون لیتر آن وارد می‌شود. مشکل اصلی ایران تأمین بنزین وارداتی است که تحریم‌های تازه می‌تواند مشکلاتی را برای آن ایجاد نماید. اما مسئله ایران فقط مواد سوختی مصرفی نیست. ایران در ۱۱ ماه گذشته ۱۸ میلیارد دلار

در این شرایط، دولت ایران سیاست استفاده از شرکت‌های داخلی را برای توسعه صنعت نفت را در پیش گرفت. حال سؤال مهم این است که با توجه به وضعیت مالی و کمبود سرمایه در ایران، شرکت‌های داخلی چطور خواهند توانست این حجم هنگفت از سرمایه (حدود ۲۱ میلیارد دلار) را برای این پروژه‌ها تأمین کنند؟ در حالی که همین شرکت‌های وابسته به سپاه در تأمین پول مورد نیاز دو فاز پارس جنوبی کلی تلاش کردند، اما سرانجام اجرای این کار را نیمه تمام رها کردند.

این در شرایطی است که دولت در سال‌های گذشته تلاش بسیاری کرده تا مشکل کمبود سرمایه در صنعت نفت را حل کند و وزارت نفت ایران مدت‌ها کوشید تا بانک ویژه صنعت نفت ایجاد کند، اما موفقیتی به دست نیامورد. مدتی هم منابع داخلی وزارت نفت به این کار اختصاص داده شد، اما کافی نبود.

سرانجام دولت فروش اوراق مشارکت ارزی در بازارهای بین‌المللی را در قانون بودجه گنجانید و قرار است حدود ۱۱ میلیارد دلار اوراق مشارکت در بازارهای بین‌المللی فروخته شود تا بخشی از نیاز پولی صنعت نفت تأمین شود که براساس آمارهای رسمی از زمان انتشار اوراق مشارکت مذکور تاکنون تنها حدود ۷۰۰ میلیون یورو از اوراق مذکور به فروش رسیده است و با توجه به اعمال تحریم‌های جدید بعد به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از این اوراق فروخته شود.

ظرفیت تولید نفت ایران هم اکنون ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز است که براساس چشم‌انداز بیست ساله توسعه کشور (تا سال ۱۴۰۴) قرار است به هفت میلیون بشکه در روز برسد. تولید گاز ایران نیز هم‌اکنون بیشتر از ۵۰۰ میلیون متر مکعب در روز است و قرار است براساس برنامه چشم‌انداز بیست ساله به سه برابر افزایش یابد.

بنابر پیش‌بینی‌ها، ایران برای رسیدن به اهداف برنامه میان‌مدت بیست ساله به حدود ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در صنعت نفت نیاز دارد. در این شرایط، متأسفانه ایران نه تنها فرصت‌های طلایی را که به واسطه افزایش درآمدهای نفتی ناشی از افزایش قیمت نفت را جهت تأمین سرمایه مورد نیاز توسعه صنعت نفت و گاز از دست داده است، بلکه به واسطه تحریم‌های بین‌المللی تأمین سرمایه مورد نیاز را از طریق جلب مشارکت و همکاری سرمایه‌گذاران خارجی نیز از دست داده است.

* اسرائیل واسطه خرید و فروش ایران با غرب:

◀ در ۳۱ اوت ۲۰۱۰، روزنامه اسرائیلی Maariv گزارشی را انتشار داده است در این باره که اسرائیل واسطه خرید از ایران و فروش به ایران است. در مقدمه، گزارش خاطر نشان می‌کند که اسرائیل حساب اقتصاد را از حساب دشمنی با این یا آن کشور جدا می‌داند. با وجود دشمنی با ایران، در پی توسعه داد و ستد با ایران و واسطه داد و ستد شدن ایران با غرب است.

۱. اسرائیل مرمز از اسرائیل وارد و آن را به آمریکا صادر می‌کند. این کالا یکی از دهها کالا است که اسرائیل واسطه داد و ستد آنها است.

۱. بانک لامی یکی از اولین مؤسسات اسرائیل است که از ایران سنگ گوه‌ر می‌خرد. این سنگ از یک شهر

به اصفهان می‌آورند. از آنجا صادر می‌شود. دو نوع از این مرمز، یکی سبز و دیگری خاکستری را معماران اسرائیل نیک می‌شناسند. این سنگ، بمحض وارد شدن، بفروش می‌رسد.

۱. محصولات دیگر نیز بهمین ترتیب وارد اسرائیل می‌شوند. نخست بینیم مرمز چگونه وارد اسرائیل می‌شود؟ مرمز از طریق ترکیه وارد اسرائیل می‌شود. با کانپیر و با مارک « Made in Turkey»، همراه با مدارکی حاکی از این که کالا ساخت ترکیه است، به آسانی از گمرک ترخیص می‌شود. به اسرائیل وارد می‌شود. این تنها یکی از روشها است که برای وارد کردن کالا به اسرائیل بکار می‌رود. کالاهای دیگر، نظیر منسوجات و فرش و شربنی جات و البته پسته با استفاده از یکی از روشها، وارد اسرائیل می‌شوند.

۱. ایران و سوریه و ایران کشورهای هستند که دشمن بشمارند و معامله آنها ممنوع است. با وجود این، معامله با این کشورها بطور مرتب انجام می‌گیرد. این معامله‌ها از طریق کشور ثالث انجام می‌گیرند.

اثر این داد و ستدها بر اقتصاد اسرائیل و آمریکا و جیب احمدی‌نژاد چیست؟

۱. شیوه‌هایی که در پوشاندن واقعیت بکار می‌روند: حدود ۱۰ سال پیش، وقتی میری کرز، معمار بنای مرکزی بانک لئووی، نقشه آن را در برابر مدیران بانک شتود و تشریح کرد، وارد کردن ده‌ها هزار متر مربع سنگ گوه‌ر ایران، جزء کوچکی از مصالحی بشمار بود که می‌باید در بنا بکار می‌رفتند. مدیران بانک تیمی را معین کرد که به کمک کرز سنگ را انتخاب کند. هیأت به یونان رفت. در آنجا، با دقت، سنگ گوه‌ر را انتخاب کرد. آن زمان، سنگ گوه‌ر از ایران به شهر دراما در یونان صادر می‌شد. در آنجا تراش دادن به سنگ انجام می‌گرفت. از یونان، سنگ به اسرائیل حمل می‌شد. و اغلب از طریق ترکیه صادر می‌شد. نام دراما، نزد تاجران سنگ، از راه اتفاق، نام سنگ گوه‌ر شد.

منابع ما در بان لئووی می‌گویند: مدیران بانک نمی‌دانستند سنگ گوه‌ر متعلق به ایران است. آنها گمان می‌کردند این سنگ یونانی است. این بانک تنها نیست که در ساختمان مرکزی آن، سنگ گوه‌ر بکار رفته است. در صدها مؤسسه دولتی و خانه‌ها و مؤسسات خصوصی، این سنگ بکار رفته است. غیر از سنگ گوه‌ر، دیگر انواع مرمز، گرافیت و اونیکس از ایران، از طریق یونان و ترکیه، وارد اسرائیل شده‌اند.

۱. در ۳ سال اخیر، واردات مرمز از ایران به اسرائیل افزایش یافته است: مرمز یکی که از طریق ترکیه وارد اسرائیل می‌شود، ۶۰ درصد سنگی است که وارد اسرائیل می‌شود. در این سالها، واردات سنگ مرمز از ایران به اسرائیل، حدود ۲۲ میلیون دلار بوده است.

طرفه این که شرکت صادرکننده مرمزها، به میزان ۹۰ درصد، متعلق به دولت ایران است. و این سنگ در همه جای جهان مشتری دارد. اگر اسرائیل نخرد، دیگران آن را خواهند خرید.

* فرش ایران:

۱. عنوان «فرش ایران» روشن می‌گوید که در کدام کشور تولید شده است. فروشندگان فرش در اسرائیل از مشتریهای خود پنهان نیز نمی‌کنند که فرش بافت ایران است. البته می‌افزایند که فرش ایران در هند و چین نیز بافته می‌شود. وقتی یک فروشنده به ما گفت نام کشور تولیدکننده فرش سری است، برای ما مشکل نبود بدانیم مقصود او چیست. اگر فرش قم یا فرش اصفهان، نامهای مانوسه هستند، بخاطر انست که روزم به خداه در



کمان ۹۹، یکی از معجزه ها که ارتش ایران آفرید

روز ۳۱ شهریور سال ۵۹ صدام به خیال نبردی ۶ روزه و با زیر پا گذاشتن تمام قوانین بین المللی با حمله هوایی به ۱۵ پایگاه نیروی هوایی و فرودگاه رسماً به خاک ایران حمله کرد.

حملات هوایی عراق آغاز شد:

* در ساعت ۱۳:۴۵ دقیقه با ۶ فروند میگ ۲۳ به فرودگاه اهواز،

* ساعت ۱۴:۱۵ دقیقه با سه فروند میگ ۲۳ به فرودگاه تهران،

* ساعت ۱۴:۴۵ دقیقه با ۴ فروند میگ ۲۱ به فرودگاه همدان و سه فروند میگ به فرودگاه سنندج، هشت فروند میگ به فرودگاه تبریز و با چند فروند میگ به شهرهای بوشهر، کرمانشاه و اسلام آباد حمله کرد.

ولی این پایان کار نبود. در هنگام حمله به فرودگاه مهرآباد تهران با اعلام اسکرامبل، دو فروند فانتوم این پایگاه اقدام به رهگیری میگ ها می کنند. در جریان این حمله جمعا ۵ فروند از هواپیماهای عراق ساقط شد که سه فروند آن توسط پدافند فرودگاه همدان، یک فروند توسط پدافند خلبانان فرودگاه تبریز و یک فروند هم در غرب تهران بود از این مجموع یکی از خلبانان اقدام به خروج اضطراری از هواپیما می کند که به اسارت در می آید و مشخص می شود که این شخص یک مصری می باشد.

عراق در این حملات با توجه به پیش بینی برنامه ریزان و استراتژیست های این کشور و غربی ها که توان عملیاتی نیروی هوایی ایران را بیش از سی درصد برآورد نمی کردند، در نظر داشت ضمن پیشگیری از هرگونه عملیات احتمالی انتقام جویانه، راه را برای مقاصد بعدی خود باز کند، اما نیز پروازان ایرانی در پاسخ به این تجاوز بعد از دو ساعت اقدام به مقابله نمودند.

نیروی هوایی ارتش ایران با انجام عملیاتی بنام "انتقام" در قالب دو گروه پروازی "البرز" و "الفرد" اولین پاسخ را به صدام دادند.

"البرز" نخستین گروه پروازی بود که از پایگاه ششم شکاری در بوشهر ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه، نخستین حملات هوایی خود را علیه عراق آغاز کرد و هواپیمای فانتوم "اف-۳"ی این گروه، پایگاه هوایی "شعبیه" در استان بصره و ام القصر را در هم کوبید. این حمله با حضور نیز پروازانی چون شهید یاسینی، شهید خلعتیری، شهید طالب مهر، شهید اکرادی و سیید موی آذر صورت گرفت.

ساعت ۱۷ و ۲۵ دقیقه نیز تیم "آلفا رد" از پایگاه سوم شکاری با حضور خلبانان گردانهای ۳۱ و ۳۲ شکاری همدان (شهید نوزه) وارد عملیات شد و پایگاه هوایی "کوت" در استان "میسان" را آماج حملات خود قرار داد. در این حمله دلیرانه نیروی هوایی ایران خلبانانی چون سرلشکر خالد حیدری و سرلشکر محمد صالحی را در حمله هوایی هوایی به منطقه کوت عراق از دست داد.

دیدن ترتیب تنها ۲ ساعت پس از اولین تجاوز دشمن در بعد از ظهر روز ۳۱ شهریور دو پایگاه مهم عراق، شعبیه و الرشید با حملات خلبانان غیور نیروی هوایی در هم کوبیده شد. نظراتی فرماندهان نیروی هوایی ازا اجرای سریع این عملیات در حقیقت آغاز جنگی روانی علیه استراتژیست های ارتش عراق بود، چرا که آنان حملات هوایی خود علیه نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران را با اتکا بر این باور طراحی کرده بودند که نیروی هوای تهران با سگرم به تهاجم

گسیخته شده و ارکان نظام فرو خواهد ریخت.

از سوی دیگر نظر فرماندهان، بر اعلام توان مقاومت، مقابله به مثل، سرعت، قدرت کوبندگی و قابلیت انعطاف نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به زمامدار عراق بود تا شاید آنان را از ادامه خشونت و دشمنی آشکار باز دارد.

اما اصرار نیروی هوایی عراق بر ادامه حملات باعث شد تا صبح روز یکم مهر ماه با یکی از بزرگترین پاسخ های هوایی جهان مواجه شوند.

صدام با توجه به حمایت کشورهای غربی و در اختیار داشتن امکانات پیشرفته نیروی هوایی قصد تخریب روحیه ارتش ایران و فلج کردن قدرت ارتش را در آسمان داشت. کافی است نگاهی به توانمندی های هوایی عراق در ابتدای جنگ بیندازیم.

توان هوایی عراق در اوایل جنگ:

* بالغ بر ۶۰۷ فروند هواپیمای شکاری و بمب افکن،

* ۱۶۹ فروند هلی کوپتر،

* ۷۷۵ دستگاه پرتابگر موشک های زمین به هوا (عمدتا سام، سام ۳، سام ۶ و رولند)،

* ۷۱۳ عراده توپ های پدافند هوایی،

۱۱۶ دستگاه رادارهای اخطار اولیه،

ارتفاع یاب و کنترل آتش بود. به این ترتیب ایران در بزرگترین عملیات هوایی خود به عراق، یکی از بزرگترین ارتش های جهان در آن زمان را در بهت و حیرت فرو برد. طراحی عملیات کمان ۹۹ شروع می شود.

این تازه آغاز راه بود. پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی (معاونت های عملیات پایگاهها) با دستور فرمانده محترم نیروی هوایی سرتیب "جواد فکوری" که شخصا در طرح این عملیات شرکت داشت، شبانه مشغول طراحی، طرح عملیاتی البرز می شوند و طرح عملیات در واپسین دقایق شامگاه ۳۱ شهریور ۵۹ آماده می شود. در همین حین، تمامی خدمه فنی مشغول به کار بودند تا بمب های MK82/83/8،

بمب های خوشه ای، موشک های ماوریک، موشک های حرارتی و موشک های راداری را بر روی جنگنده ها لود کنند. در راستای اجرای این طرح، خلبانان در هر پایگاه به فرماندهی فراخوانده شدند و تا صبح بر روی برنامه پروازی، نوع مأموریت و مشخص نمودن اهدافی که باید هدف قرار بگیرد، کار کردند. مسیر رفت و برگشت، باندهای فرعی برای فرود اضطراری، محل های سوخت گیری در آسمان و نقاطی که باید از آن جا از مرز گذشت و وارد عراق شد، مشخص شدند.

پایگاه های شرکت کننده در عملیات: قرار بر این شد که پایگاه های تهران، همدان و بوشهر با یگان های اف ۴ (فانتوم) خود و پایگاه های تبریز و دزفول با یگان های اف ۵ (تایگر) خود در این عملیات شرکت کنند و پایگاه های هفتم و هشتم شکاری با یگان های اف ۱۴ (تامکت) خود، کار پشتیبانی را برعهده بگیرند.

نام عملیات بر این اساس قرار شد: نام عملیات کمان ۹۹، نمادی از آتش خشم ملت ایران به سوی متجاوز و به عبارتی یعنی تیری در چله کمان و رها نمودن آن تا دور دست ترین نقاط عراق تا یادآور آرش کمانگیر باشد. عدد ۹۹ نیز الهام گرفته از تعداد صفحات طرح عملیاتی البرز بود.

زمان عملیات:

زمان عملیات طلوع آفتاب در سرزمین عراق انتخاب شد. این انتخاب به این دلیل بود که خورشید از شرق طلوع می کند و هواپیماهای ایرانی می باید از شرق به غرب بمباران کنند. در این زمان عملیات طلوع آفتاب در سرزمین عراق انتخاب شد. این انتخاب به این دلیل بود که خورشید از شرق طلوع می کند و هواپیماهای ایرانی می باید از شرق به غرب بمباران کنند. در این زمان عملیات طلوع آفتاب در سرزمین

هوای عراق بود و هدف گیری برایشان بسیار مشکل بود.

منطقه عملیات: منطقه عملیات نیز سرتاسر خاک عراق، تمام پایگاه های هوایی، پالایشگاه ها، مخازن سوخت و دیگر اهداف در حد فاصل مدار ۳۰ درجه شمالی یعنی جنوبی ترین مدار در خاک عراق تا شمالی ترین مدار آن که مدار ۳۷ درجه شمالی را شامل می شد.

علل انتخاب این اهداف:

بعد تاکتیکی: نیروی زمینی دشمن را از ابعاد خدمات پشتیبانی - رزمی و آتش پشتیبانی هوایی، دفاع هوایی، اطلاعات و هشدار اولیه در میدان رزم با کاستی های فراوان روبرو کرد....

بعد دفاعی: برآوردهای هوایی عراق حاکی از زمین گیر بودن نیروی هوایی ایران داشت و انجام چنین عملیات سنگین هوایی، می توانست معادلات نظامی عراق را به هم بریزد.

آغاز عملیات:

قرار بر این شد که عملیات بدین شکل آغاز شود: در ساعت مقرر تانکرها در محل ملاقات حضور داشته باشند و ابتدا اف ۴ های پایگاه همدان به پرواز درآیند و بدون سوختگیری به اهداف خود حمله کنند.

دو دقیقه بعد از آنها، فانتوم های پایگاه تهران به پرواز درآیند و با سوختگیری هوایی، به اهداف خود حمله کنند. دو دقیقه بعد فانتوم های پایگاه بوشهر به پرواز درآیند و آنها نیز با سوختگیری هوایی به اهداف خود حمله کنند.

در همین زمان هم اف ۵ های پایگاه های تبریز و دزفول به پرواز آمده و اهداف خود را بمباران کنند و در این زمان اف ۱۴ ها از پایگاه های مربوطه به پرواز درآیند و کار پشتیبانی عملیاتی را از پشت مرزها به عهده بگیرند. بزرگ ترین عملیات تاریخ نیروی هوایی:

بامداد روز یکم مهر ماه سال ۱۳۵۹ در حالی که کمتر از یکروز از هجوم هواپیماهای دشمن متجاوز به میهن عزیزمان نمی گذشت، با ابلاغ رمز "کمان ۹۹" به پایگاه های هوایی، عملیات آغاز شد. پایگاه بوشهر که تا به آن روز پرواز ۴۰ فروند فانتوم را با هم تجربه نکرده بود، آماده بود. هواپیماها بر روی باند پروازی قرار گرفتند و یکی پس از دیگری در دل آسمان جای گرفتند. بعد از سوختگیری هوایی، به سمت اهداف حرکت کردند. در اولین بغداد به خاطر این که این اولین عملیات بزرگ نیروی هوایی بود، ناهماهنگی بوجود آمده بود. به شکلی که وقتی هواپیماهای پایگاه بوشهر به آن جا رسیدند، هواپیماهای دیگر از ارتفاع بالاتر در حال بمباران بودند که خلبانان شجاع ما با مانورهای زیبا، خود را در امان نگاه داشته و اهداف مورد نظر را بمباران کردند. موج دوم حملات آغاز شد. پایگاه تهران حمله ای دیگر را آغاز نمود که بر اساس آن حمله فروند فانتوم هر کدام به ۶ بمب MK82، چهار بمب و موشک های راداری مسلح شدند و به همراه یک فروند فانتوم شناسایی به قصد بمباران پایگاه هوایی الرشید در جنوب بغداد و فرودگاه بین المللی بغداد به پرواز درآمدند. قبل از ورود به خاک عراق، فانتوم ها به دودسته تقسیم شدند و با کم کردن ارتفاع از مرز گذشتند و وارد خاک عراق شدند. وقتی به بغداد رسیدند، پدافند عراق که دیگر آگاه شده بود، آسمان بغداد را به گلوله گرفته بودند و دودهای ناشی از آن کل آسمان را پوشانده بود. ولی خلبانان شجاع نیروی هوایی با رشادتی مثال زدنی، به سمت اهداف خود در پایگاه الرشید و فرودگاه بغداد شیره رفتند و تمامی بمب های خود را بر روی اهداف ریختند که در نتیجه آن باند فرودگاه، ساختمان های آن و ماشین آلاتی که در آن قرار داشت، تقریباً منهدم شد.

تمامی اهداف از پیش تعیین شده در خاک عراق در هم کوبیده شد و هیچ منطقه عملیاتی از قلم نیفتاد.

در این عملیات:

* پایگاه های هوایی الرشید بغداد،

* پایگاه هوایی کوت در استان العماره،

* پایگاه هوایی موصل در استان نینوا،

* پایگاه هوایی ناصریه در استان ذیقار،

* پایگاه هوایی شعبیه در استان بصره،

* پایگاه هوایی کرکوک در استان کرکوک،

* پایگاه های هوایی حبانیه شامل دو پایگاه تموز و هضبه در غرب بغداد،

* پایگاه هوایی ام القصر،

فرودگاه بین المللی بغداد و فرودگاه المثنی،

هر دو باند پروازی پایگاه کرکوک،

پالایشگاه های نفت کرکوک و بصره،

فرودگاه حبانیه شمالی،

فرودگاه المثنی،

پل های ارتباطی توموه و بصره،

چاه های نفت باباگرگر،

مخازن نفت موصل،

تاسیسات گازی کرکوک،

توسط بمب افکن های ایرانی بمباران شد.

موارد یاد شده، تنها قسمتی از خسارت های وارد به عراق بود. با انجام این عملیات، نیروی هوایی عراق بیش از ۵۵ درصد از توان عملیاتی خود را از دست داد و تا مدت ها پایگاه های هوایی آنان قادر به استفاده از تمام یا بخشی از توان عملیاتی خود نبودند. پایگاه هوایی الرشید به عنوان یکی از مهم ترین پایگاه های هوایی عراق، تا ۶۹ روز نتوانست عملیاتی شود که این خود شدت تاثیر حملات خلبانان تیز پرواز نیروی هوایی را نشان می داد و از سویی تمام برآوردهای دشمن را درباره این نیرو برهم زده بود. زیرا اطلاعات آنان حکایت از زمینگیر بودن نیروی هوایی ایران داشت و براسی خلبانان شجاع ما نه تنها تمامی معادلات عراق را برهم ریخته بودند، بلکه به کشورهای دوست و هم پیمان عراق شامل کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، فرانسه، آلمان و از همه مهم تر آمریکا، پاسخی قاطع داده بودند و آنان تازه فهمیده بودند که محاسباتشان چندان دقیق هم نبوده است.

شرح عملیاتی نقاطی که مورد هدف قرار گرفت:

(الف) ۴۸ فروند هواپیما جنگنده بمب افکن F5E از پایگاه هوایی دوم تبریز، پایگاه هوایی موصل در شمال شرقی عراق در استان نینوا را در هم کوبیدند.

(ب) ۱۶ فروند هواپیما جنگنده بمب افکن F4E از پایگاه سوم شکاری همدان پایگاه هوایی کوت در استان العماره عراق را به خاک کشیدند.

(ج) ۴۰ فروند F5E از پایگاه چهارم شکاری دزفول به پایگاه هوایی ناصریه در استان ذیقار عراق حمله کردند.

(د) ۱۲ فروند F4E از پایگاه ششم شکاری به پایگاه هوایی شعبیه عراق در استان بصره یورش بردند.

(ه) ۱۲ فروند فانتوم از پایگاه سوم شکاری همدان به پایگاه هوایی الرشید در نزدیکی بغداد حمله ور شدند. (و) پایگاههای هوایی حبانیه شامل تموز و هضبه در غرب بغداد، فرودگاه بین المللی بغداد، پایگاه هوایی کرکوک در استان کرکوک، فرودگاه المثنی و برخی فرودگاههای دیگر در امواج بعدی حملات هوایی بمباران شدند.

در موج دوم حملات هوایی، پایگاه یکم شکاری مهرآباد و پایگاه دوم شکاری تبریز با نیمی از هواپیماهای آماده، حمله ور شدند.

خبرگزاری های خارجی نیز پس از این عملیات با اذعان به مهارت خلبانان ایرانی و قابلیت هایی که در عرف این جنگنده ها پیش بینی نشده، مجبور به بازتاب این حمله گسترده شدند. آنان پرواز خلبانان ایرانی را اعجاب انگیز و مانورهای آنان را، یاد بغداد

همگانی نیز از وحشت مردم از ادامه این بمباران هوایی خبر دادند. آنان اذعان داشتند که خلبانان ایرانی چنان مانور لابه لای ساختمان های بغداد می دادند که ما سات و حیران زده شده ایم . عکاسی آمریکایی، عکسی از یکی از فانتوم های ایرانی از طبقه چهارم ساختمان محل سکونت خود گرفته بود که نشان می داد یک فروند فانتوم نیروی هوایی در ارتفاعی کم تر از چهار متر از سطح زمین پرواز می کند و این مهارت خلبانان ایرانی را بر همگان ثابت نمود. آن چه که می شود از اخبار منتشر شده متوجه شد، ضربه شدید روحی و وحشتی بود که عراق و هم پیمانانش خورده بودند.

این عملیات مهم رویای خوش قادسیه صدام در فتح سه روزه و تصرف خوزستان و انجام مصاحبه در تهران را به یاس مبدل کرد به طوری که بعد از انجام این عملیات قادر به هیچ توضیحی نشد.

از آن پس عملیات های پی در پی و بی وقفه نیروی هوایی در کنار دفاع قهرمانانه نیروهای سطحی و بسیج نیروهای مردمی ادامه یافت و آنچه ضربه ای به دشمن یعنی وارد ساخت که در دهمین روز جنگ، صدام به طور یکجانبه خواستار آتش بس گردید که این حرکت مسبب شکست استراتژی عراق در حمله به خاک ایران بود و به دلیل این که دشمن بخش وسیعی از اراضی ایران را در اشغال داشت مورد پذیرش واقع نشد.

عقابان از دست رفته:

نیروی هوایی ارتش تعدادی از بهترین های خود را نیز از دست داد. شهیدان عزیز:

- ۱ - همایون شوقی
- ۲ - غفار رامین فر
- ۳ - غلامحسین عروجی
- ۴ - مسیح الله دین محمدی
- ۵ - بهرام عشقی پور
- ۶ - عباس اسلام نیا

از این دسته، بیکر پاک و مظهر چهار نفر اول تاکنون بدست نیامده و جزو مفقودین دفاع مقدس می باشند و دو نفر دیگر نیز که به عنوان لیدر دسته پروازی پایگاه همدان بودند، بر روی پایگاه دچار نقص فنی شدند و تلاش شان برای نشاندن هواپیما نیز موفق نبود و برای این که هواپیماشان بر روی خانه های سازمانی فرودگاه سقوط نکند، آن را به ساختمان نیمه کاره ای در پایگاه کوبیدند و بدین شکل جاودانه شدند.

منابع:

<http://isfahan.sajed.ir/articles/11-articles/51.html>

<http://parvazidigar.persianblog.ir/1384/11/>

<http://newcoy.persianblog.ir/post/274>

<http://newcoy.persianblog.ir/post/317>

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8606270054>

روزنامه ایران، شماره ۴۳۲۰ به تاریخ ۸۸/۷/۲، صفحه ۱۴

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1953937>

ایستاده بر آرمان علی غریب

<http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=934&articleID=460976>

خطرات و خاطرات حمیدرضا تندرو و مهرداد نصرتی - انتشارات نیروی هوایی



«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و بیست و هشتمین سالگرد تولد دکتر مصدق»

چون منظور عمده از تحصیل امتیاز مذکور روس ها بود (۳) همینکه در مقابل تقاضاهای انگلیس تسلیم شدند و تعهد نمودند که دیگر در افغانستان دخالت نکنند... انگلیس ها نیز دست از حزمیات رویتر برداشتند و موضوع امتیاز راه آهن سراسری ایران از میان رفت. (۴) و امتیاز راه آهن مذکور در سال ۱۸۷۳ میلادی ۱۲۹۰ هجری رسماً لغو و باطل گردید». (۵)

چارلز غوسوی در باره لغو امتیاز رویتر به این نکته اشاره می کند که: هرچند که بنا به امتیاز رویتر ۱۸۷۲ م. همراه با ضرر قابل توجهی ملغی شد و این امتیاز نقطه عطف جالبی در تاریخ معاصر ایران می باشد. میدان گستره آن از یک نظریه نظری بود - لرد کرزن آنرا به عنوان «قرارداد مهم رویتر که به اروپا جان بخشید و تمام منابع ایران را به مدت هفتاد سال در اختیار بیگانگان قرار داده توصیف کرده است. از نظر دیگران امتیاز نه تنها دولت روسیه تحریک کرد تا برای لغای آن فشار زیادی به دولت ایران وارد سازد بلکه باعث گردید که یک سود متقابل فالکنهاگن (Falkenhagen) را نیز برای خود تأمین نماید. بلاخره از راه تجدید این امتیاز که رویتر در سال ۱۸۸۹ م. برای تأمین خود کرد، متوجه برقراری بانک شاهنشاهی ایران و بطور مستقیم شرکت نفت ایران - انگلیس گردید (۶)

جرج کوزن (George Curzon)، در کتاب خود بنام «ایران و قضیه ایران» می نویسد:

همواره مطرح بوده است... و در ژوئیه ۱۸۸۸ شاهان خط آهن را افتتاح نمود. (۷) همین کمپانی به منظور جبران ضرری که تحمل می نموده در سال ۱۸۸۹ امتیاز کشیدن واگون آسیبی تهران را از آقای بوتال خریداری کرده است که خطوط آن در حال حاضر به طور پنج میل در خیابان های پایتخت امتداد دارد. (۸)

دسته ارتجاعی در ایران که بعضی از ملاها گاهی حامی ایشان اند مخالف هرگونه فکر تازه ای هستند که باعث پیشرفت و نفوذ اروپا در کشور آنها و موجب تسریع زوال قدرت طولانی اما بی حاصل ایشان بشود. حتی اگر حس ضدیت در ایران منتفی یا خفیف تر شود تا تضمین دولتی در میان نباشد هیچ گونه وسیله اطمینان کافی فراهم نخواهد بود که سرمایه داران را ترغیب و یا حتی سوداگران پر دل را تسویق به اقداماتی در این زمینه مشکوک بنماید. (۹)

و بزرگترین مانعی که در راه ایجاد خطوط آهن در ایران هست طبیعی یا تجاری نیست، بلکه سیاسی و ناشی از ضدیت سرسخت خودخواهانه دولت تزاری است. (۱۰) هنگامی که وزیر مختار انگلیس در تهران در پاییز ۱۸۸۸ به قول معروف امتیاز نامه مربوط به کارون را از شاه تحصیل کرد که به منظور افتتاح سرویس کشتی رانی در رودخانه کارون بود... به پرسن دولگورویکی وزیر مختار روس در ایران دستور رسید که سختگیری و فشار آغاز کند و در اثر تهدیدات او ناصرالدین شاه ناچار شد سندی امضاء و تسلیم کند که تا پنج سال در ایران امتیاز راه آهن به احدی ندهد. (۱۱) دیپلماسی روس از آن پس مباحث می نموده است که از تأسیس راه آهن در ایران جلوگیری و نطفه کار را اصلاً نابود و بدین ترتیب نهضت ایران نورا تا ده سال دچار تعویق کرده است. (۱۲)

«ز همه بالاتر اینکه من معتقدم دولتی که از این جریان به احتمال قوی برخوردار خواهد شد روسیه نیست، بلکه انگلستان است، زیرا که با سرمایه انگلیسی است که ضمناً منابع طبیعی آن سرزمین مکشوف و مستعد استفاده قرار می گیرد و با اطلاعاتی جامع تر انگلستان خواهد توانست که بعداً راجع به توسعه خطوط آهن در ایران گام بردارد و با مرور زمان پیشرفت این کار بیشتر با نحوه عمل انگلستان منطبق خواهد گردید.» (۱۳)

«سیاست بریتانیا در خطه خراسان این است که مصالح انگلستان و افغانستان را در آنجا مصون سازد و به هیچ وجه تغییری را در وضع کنونی ایران نپذیرد و بخصوص ناظر و نگران آزادی راههای باشد که برای پیشرفت تجارت انگلستان ضرورت کامل دارد و اگر آن راهها به جای دوست در دست قدرتی بیگانه باشد خطر نمایانی از لحاظ هندوستان خواهد بود.» (۱۴)

از این گذشته، «ارزش منفی سیستم برای روس، برای انگلستان برعکس جنبه مثبت دارد. به عبارت دیگر روس علاقه مند است که بر سیستم دست یابد تا از افتادن آن در دست انگلیس جلوگیری نماید زیرا که در این صورت نه فقط نقشه های دور و دراز و متضمن اثرات بسیاری که شرح داده ام نقش بر آب خواهد شد، بلکه انگلستان در وضع و حال مناسبی قرار خواهد گرفت که خواهد توانست به آسانی موقع آسیائی رقیب خود را تهدید کند.» (۱۵)

بنابراین، «با تنها وسیله ای که بریتانیا قادر است تقریباً تحت شرایط مساوی با حریف رقابت کند این است که تاکتیک خود او را تعقیب نماید و آن ساختن راه آهن در جنوب است تا اثرات خط آهن ماوراء بحر خزر را در شمال خنثی کند و اجناس بمبئی یا همان سهولت و سرعت به مقصد برسد که کالای ساخت

بدینرو، «ارزش چنین خط آهنی از لحاظ نزدیک ساختن هند به بازارهای خراسان به نظر من قابل انکار نیست، ولی به همان اندازه مزیت سوق الجیشی آن هم آشکار است چون که انگلستان را قادر خواهد ساخت که وضع مساعد جناحی جهت دفاع از سرزمین افغانستان که حفاظت آن را برعهده گرفته است برای خویش تأمین و از پیشرفت بیشتر آرمندان شمالی که شرحش را باز نموده ام جلوگیری کند و گر نه بعید نیست که روابط متعادل بین دو امپراتوری مختل شود.» (۱۷)

کرزن در ادامه آن می نویسد: «ما روزگاری را امیدوار هستیم که وسایل حمل و نقل از شمال به جنوب به هر صورتی که باشد شهرهای عمده مرکزی از کرمانشاه در غرب تا کرمان در شرق با وسیله بخار به هم مربوط شوند از همان محور و جهت که شیب عمومی جلگه ها و فرورفتگی ها بدون استثناء مساعد است. یعنی از شمال غربی به جنوب شرقی. از راه آهن اصلی که بر طبق نقشه طوری کشیده شود که مالا با خط آهن هندوستان ارتباط یابد. راه آهن سیستان انحراف طبیعی و فرعی و فقط شاخه ای از خط اصلی به سمت شمال خواهد بود و در عین حال راه ارتباط با دریا نیز بدین ترتیب تأمین خواهد گردید.» (۱۸)

اقیانوس هند محور ارتباط این راه آهن خواهد شد و همان نقشی را در حدود شرقی ایفا خواهد کرد که بحر خزر در مورد خط آهن ماوراء دریای خزر در شمال شرقی می کند. (۱۹)

کرزن می گوید: بعضی از نویسندگان کشیدن خط آهنی را بین مشهد و تهران که ۵۵۰ مایل است توصیه کرده اند... ارتباط راه آهن تهران به مشهد بدون تردید کالای انگلیسی زیادتر از حالا را به بازارهای خراسان خواهد رسانید، اما شاهراه وارداتی اجناس هند و انگلیس باید کماکان طریق جنوب باشد چون در آن حدود راه رقابت برای دیگران مسدود است و عقل و سلاح انگلیسی ایجاب می نماید که در اصلاح و بهبود جاده های جنوب تلاش کنیم نه اینکه در صد برآییم. (۲۰)

کرزن به طرح راه آهن در ایران اشاره می کند و در باره خط راه آهن محمره (خرمشهر) - بروجرد - تهران تأکید می کند که: «محمره (خرمشهر) - بروجرد - تهران - راه آسان تر و راحت تر که اشاره نموده بودم از دهانه رودخانه کارون از میان شهرهای بزرگ ایالات زرخیز غربی تا پایتخت ساخته شود و از قرار معلوم جملگی بر این قول هستند که یگانه خط آهن ایران است که امکان سود تجاری دارد، خطی است که از شوشتر (به احتمال بیشتر شاید محمره) شروع و از میان لرستان خواهد شد و خرم آباد و بروجرد منتهی شود و از آنجا می توان آن را با آسانی به کرمانشاه و همدان و خط تهران و بغداد ارتباط داد و از طرف دیگر با سلطان آباد و قم و مالا به تهران، بندر جدید جنوبی ایران چند صد مایل به پایتخت نزدیک تر خواهد شد و مانع عظیمی هم مانند کتل راه کاروانی بوشهر - شیراز ندارد. علاوه بر آنکه تجارت وارداتی و صادراتی ایران را به سمت خلیج فارس معطوف خواهد ساخت از میان غله خیزترین نواحی ایران نیز خواهد گذشت و در حال و آبادانی شهرها تأثیر خواهد نمود. به عبارت دیگر هم خط سیر تجارت داخلی و هم خارجی خواهد شد و از مزایا محصولات داخلی مقداری هم به خارج خواهد رسید.»

کرزن در ادامه آن برای اینکه مردم را به باور تظاهرات مذهبی مشغول و سرگرم باشند و دست انگلیس را در غارت و چاپیدن بیشتر باز گذارد می گوید: «هنگامی که راجع به ساختن جاده در همان خط سب صحبت داشتیم، البته

بین نقاط زیارتی و مکان های مقدس می شود و اگر خط آهن محمره را بسازند دسترسی آسان به پنج تا از این بارگاهها میسر خواهد گردید. قم در شمال که آرامگاه حضرت فاطمه (ع) خواهر امام رضا (ع) است و بارگاه های کربلا و نجف و سامره که همه در مجاورت فرات و دجله است و به ترتیب مزار امام حسین و حضرت علی و امام حسن عسگری (ع) است. بالاتر از همه راه مکه باز می شود که هر مسلمان خالص شایق است که برای احراز عنوان حاجی دست کم یک بار در عمر خویش به آنجا برود. هر گاه در نظر بیاوریم که هر ساله صدها هزار نفر با تلاش بسیار به این اماکن رو می آورند و فراموش هم نمی کنیم که اهالی آسیا علاقه خاصی به مسافرت با ترن دارند، می توان قیاس کرد که عایدات سرشاری نیز نصب ما و بسیاری از اهل عبادت و زیارت را بخشود و سعید خواهد گردانید.» (۲۱)

بنا بر آن بود که در زمان حکومت وثوق الدوله با قرار داد ۱۹۱۹ این طرح استراتژی نظامی بمورد اجرا گذاشته شود و در اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا صورت جلسه سپتامبر ۱۹۱۹ لرد کرزن با فیروز میرزا نصرت الدوله می خوانیم:

«بلاخره رسیدیم به مسئله احداث راه آهن، ایجاد شبکه های ارتباطی (راههای شوشه و غیره) کشیدن سیمهای تلگراف، و به طور کلی تنظیم برنامه های عمرانی برای پیشرفت اقتصاد و صنعت ایران، حضرت والا به حقیقت خیلی نگران بود که هرچه زودتر نقشه ای که مورد توافق حکومت طرفین باشد تنظیم شود که بر اساس آن هر دو طرف شروع به کار کنند و با انتشار اعلان مناقصه، کسانی را که مایل به شرکت در این طرحها باشند انتخاب و امتیازات لازم مالی برای اجرای این طرح ها را تأمین کنند.

جواب دادم: کاملاً با این نظر موافقم زیرا به خاطر آوردن این مسئله خیلی مهم است که در حالی که دولت بریتانیا حتماً متمایل به این نظر است که مثلاً احداث هر نوع راه آهن یا راه شوشه را در ایران از زاویه نظر اثراتی که این عمرانی در بازرگانی انگلستان و سایر مصالح مربوط به انگلیس ها می بخشد، مورد بررسی قرار دهد، مسئله مهم و اساسی که مافوق این ملاحظات قرار دارد، به حقیقت «تأمین منافع و مصالح ایران» است که هر دو طرف همیشه باید در نظر داشته باشند.» (۲۲)

در تلگراف مورخ سی و یکم اکتبر ۱۹۱۹ سرپرستی کاس به کرزن آمده است: «کنلن والاس اخیراً به طور خصوصی از صادم الدوله استمراج کرد که آیا ممکن است مذاکرات قطع شده آنها دوباره، از این بار به صورتی نوین و تعدیل شده، از سر گرفته شود؛ صادم الدوله متقابلاً در خواست کرد که کنلن والاس عجلتاً آن سه خواسته دیگر شرکت نفت ایران و انگلیس را که ضمن مذاکرات سابق ارائه شده است پس بگیرد و تقاضایی تسلیم حکومت ایران بکند که موضوعش فقط به ساختن راه آهن مربوط باشد و تقاضاهای دیگر (نظیر حق استخراج معادن و غیره) را در بر بگیرد.

در اجرای توصیه صادم الدوله، کنلن والاس چند روز پیش طرحی که جنبه مقدماتی داشت تقدیم معظم له کرد که بموجب آن خط آهن مورد نظر از محمره (خرمشهر) آغاز و پس از عبور از شهرهای خرم آباد، مخزن، کرمانشاه، همدان، به بندر انزلی ختم میگردد. از طرف صادم الدوله به کنلن والاس اطلاع داده شد که طرح پیشنهادی وی در اولین فرصت به جلسه هیئت وزیران تقدیم و رویش بحث و تصمیم گیری خواهد شد.

در صورتیکه این طرح علی الاصول مورد پسند کابینه قرار می گرفت، کنلن والاس، خیال داشت از هیئت مدبره

با حکومت بریتانیا، به معرض اجرا بگذارد. (۲۳)

بدنبال شکست ننگین قرار داد ۱۹۱۹ و با تحقق کودتای سوم اسفند سید ضیاء و رضاخان دولت انگلیس توانست این طرح را توسط سر سپردگانش به سرکردگی رضا خان با لایحه ای که از مجلس گذاراند به مورد اجرا بگذارد.

برای توضیح پیرامون علل مخالفت مصدق با لایحه راه آهن، بی مناسبت نیست نخست عواملی را که باید در تهیه طرح راه آهن ایران مورد توجه قرار داد، بررسی کنیم، سپس به تشریح نظریات مصدق در این زمینه بپردازیم.

در تهیه طرح یک راه آهن سراسری باید سه عامل استراتژیکی (دفاع از کشور)، اقتصادی، ترانزیت بین المللی و داد و ستد بازرگانی) و ارتباط و حمل و نقل داخلی در نظر گرفته شود. همچنین دقت به عمل آید که راه آهن سراسری، شهرهای مهم کشور را که اهمیت اقتصادی دارند، به دو نقطه انتهایی «آزاد» به منظور تأمین ارتباط بین المللی، متصل کند.

هنگام تهیه طرح مسیر راه آهن سراسری ایران، شهرهای مهم کشور، به لحاظ جمعیت و موقعیت اقتصادی - باستانی تهران - عبارت بودند از: تبریز، اصفهان، مشهد، کرمانشاه و رشت.

طرح مسیر راه آهن سراسری، هیچیک از شهرهای بالا را به یکدیگر مربوط و متصل نمی کرد. راه آهن از منتهی الیه جنوب، یعنی خور موسی، در مجاورت مرز عراق که از نظر دفاعی آسیب پذیر و از جنبه استراتژیکی نا مناسب بود، شروع می شد و در منتهی الیه شمال، به «بن بست» بندر گز، که به هیچ نقطه ای ارتباط نداشت، ختم می گردید. بدین ترتیب راه آهن سراسری، پاسخگوی هیچیک از مقتضیات ترانزیت خارجی، اقتصاد داخلی، ارتباط داخلی و خارج کشور و نیز جنبه استراتژیکی نبود.

طی دو قرن اخیر دروازه ها و بنا در «باز ایران به خارج، از لحاظ ورود و خروج کالا و مسافر، در شمال و شمال غربی شهر تبریز (برای ارتباط راه شوشه و راه آهن به اروپا از طریق روسیه و ترکیه) و بندر انزلی (انتهای خطوط کشتی رانی بازرگانی شوروی بودند)» (۲۴)

1. چه مسیری برای راه آهن سراسری مناسب بود؟

«هرمز و سپس جزایر قشم و هنگام (۹۱۳ هجری قمری - ۱۵۰۷ میلادی)، در آن جزایر تأسیسات تجاری و دفاعی ایجاد کردند. سپس نخستین کشتی آسیایانی با کالای تجاری و دفاعی ایجاد کردند. سپس نخستین کشتی آسیایانی با کالای تجاری فراوان در بندر جاسک لنگر انداخت (۱۰۲۵ هجری قمری - نوامبر ۱۶۱۶ میلادی) چندی بعد نماینده شرکت هند شرقی از انگلیس در اصفهان به حضور شاه عباس رسید و اجازه تأسیس مراکز تجاری در بندر خلیج فارس و نیز شهرهای اصفهان و شیراز را دریافت کرد. دولت صفوی نیز برای ایجاد شبکه راههای بازرگانی در ایران، منطقه بندرعباس و جزایر اطراف آن در نظر گرفت. بدین ترتیب همه کشورهای اروپای غربی، این ناحیه را برای ورود و خروج کالا و مسافر انتخاب کرده بودند.

ایجاد راه آهن سراسری در کشور پهنای و کوهستانی ایران، که فاقد جاده های شوسه و مناسب بود، آنهم بدون گرفتن وام از خارج از آرزوهای دیرینه ملت ایران بشمار میرفت و دارای چنان اهمیتی بود که هرگونه پرسش و بحث در زمینه های فنی، اقتصادی و استراتژیکی آن به عنوان مخالفت با یک اقدام ملی تلقی می شد؛ به همین دلیل هنگامی که دکت مصدق مخالفت خود را با لایحه



«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و بیست و هشتمین سالگرد تولد دکتر مصدق»

اظهار کرد، با طوفانی از انتقاد روبرو شد و او را «منفی باف» و مخالف اصلاحات دانستند. با این حال مصدق با آگاهی از چگونگی طرحی که در راستای نیاز و خواست بریتانیا بود، هنگام طرح لایحه راه آهن در مجلس، با آن مخالفت کرد و با ارائه نظریات خود، عدم ضرورت احداث چنین خط آهنی را اثبات کرد و خاطر نشان ساخت که علاوه بر اینکه از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نیست، بلکه خیانت به مملکت است» (۲۵)

«سرهنگ ستاد، منصور رحمانی در خاطراتش به نظریه پروفیسور گینزبرگ Professor Guinsberg در رابطه چگونه مسیر راه آهن از نظر تجاری و اقتصادی اشاره می کند و می گوید: در اقتصاد بازرگانی که از جمله مواد تدریسی مهم کلمبیا یونیورسیتی است، اجتناب اکید از رفت و برگشت زیادی در راه آهن از جمله اصول اولیه لازم برای تعیین شمرده شده (عوجاج راه آهن به دلیل جغرافیائی ربطی به این مطلب ندارد.) به همین جهت در تمام کشورها مسیرهای راه آهن سراسری، از نقاط عبور داده می شود که نسبت به ثقل جمعیت مصرف کننده، جنبه مرکزیت داشته باشد، تا محمولات دچار رفت و برگشت های زیادی نشوند. چنانکه قبلاً گفتگو شد. درباران به حکم جغرافیائی و نقل توزیع سکنه، این نقاط عبارتند از: بندعباس، شیراز، اصفهان، قم، تهران، قزوین، رشت و بندر انزلی. کافی است به یاد بیاوریم که در وضع تحمیلی راه آهن سراسری، تمام محمولات به مقصد خرمشهر ناچار باید پس از ورود به خلیج فارس، از مقابل بندرعباس رژه بروند تا پس از طی ۱۰۰۰ کیلومتر راه اضافی در امتداد غرب و شمال غرب به خرمشهر برسند. آنوقت آن محمولات باید دو مرتبه همان ۱۰۰۰ کیلو متر با کسری از آن را برگردد تا در قسمتهای مرکزی و شرق ایران بدست مصرف کننده برسد. پس یک محموله به مقصد بیرجند ۲۰۰۰ کیلو متر راه بیهوده باید طی کند تا بدست مصرف کننده برسد. این رفت و برگشت «بیهوده» مستلزم کرایه اضافی است، که «حقیقی» است و مصرف کننده بیچاره که کوچکترین دخالتی در انتخاب خرمشهر بجای بندرعباس نداشته، «باید» بپردازد. او هیچ راهی برای فرار از پرداخت این «جریمه» ندارد.» (۲۶)

توضیح اینکه مقاله زیر را دکتر مصدق در اواخر دوره ششم تقنینیه تهیه کرده و مقتضیات آن زمان اجازه نداده بود منتشر شود.

«نظریات کارشناسی مهندس کاساکوسکی راجع به راه آهن ایران»

آقای کاساکوسکی مهندس محترم وزارت فوائد عامه در موضوع راه آهن ایران عقایدی در دو رساله اظهار نموده اند که متأسفانه بعد از مذاکرات مجلس به این جانب رسید و موجب تأسف گردید که چرا از مندرجات آنها تا خرداد ماه ۱۳۰۷ بی اطلاع بوده و در موافقی که لوایح تصویب خط آهن و مخارج آن در مجلس مطرح بود استفاده نمودم، البته مراد استفاده ایست که شخص اینجانب می کرد و الا هیچ دلیل و منطقی اکثریت را متقاعد و از رأیی

بدون اینکه چیزی از موضوع حذف شود آنها را خلاصه نموده بمعرض مطالعه عموم گذارد. بعقیده مهندس مزبور هر مملکتی که شروع به راه آهن میکند اول باید خط اصلی را ایجاد کند و بعد بتدریج خطوط فرعی را به آن ملحق نماید. «خطوط آهن یک مملکت من حیث المجموع بمنزله جسد زنده می باشد که دارای استخوان بندی معین است. بنابراین اگر خط اصلی مثل ستون فقرات بدن درست ترتیب داده شود تمام بدن می تواند بطور صحیح و بقاعده ایفاء وظیفه نماید و اگر خطوط فرعی نیز هر یک در جای خود بخط اصلی متصل شوند تعادل لازم در کار تولید گردیده با صرف اقل درجه قوا حد اکثر صرفه جویی در وقت حاصل خواهد شد.»

«یکی از دلایل اینکه در انتخاب اولین خط تا چه درجه ممکن است راه خطا پیمود خط بند جز (بندرگز) و محمره (خرمشهر) می باشد زیرا قسمت شمالی خط مزبور یعنی قسمت بندر جز- تهران اگر دارای اهمیت (توضیح دکتر مصدق: طهران- بندر جز از نظر صادرات مهم نیست زیرا بیشتر صادرات مربوط نواحی شمالی است که حمل مال التجاره گیلیان و مازندران احتیاجی برای بندر جز ندارد و در آذربایجان هم بوسیله خط آهن تبریز- جلفا و سایر وسایل حمل روسیه می شود.) خصوصی و محلی است قسمت جنوب آن که طهران- محمره باشد شامل هیچ کیفیت و خصوصیتی نیست و شرح آن از این قرار است: طرفداران خط طهران- محمره در تعیین نظریه خویش اینطور استدلال می کنند که خط مزبور بهترین راهی است برای حمل امتعه نواحی ساحلی بحر خزر به بازار اروپا چون اقصی طرق ما بین بحر خزر و خلیج فارس می باشد در صورتیکه راه نزدیک صادرات و واردات نواحی بحر خزر- بازار اروپا و بالعکس خط پهلوئی- موصل- اسکندرون است.»

«از روی نقشه خوب روشن می شود که چقدر مصنوعی و بر خلاف طبیعت خواهد بود اگر بارهای شمالی تقریباً ۱۴۰۰ کیلو متر بطرف جنوب با راه آهن حمل شود و از آنجا مجدداً بوسیله کشتی ها عربستان را دور زده به دریای مدیترانه برسد.»

«در مملکتی مثل ایران که کلیه فاقد طرق و شوارع صحیحی است، جریان مخارج ساختمان راه آهن فقط در صورتی ممکن است که ایجاد آن با منظور اصلی یعنی آبادانی مملکت توافق داشته باشد و با ارتباط بین المللی هم وفق دهد تا بتواند امتعه خارجه را از مملکت عبور داده جلب ترانزیت نماید. زیرا حمل و نقل محلی و عبور و مرور داخلی بخودی خود چندان زیاد نیست و برای اینکه راه آهن بتواند به وجود خود ادامه دهد باید بقدر کافی برای آن بار تدارک نمود و چون خود مملکت نمی تواند مقدار کافی را تأمین نماید پس یگانه راه صحیح حل مسئله ساختمان راه آهن در ایران این است که بوسیله ساختن یک خط اصلی که دریای آزاد را در اروپا و آسیا بهم متصل سازد ترانزیت بین المللی جلب شود.»

«اگر قرون سابقه را بخاطر بیاوریم خواهیم دید که یگانه علت اصلی اهمیت و ثروت ایران از این جهت بوده که تمام راه های کاروان رو بین اروپا - هندوستان از ایران می گذشته و کلیه بارهای ترانزیتی از این راه حمل و نقل می شد ولی از افتتاح کانال سوئز راه های کاروان روی ایران اهمیت بین المللی خود را از دست داده و تجارت، راه دریا را پیش گرفت. بوسیله حسن انتخاب خط اصلی راه آهن ایران ممکن است که وضعیت و عظمت سابق این مملکت را اعاده داد.»

«برای انجام این مقصود تنها خطی که می تواند مقصد باشد راهی است که

بیکی از بنادر ایران که قابل دخول کشتی های اقیانوس باشد متصل شود و این شرط در آتیه جهت ترقی مملکت و بسط تجارت خارجی اس اساس است»

«هیچ یک از خطوط راه آهن که محدود بحدود مملکت می باشد نه فایده مستقیم خواهد داشت و نه موجب تزئید تجارت خواهد شد و نه مسئله حمل و نقل را برای ایران حل خواهد نمود.»

«افکار و نظریات سابقه نسبت به راه آهن که وسیله عمده و ضروری حمل و نقل داخلی شمرده می شد اخیراً تغییر کلی یافته است باین معنی که در اروپا و آمریکا و افکار عمومی قویاً متوجه توسعه راه های شوسه و نقلیه موتور گردیده. دلیل آن هم این است که نقلیه موتور دار بعلت تسهیل حمل و نقل بارهای جزئی بیشتر و بهتر رفع حوائج محلی و روزانه خالی می نماید و نسبت بنوسعه تجارت هم مؤثر است زیرا هم برای حمل و نقل های محلی و هم برای عملیات نظامی و حفظ انتظامات داخلی نظر باینکه می توانند در راه های شوسه نزدیک هر آبادی حرکت خود را قطع و تجدید نمایند رجحان غیرقابل انکاری نسبت به راه آهن دارد... بدون اینکه مبالغ خطیری برای ایجاد راه های ریل دار مصرف شود. پس بهتر این است که مسئله حمل و نقل داخلی بهمین ترتیب حل گردد.»

بنابراین مقدمات مهندس مزبور خط اصلی راه آهن ایران را خط چاه بهار - قصر شیرین می داند باین طریق که از چاه بهار شروع شده از بمپور - ریگان - کرمان - یزد - اصفهان - دولت آباد - کرمانشاه - قصر شیرین - کرکوک بگذرد و در موصل بندر اهن بغداد متصل و از آنجا بندر الکسندرن (اسکندرون) ساحل مدیترانه منتهی گردد و باین طریق دو دریای آزاد میترانه و عمان بیکدیگر متصل و حمل و نقل مال التجاره و مسافرت از اروپا به آسیا از طریق خشکی و دریا میسر شود زیرا اسکندرون نه این است که بوسیله وضعیت بندری می تواند بارهایی که از کشتی ها پیاده می شود بواسطه راه بحری بطرف آسیا حمل کند بلکه بواسطه راه آهنی که از بندر مزبور (راه آهن بغداد) باسلامبول میروند هر مال التجاره اروپائی ممکن است بدون احتیاج بدریا از طریق اسلامبول - اسکندرون وارد ایران شود و برای اینکه خرج و تلاخیر حمل و نقل است جلوگیری شود.

آقای کاساکوسکی شعبه دیگری برای این خط قائل است که از بین کرمان - بمپور جدا شده به میرجاوه و یا دزداب برسد که بالنتیجه متصل براه آهن هندوستان شود.

هرگاه سؤال کنند که بجای خط اصفهان - دولت آباد - کرمانشاه - موصل آیا بهتر نیست که خط آهن از اصفهان - به طهران - قزوین - میانج - ساوجبلاغ گذشته از آنجا بموصل منتهی شود؟ جواب مهندس مزبور این است که چون مراد ایجاد خط اصلی است که شامل ترانزیت بین المللی است و در ترانزیت هر قدر خط کوتاه تر باشد به صرفه نزدیک تر و لذا این راه با سایر طرق بهتر می تواند رقابت نماید. البته مقتضی است که خط آهن از اصفهان - بکرمانشاه و از آنجا به موصل متصل شود زیرا خط چاه بهار - اصفهان - دولت آباد - قصر شیرین - موصل - ۲۳۰ کیلومتر بیشتر نیست در صورتیکه از چاه بهار - به اصفهان - تهران - قزوین - میانج - ساوجبلاغ - موصل ۲۷۰ کیلو متر است که ۴۷۰ کیلو متر بیشتر و چنین مسافتی در ترانزیت فوق العاده مؤثر است.

بعقیده مشارالیه «بهترین بندر طبیعی ایران چاه بهار بلوچستان است که در دریای آزاد واقع شده و خارج از خلیج

اقیانوس است چون هم کشتی ها می توانند بساحل نزدیک شوند وهم عمق و وسعت دهانه کافی است و بعلاوه شبهه جزیره مزبور از بادهائی هم که در آنجا می وزد محفوظ می باشد و نزول از کوهستان ایران بطرف چاه بهار هیچگونه اشکال تکنیکی ندارد برخلاف بنادر خلیج فارس کمی عمق و محفوظ نبودن دهانه معروفند. بطوریکه حتی کشتی های متوسط هم باید در مسافت بپردی از ساحل توقف نمایند. گذشته از آن جبال مرتفعی سواحل خلیج فارس را از فلات ایران جدا ساخته است بطوریکه امتداد خط آهن به بنادر آن اشکالات تکنیکی بسیار دارد.»

«دخول به بندر چاه بهار در تمام فصول سال بلا مانع و عرض دهانه خلیج متجاوز از هفت کیلو متر و عمق آن در تمام وسعت دهانه تقریباً ۴۸ فوت (۱۴ ذرع) و در فاصله یک کیلو متری تا ساحل بعمق ۲۴ تا ۳۶ فوت است.

در قبال دماغه مرسوم بمتحدین (رأس کلاب) ایستگاه عالی می باشد که محفوظ از باد و برای توقف هر عده کشتی های بزرگ اقیانوس گنجایش دارد.» در صورتیکه خط بندر جز - محمره مفید نیست زیرا از یکطرف محدود به دریای محصور بحر خزر است و از طرف دیگر خلیج فارس که عمق آن کم است و هم بواسطه صحرائ عظیم عربستان از دسترس دنیا دور است بندر محمره دارای نواقص طبیعی است به این معنی که «از دهانه مدخل شط العرب فقط وقتی کشتی های اقیانوس می تواند عبور کنند که آب بالا ایستاده باشد. «عمق دهانه و وسع فاز (خط السیر کشتی) آن دائماً در تغییر است و در وقتی که آب کم است عمق آن فقط ۱۳ فوت (تقریب ۴ ذرع) می باشد و اگر بنا باشد دهانه را پاک کند هر سال باید این عمل را تکرار کرد» و یک مبارزه بی حاصلی با رسوب رودخانه نمود

والا «کشتی های بزرگ اقیانوس به بندری که در کانال واقع است مدخل نمی شوند و تقریباً در ۶ یا ۶ کیلو متری بندر مابین مدخل کانال و جزیره دبیا توقف می کنند. کشتیهای کوچک هم در فاصله نیم کیلومتری لنگر می اندازند ولی در موقع رفع بار کربون (اویل بهار) توقف کشتیها غیرممکن است» و وقتی که کشتیها نزدیک ساحل نرسند باید دو دفعه مال التجاره را بارگیری کرد که هم مستلزم خرج زیاد و هم تکرار بارگیری اغلب موجب فساد مال می شود بعلاوه عایدات خط محمره و آتیه آن در صورت توسعه راه های آهن محل بسی تردید است زیرا اگر تمام بارهای بنادر جنوب هم جمع شود به ۵۰ هزار تن بالغ نمی گردد.» که قسمتی از آن از بندرعباس و بوشهر به ایالت کرمان و فارس میروند و آن قسمتی هم که متعلق بخوزستان است با بودن رود کارون به راه آهن محتاج نیست و بارهای شرکت نفت جنوب هم که گمرک محمره وارد می شود با وسایل نقلیه شرکت مزبور حمل میگردد و اگر امروز قسمتی از واردات از طریق محمره وارد می شود خط محمره اهمیت قبلی را از دست خواهد داد زیرا سرعت سیر و کم بودن مخاطرات سبب می شود که تجار، راه بری را به دریا ترجیح دهند و از نظر صادرات هم نواحی شمالی بارهای خود را بمحمره نمی فرستند زیرا از حیث طول زمان و مخارج، مقرون بصلاح نیست. فرض کنیم که از مرکز ایران (دولت آباد ملایر) بخواهند مال التجاره را حمل به اروپا کنند باید آن را بیکی از بنادر بحر مدیترانه فرستاد خواه اینکه بندر مزبور پرت سعید باشد یا اسکندرون.

در اینصورت باید دو راه در نظر گرفت راه بحری و بری یعنی دولت آباد محمره - پرت سعید و یا بری فقط یعنی دولت آباد - قصر شیرین - موصل اسکندرون - دولت آباد دید که کدام یک از این دو طریق کوتاه تر است»

کشتی ۶۲۰۰ که مجموعاً ۶۹۰۰ کیلو متر است.

در صورتیکه از دولت آباد - کرمانشاه - قصر شیرین - کرکوک - موصل - نصیبین بندر اسکندرون ۱۲۲۰ کیلو متر و چون این عدد را از ۶۹۰۰ تفریق کنیم راه اول ۵۶۸۰ کیلو متر از راه ثانی طولانی تر است و علت اینکه بعضی ها خط محمره را در نظر گرفته اند اشتباهی است که در نظر اول از ملاحظه سطحی نقشه ایران نموده و اینطور تصور کرده اند «که این خط برای اتصال دو دریای خزر و خلیج فارس اقصراطریق است در صورتیکه حقیقت غیر از این و انتخاب خط مزبور برسم خط اصلی اساساً اشتباه بزرگی است زیرا طول راه بحری محمره به اروپا (۶۲۰۰ کیلو متر) از کانال سوئز بکلی از نظر محو شده است و احتراز از این بعد مسافت فقط بوسیله راهی امکان پذیر خواهد بود که از ایران به دریای مدیترانه برود» بنابراین کوتاهی راه باعث فوائد چندیست که محتاج به بیان است:

اولاً صرفه جویی کرایه - برای مقایسه کرایه بحری با کرایه راه آهن پروفیسور اولنرولوس آلمانی از احصایه های حمل و نقل اینطور استخراج می کند که نسبت کرایه بحری به کرایه راه آهن مساویست به نسبت ۱ به ۵/۵ در اینصورت کرایه ۶۲۰۰ کیلو متر از محمره - پرت سعید مسافت ۱۱۲۵ کیلومتر داده می شود بعبارت آخری کرایه با راه آهن پنج برابر و نیم از کرایه با کشتی گران تر است.

در اینصورت باید چنین فرض کرد که اگر مال التجاره از دولت آباد (طریق محمره) وارد پرت سعید شود باید کرایه ۱۸۲۵ کیلومتر با راه آهن را تأیید کرد یعنی از دولت آباد - محمره به راه سعید ۷۰۰ کیلو متر و از محمره - پرت سعید ۶۲۰۰

$۱۸۲۵ + ۷۰۰ = ۲۵۲۵ = ۶۲۰۰ : ۵/۵$

و چون از دولت آباد - تا بندر اسکندرون از دولت آباد - محمره - پرت سعید ۶۰۵ کیلو متر کوتاه تر است. گرچه هر قدر مسافت کمتر باشد کرایه هم کمتر است معذک ممکن است یک مطالعه مختصری هم در مبلغ کرایه که معمول کنونی است نمود.

از لندن - ماری - پرت سعید - بصره ۱۳۴۰۰ کیلو متر است که کرایه هر یک تن پنج لیره که مساویست با ۲۵۵ قران.

هر چند مسافت پرت سعید - بصره کمتر از مسافت پرت سعید - لندن است یعنی از پرت سعید - بصره ۶۲۰۰ و از پرت سعید - لندن ۷۲۰۰ کیلو است ولی چون زحمت پرت سعید - بصره بیشتر است لذا اینطور فرض میکنیم که هر دو معادل هم باشند در اینصورت کرایه پرت سعید تا محمره ۱۴۷ قران است. کرایه راه آهن محمره - دولت آباد هم بعد وسط هر تن در یک کیلو متر دو شاهی است که ۷۰۰ کیلو متر ۷۰ قران می باشد.

$۱۲۷ + ۲۰۰ + ۷۰ = ۴۱۷$

در اینصورت مجموع کرایه از پرت سعید - محمره - تهران ۲۱۷ قران است در صورتیکه مسافت از دولت آباد - کرمانشاه - اسکندرون ۱۲۲۰ کیلو و کرایه هر یک تن ۱۲۲ قران است که چون کرایه دولت آباد - محمره - پرت سعید را از کرایه دولت آباد - کرمانشاه - اسکندرون تفریق شود حمل و نقل با خط اخیر ۹۵ قران ارزانتر خواهد شد.

$۱۲۲ = ۱۲۷ - ۵$

ثانیاً! صرفه جویی زمان - از اسکندرون - دولت آباد - طهران ۱۵۶۰ کیلومتر است که اگر سرعت سیر راه آهن را بعد اقل که ساعتی ۴۰ کیلومتر است حساب کنیم. در مدت ۳۹ ساعت مسافری از اسکندرون وارد طهران می شوند.

$۳۹ = ۴۰ : ۱۵۶۰$

در صورتیکه از پرت سعید - محمره - دولت آباد - طهران ۷۲۰۰ کیلو متر است که ۶۲۰۰ آن را باید با کشتی



«۲۶ خرداد، بمناسبت صد و بیست و هشتمین سالگرد تولد دکتر مصدق»

کمتر از ۱۹۰ شبانه روز نمی توان بطهران رسید خصوصاً اینکه برای حمل مال التجاره زمان طولانی نری باید پیش بینی کرد چه بر طبق این حساب باید مال التجاره از لندن تا محرمه چون راه مضاعف است مدت ۳۸ روز وارد شود در صورتیکه معمولاً دو یا سه ماه طول می کشد تا از لندن بار وارد بندر گردد. علت هم اینست که گاهی مال التجاره باید در بنادر بماند تا برای کشتی بمقدار کافی بار فراهم شود و گاه چون کشتی ها مستقیماً بمقصد نمی روند، لذا در مراکز تجارتي مثل بمبئی و مدرسی باید بار را از کشتی باین آورد و بعد با کشتی های دیگر روانه نمود. این است که برای ورود مال التجاره باید موعدی پیش از آنچه که مال التجاره را از کشتی مستغنی نمی کند این وضع را تغییر نخواهد داد در صورتی که بعد از ایجاد خط آهن موصل- دولت آباد- طهران چنانچه مال التجاره با راه آهن حمل شود مدت ۱۲ روز و اگر تا اسکندرون با دریا و از آنجا با راه آهن حمل شود چون از لندن تا بنادر مدیترانه هم سیر کشتی ها مرتب و هم سرعت آنها بیشتر است ۲۲ روزه وارد تهران می شود. مسافری هم با ترنهای معمولی ۷ روز و با ترنهای سریع السیر ۴ روز می توانند این راه را بیمایند. همینطور است اگر کسی از لندن به هندوستان مسافرت کند که امروز از طریق بحری لندن - بمبئی ۲۲ روز وقت می خواهد در صورتیکه ایجاد خط آهن اسکندرون - دولت آباد - میرجاوه آن را به ۹ روز تقلیل میدهد و نتیجه این است که مسافرین و پست از استرالیا - جنوب چین - هندوچین - هندوستان به اروپ و بالعکس از طریق ایران حرکت می نمایند.

فتنه

اسرائیل می شنوند و می خوانند. اتحادیه اطاقهای بازرگانی اسرائیل حاکی از آنست که فرش وارداتی از این دو کشور (هند و چین) ۴۰ درصد فرشی است که وارد اسرائیل می شود. بطور متوسط، ۴۲۵ هزار دلار از طریق آلمان و ۳۰ هزار دلار از طریق ترکیه. مثل مرمر، مشکل می توان گفت چه مقدار از این فرشها در ایران بافته شده اند. در سالهای اخیر، واردات فرش دست بافت کم شده است زیرا مشتریها فرشهای مدرن را ترجیح می دهند. ۹۰ درصد از پسته ای که وارد اسرائیل می شود، نیز از طریق ترکیه است...

انقلاب اسلامی: می دانیم که پول شکلی از اشکال قدرت است و نه تنها دین ندارد که دین سوز نیز هست. نخست ملاتاریا طرف بازرگانی با اسرائیل و اسرائیل واسطه خرید اسلحه بود و سپس مافیاهای نظامی - مالی، از راه اظهار دشمنی زبانی، با راستها و راستهای افراطی اسرائیل دلیل حاکمیت یکدیگر شده اند. اما دشمنی زبانی البته مانع از داد و ستدهای سود آور نمی شود. مافیاهای خلق و خوی سودگران حریص را دارند:

فهرست اسامی اعضای مافیاهای که از رهگذر استبداد ملاتاریا، از انقلاب بدین سو، تشکیل شده اند - ۱۳

مهری - احمد - نماینده امام در کویت. مهمان نواز - حبیب الله - از مرتبترین با قوه قضاییه - حجت الاسلام. موحدي ساوجي - علي - نماینده مجلس. موحدي - حميد رضا - معاون حوزه ریاست قوه قضائیه. موحدي ساوجي - علي - نماینده مجلس - از گروه ۹۹ نفره. از اعضای باند قضایی - سیاسی که فوت کرد. موحدي قمی - محمد - حاکم شرع دادگاههای انقلاب در دهه شصت - فوت کرده است. حجت الاسلام. موحدي کرمانی - محمد علی - نماینده مجلس - از گروه ۹۹ نفره - حاکم شرع

دادگاههای انقلاب اسلامی - حجت الاسلام. نماینده رهبری در سپاه پاسداران. موحدي کرمانی - فرزند آیت الله موحدي کرمانی که در باند اقتصادی و امنیتی بود و به جرم جاسوسی اطلاعات دستگیر شد. موسوی - احمد - رئیس کمیته حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین - حجت الاسلام. موسوی - از نیروهای دادستانی که در زندانهای قز لخصار - گوهر دشت و اوین خدمت می کرد و کتابی به نام - توافقی از مارکسیست دارد. وی قبلاً در جهاد سازندگی زنجان به کار مشغول بود. موسوی - پاسدار زندان اوین. موسوی - سراج الدین - از نیروهای کمیته انقلاب اسلامی و مافیای قضایی - حجت الاسلام. موسوی - سید علی - از مدیران سابق دفتر حقوقی صدا و سیما - عضو باند رسانه ای. موسوی - سید محمد باقر - موسوی - عضو شورای سرپرستی و نظارت صدا و سیما. موسوی - سید مرتضی - نماینده مجلس - عضو کمیسیون قضایی - از اعضای وابسته به باند سیاسی نظام ولایت مافیاهای. موسوی - موسی - حجت الاسلام - نماینده خمینی در غرب کشور در سال ۵۹.

موسوی - سید احمد - نماینده مجلس - معاون پارلمانی رئیس جمهور و سفیر ایران در سوریه. موسوی اردبیلی - عبد الکریم - از روسای قوه قضائیه و حاکم شرع - آیت الله. موسوی اردبیلی پسر آیت الله با دختر محمود هاشمی شاهرودی ازدواج کرد. موسوی اردبیلی - پسر دیگر و داماد جواد املي. موسوی اردبیلی - پسر دیگر و داماد آیت الله شهرستانی نماینده آیت الله سیستانی در قم. موسوی بجنوردی - محمد - از مسئولان شورای عالی قضایی در دهه شصت - آیت الله. موسوی تبریزی - میر ابوالفضل - نماینده مجلس - از گروه ۹۹ نفره - از حکام شرع دادگاههای انقلاب - حجت الاسلام. موسوی تهرانی - سید رسول - از نیروهای وابسته به باند رسانه ای نظام ولایت - حجت الاسلام. موسوی جزایری - سید محمد علی - از حکام شرع دادگاههای انقلاب خوزستان - حجت الاسلام. موسوی خوئینی ها - سید محمد - از حکام شرع و روسای دادستانی در دهه شصت - حجت الاسلام. موسوی زاده - از مدیران استانهای صدا و سیما - عضو باند رسانه ای. موسوی خوشتری - سید محمد حسن - از حکام شرع و اعضای شورای عالی قضایی در دهه شصت - آیت الله. موسوی شوشتری - سید محمد حسین - از حکام شرع و روسای دادگاههای انقلاب در دهه شصت - حجت الاسلام. موسوی فراز - محمد رضا از باند ششونت طلب مصباحیه. حجت الاسلام. موسوی قهار - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. موسوی مقدم - سید رمضان - از نیروهای سرکوب های خیابانی. موسوی نژاد - رئیس سابق صدا و سیما ای استان خراسان - از اعضای باند رسانه ای نظام ولایت مافیاهای. موسویان - حسین - سفیر وقت ایران در آلمان در شبکه ترور خارج از کشور. موسویانی - سید حسین - نماینده مجلس - از گروه ۹۹ نفره. موسوی پور - محمد حسین - حجت الاسلام - معاون وزیر کشور، داماد محمد رضا باهنر. موسوی خانی - از مدیران وزارت اطلاعات. مولایی - احمد - نماینده دور اول مجلس شورای اسلامی. مولایی - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. مومن - محمد - عضو شورای نگهبان دور اول - از اعضای دادگاههای انقلاب

موسوی - حسین عابدی - از روسای زندانهای ایران - رئیس زندان انزلی. وی از شغل بازرجویی و سر بازرجویی به این پست رسید. موسوی - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت - حجت الاسلام. مومن بالله - معاون پارلمانی وزارت ارتباطات. مودب شعار - مدیر کل وزارتی صنایع و معادن. مکارم شیرازی - از علمای وابسته به نظام ولایت - آیت الله. میانجی - احمد - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت - حجت الاسلام. میثم - از روسای زندانهای ایران و عضو مافیای قضایی. میر ابوطالب - از نیروهای امنیتی - اطلاعاتی خارج از کشور. میر تاج الدینی - محمد رضا - حجت الاسلام - نماینده مجلس از تبریز و از اعضای گروه اصولگرایان - عضو برجسته باند سرکوب های خیابانی. میر جعفری - سید مجتبی - نماینده مجلس - از گروه ۹۹ نفره. میرحجازی - اصغر - محمد صادق - حجت الاسلام - مسئول اطلاعات بیت رهبری، عضو باند ترورهای خارجی و داخلی. میرمحمد صادقی - علاء - نماینده بخشی معادن، کسی که همه او را به عنوان پدر گچ و سیمان کشور می شناسند. اولین صندوق فرض الحسنة انقلابی را ۳۸ سال پیش در مسجد لیزاده تأسیس کرد - از اعضای باند اقتصادی نظام ولایت مافیاهای.

میر محمدی - محمد - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی. میراحمدی - جانشین فرماندهی نیروی مقاومت بسیج - سردار سپاه. میر احمدی - سردار نیروی انتظامی و عامل ایجاد درگیری در خوابگاه دانشگاه تهران. میران - اسماعیل - از نیروهای جاسوسی در خارج از کشور وابسته به باند امنیتی - اطلاعاتی. میرباقری - از سخنرانان مراسم انصار حزب الله. میرباقری - مدیر کل وزارتی کشور. میرجانی از فرماندهان سپاه پاسداران - سردار سپاه. میرداماد - سید مهدی - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. میردامادی - محسن - از نیروهای اطلاعات در دهه شصت. از عوامل اصلی درگیری در مکه و از اعضا دانشجویان خط امام و گروهانگیران اعضاء سفارت آمریکا و از نزدیکان مقام معظم که اکنون اصلاح طلب شده است. میرزا علیانی - علی مشکینی - از وابستگان به باند قضایی نظام ولایت - آیت الله. میرزایی - رئیس مرکز بهره وری ملی ایران. از اعضای باند اقتصادی. میرزایی - پاسدار زندان لنگرود. میرزایی - حاج اسلام - از مداحان باند سرکوب های خیابانی نظام ولایت. میرزایی - حمید - باجناق آقای منوچهر مکی - مسئول خانه فرهنگ ایران در بمبئی. میرزایی - مسئول دفتر اسدالله لاجوردی که مجوز مرگ زندانیان را صادر می کرد. میرسلیم - از اعضای مافیای سیاسی - قضایی - اقتصادی - هیات مولفیه اسلامی. میرشکاک - یوسفعلی - وی سالها از ستخنگویان و حامیان رسانه ای باند سرکوب های خیابانی بود و اشعار و مدح های بسیاری در مورد این گروه تدوین کرده بود. میرلوحی - از نیروهای وابسته به باند سرکوب های خیابانی و از نیروهای مهدوی کنی در این گروه. میرمحمدی - ابوالفضل - از حکام شرع دادگاههای انقلاب - حجت الاسلام. میرکوهی - عبدالعلی معاون پارلمانی وزیر دادگستری. میرکیانی - سردار سپاه - از اعضای باند سرکوب های خیابانی و گروه فدائیان ناب محمدی - نواب از نزدیکان سعید امامی و واقفی. میری - جواد - پاسدار نگهبان زندان. میریان - مصطفی - از مدیران سازمان صدا و سیما - عضو باند رسانه ای.

۱۰ هزار نفر شمار توقیف شدگان جنبش زندان مخوفی که در آن، بی سر و صدا اعدام می کنند و دیگر جنایتهای رژیم:

در ۱۵ شهریور ۸۹، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، در پی اعتراضات زندانیان سیاسی و عادی اهل تسنن، کرمانی و فرجی رئیس و معاون اطلاعات زندان و پاسدار بندها به یکی از زندانیان اهل تسنن بنام عطا الله عزیز یورش می برند و او را با ضرب و شتم به بند ۶ زندان گوهر دشت کرج منتقل می کنند.

در ۱۵ شهریور ۸۹، به گزارش جرس: حسن بالایی فعال مدنی آذربایجانی و مدیر گروه کوهنوردی «گلگه جک» توسط مامورین واواک، در پارس آباد مغان، بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

در ۱۵ شهریور ۸۹، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، حکم ضد بشری اعدام علیه معلم زندانی عبدالرضا قنبری در اثر اعتراضات گسترده بین المللی شکسته شد و به زندان تبدیل گشت.

در ۱۵ شهریور ۸۹، به گزارش دانشجوی نیوز، سه دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد به نام های مهدی خسروی، امین ریاحی و حمید رضا امیر خانی به یک سال حبس تعزیری که به مدت پنج سال به حالت تعلیق در آمده است، محکوم شدند.

در ۱۷ شهریور ۸۹، به گزارش جرس: احمد قابل پژوهشگر دینی و از شاگردان آیت الله حسینعلی منتظری این بار به دادگاه فریمان احضار شد. احمد قابل که پس از تحمل ۱۷۰ روز بازداشت، خرداد ماه با قرار وثیقه از زندان مشهد آزاد شده بود، بار دیگر به دادگاه فرا خوانده شد.

در ۱۷ شهریور ۸۹، به گزارش مردمک، سردار علی فضلی که اکنون فرمانده قرارگاه مرکزی راهیان نور است، دیروز سه شنبه در سخنانی که در جلسه شورای اداری استان خوزستان مطرح کرد و در خبرگزاری دولتی ایرنا منتشر شد، تعداد معترضان - یا چنان که حکومت می گوید «فتنه گران» - بازداشت شده پس از انتخابات را ۱۰ هزار نفر بر شمرد.

به گفته فضلی، «۵ هزار نفر از این عده به آغوش اسلام و انقلاب برگشته اند، اما در خصوص پنج هزار نفر دیگر این اتفاق نیفتاده است».

در ۱۷ شهریور ۸۹، به گزارش هرانا، یک شهروند تهرانی به نام "عبدالحمید" توسط شعبه ۷۱ دادگاه کفبری استان تهران به ریاست قاضی نورالله عزیزمحمدی، به اعدام محکوم شد. این شهروند به اتهام قتل فردی به نام "مهدی" که برادر همسرش بوده، به قصاص محکوم شده است.



وضعیت پژوهش و نیروی انسانی در صنعت نفت ایران

بخشهای غیر مولد خواهند بود. معروف است که در کشورهای صنعتی برای تولید ثروت در کشور تکیه بر علم و دانایی ۷۰ درصد می باشد. این امر در ایران با در نظر گرفتن وضعیت پژوهش کمتر از ۲۰ درصد است. در کشور ما که اقتصاد آن رانتی است، حتی بخش خصوصی نیز برای تولید ثروت نمایی به تحقیق و پژوهش نشان نمی دهد. و از آنجا که دولت در کانون و مرکز توزیع رانت قرار گرفته است، حتی بخش خصوصی نیز در عوض کاهش هزینه ها سعی دارد از طریق نزدیکی به حوزه های رانتی، بهره وری خود را افزایش دهد. خصوصا در صنعت نفت و گاز چه در دوره رفسنجانی و چه در دوره خاتمی (با وزیر نفتی همانند زنگنه) و نیز در دوره احمدی نژاد، استراتژی اصلی در سیاستهای وزارت نفت، استخراج هر چه بیشتر نفت و گاز و فروش آن و کسب در آمد بوده است. در این دولتها فقدان برنامه ای منسجم و سنجیده در راستای مدیریت صحیح ذخایر نفتی کشور که به بهینه سازی تولید و کاهش آن اهمیت بایسته را داده و پژوهش و تحقیق در طرح ها و پروژه های صنعت نفت با هدف تبدیل منابع نفت و گاز به ارزش افزوده صورت گیرد، بسیار آشکار بوده و هست.

۱. پژوهش و فناوری در صنعت نفت

پژوهش و فناوری در صنعت نفت موضوعی کلیدی، استراتژیک و حساس است. برای رسیدن به موقعیت ممتاز جهانی به لحاظ شاخص های تولید علم و فناوری، امروزه کشورها و شرکتهای کوچک و بزرگ نفتی دنیا، هر یک به تناسب سهم خود از اقتصاد نفت و گاز، بخشهای ویژه ای را به امر پژوهش و تحقیق اختصاص داده اند. بودجه ای که شرکتهای بزرگ نفتی دنیا، صرف امور تحقیقاتی خود می کنند، بهترین گواه بر اهمیت امر پژوهش و دستیابی به تکنولوژی های نوین و کاربردی نژد آنهاست. من باب مثال کشورهایی نظیر فرانسه بدون داشتن نفت حجم تحقیقات و پژوهش بسیار گسترده ای را در شرکت Total دارد. آمار کشورهای مختلف صنعتی جهان، این تقسیم بندی در نشان می دهد که حدود ۶۰٪ بودجه تحقیقاتی شرکتها صرف تحقیقات توسعه ای می شود، حدود ۲۵٪ به تحقیقات کاربردی و بقیه به تحقیقات بنیادی اختصاص می یابد. در حالی که براساس آمارهای ارائه شده، فقط حدود ۱۱٪ بودجه تحقیقاتی در کشور ما صرف تحقیقات توسعه ای می شود (شخان و رضایی ۱۳۸۱، بررسی روند برنامه تحقیقات صنعتی در ایران و مقایسه آن با سایر کشورها، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت شماره ۲۸: ۱۲۳ ص) تعداد محققین و پژوهشگران نسبت به جمعیت حتی طبق بر آورد پرویز نوری مدیرکل پژوهش و فناوری وزارت نفت بدینسان است: "در کشورهای پیشرفته بیش از ۲۵۰۰ نفر، در کشورهای توسعه یافته بیش از ۱۰۰۰ نفر، در کشورهای عقب مانده بیش از ۲۰۰ نفر محقق در ۱ میلیون نفر جمعیت وجود دارد که در ایران با حدود ۷۵ میلیون نفر جمعیت باید ۱۵ هزار محقق وجود داشته باشد". اما در جامعه جوان ما، که از مهاجرت

است، متأسفانه امری محال جلوه می نماید. محمد رضا مقدم معاون "وزیر" نفت در امور پژوهش و فناوری نیز اقرار می کند که (شانا ۱۹ مرداد ۸۹): هم اکنون به لحاظ فناوری نسبت به سایر صنایع نفت کشورهای جهان در جایگاه مناسبی قرار نداریم.

نواوری در صنعت نفت تا کنون بیشتر در استفاده متفاوت از یک تکنولوژی قدیمی، تولید از میدانهای با عمر زیاد و برداشت از میدانهایی که تاکنون تولید آنها مقرون به صرفه نبوده، نمود داشته است. در این نگاه نواوری تنها بکارگیری روشهای پیشرفته ای است که افزایش درآمد حاصل از منابع نفت و گاز کشور را به دنبال داشته باشد، اما نواوری همراه با رشد و از طریق بهبود کیفیت، توسعه محصول، کاهش هزینه تولید، بهبود مراحل تولید، کاهش مصرف انرژی، رعایت عمران محیط زیست، ایجاد مزیت رقابتی و گسترش سهم بازار و ایجاد بازار جدید... تعریف می شود.

قبل از پرداختن به مشکلات و ضعفهای امر پژوهش در صنعت نفت و گاز کشور به معرفی مختصر پژوهشگاه صنعت نفت می پردازم:

پژوهشگاه صنعت نفت در وب سایت خود این پژوهشگاه را اینسان معرفی نموده است:

پژوهشگاه صنعت نفت یکی از مراکز تحقیقاتی پرسابقه کشور است که اولین بار در سال ۱۳۳۷ شمسی در دانشکده فنی دانشگاه تهران با عنوان «آزمایشگاههای تحقیقاتی در زمینه نفت»، شروع به کار کرد. در سال ۱۳۳۹ با نام «آزمایشگاههای مهندسی و بهره برداری» و در سال ۱۳۴۴ با عنوان «آزمایشگاههای تحقیقات موتور سوخت و روغن» در تاسیسات ری (محل فعلی سازمان) مشغول به کار شد. این سازمان تا شروع انقلاب اسلامی زیر نظر امور توسعه و تحقیقات شرکت ملی نفت قرار داشت. با تغییرات عمده ای که در طرحهای تحقیقاتی (در جهات کیفی و کمی) و میزان فعالیتهای خدماتی، آزمایشگاهی و مشاوره ای و نیز با شناخت تواناییها و خدمات این مرکز و تثبیت و تأیید توان بالقوه و بالفعل آن به عمل آمد، این مرکز پژوهش و خدمات علمی، طبق موافقت نامه اصولی سال ۱۳۶۸ شورای گسترش وزارت فرهنگ و آموزش عالی، «پژوهشگاه صنعت نفت» نامیده شد. این پژوهشگاه، در زمینه تحقیقات بنیادی، کاربردی و توسعه ای فعالیت دارد. پژوهشگاه یاد شده اکنون تعداد قابل توجهی نیروی انسانی متخصص دارد که شامل ۲۲۷ نفر در سطح دکتری و فوق لیسانس، ۱۶۷ نفر لیسانس و ۳۱۷ نفر نیروی پشتیبانی می باشد. از این میان، ۲۶۷ نفر عضو هیئت علمی پژوهشگاه می باشند.

جالب اینکه گرچه پژوهشگاه صنعت نفت حدود ۵۰ سال است که فعالیت دارد، ولی به طور رسمی از سال های ۷۸-۷۷ واحد پژوهش به جارت سازمانی وزارت نفت راه یافته است. به گفته مدیرعامل شرکت پژوهش و فن انرژی پتروشیمی شاداد اصل (هفته نامه دانشی نفت ۳۰ مارس ۲۰۰۸): "بحث پژوهش در پتروشیمی بسیار جوان است. بطوریکه پژوهش به صورت علمی و منسجم از حدود پنج سال پیش در پتروشیمی شروع شده است" و دکتر محمدرضا مقدم معاون "وزیر" نفت در امور پژوهش و فناوری تازه در ۱۹ مرداد ۸۹ (شانا) اعلام میدارد که: "نظامنامه جدید پژوهش و فناوری صنعت نفت از شهریور امسال در این صنعت اجرا خواهد شد!!

۱. مشکلات و ضعفهای تحقیق و پژوهش در صنعت نفت و گاز ایران بطور کلی از قرار ذیلند:

۱- جدی نگرفتن نیاز به پژوهش و خلق فناوری در صنعت نفت.

همانگونه که اشاره شد تا زمانی که هدف اول در سیاستهای نفتی، استخراج هر چه بیشتر نفت از چاهها باشد، کمتر به امر نیاز به خلق و توسعه تکنولوژی به مثابه ابزار کسب منافع اقتصادی بها داده می شود و ایجاد قابلیت تولید یعنی افزایش توان طراحی و مهندسی و نوآوری فناوری در این صنعت نهادینه نخواهد شد. در واقع مدیران مسئول در شرکتهای نفت و گاز حتی دانش فنی برای تولید یک محصول را چندین بار و با پول نفت خریداری می کنند. آنهم در عصری که بعلت رشد علم و تکنولوژی، عمر مفید هر تکنولوژی را ۲ سال بیشتر نمی دانند. تازه در مرداد ماه امسال آقای دکتر مقدم معاون "وزیر" نفت در امور پژوهش و فناوری با تأکید بر این که کشورهای غربی همیشه فناوری های قدیمی و از رده خارج شده خود را به ایران می دهند، (وفراموش می کند به نفس خود نیز اشاره کند که ما نیز بعلت نداشتن برنامه تا کنون نیز خریدیم ایم!) وعده می دهد: "بر اساس نظام نامه جدید پژوهش و فناوری صنعت نفت، تلاش می شود از خریداری مکرر دانش های کنونی مشابه در صنایع مختلف جلوگیری شود!"

تا زمانی که مهندسیین نفت ما در بسیاری از کارخانجات صنعت نفت کاربران و تعمیرکاران دستگاههای وارداتی هستند و در جریان تولید و ماهیت آن قرار نمی گیرند و حتی قرار دادهای انتقال تکنولوژی نیز غالبا بصورت خرید است و موجب توسعه تکنولوژیک در این صنایع نمی گردد، صنعت نفت جانمایه خود را از منابع خارجی خریداری خواهد کرد و بدان وابسته خواهد بود.

۲- وابستگی عملکردهای پژوهشی به سلیقه های مدیریتی و سیاسی.

متأسفانه در شرکتهای نفت و گاز، بسیاری از مدیران به امر پژوهش اعتقادی ندارند و به آن به عنوان یک امر صوری نگاه می کنند و در تصمیم گیری های انتقال تکنولوژی و سیاست گذاری های کلان پژوهش حضور ندارند. یک نمونه آشکار آن تصمیم گیری سیاسی یکباره در باز نگری در تولید گاز طبیعی مایع (ال ان جی) و صادرات آن در پس تحریمها و تکیه را صرفا بر صادرات گاز از طریق خط لوله گذاشتن است که نگارنده در نوشتار قبلی به بررسی آن پرداختم و توضیح دادم که با اینگونه باز نگریهای یکباره، تمامی انرژی انسانی و سرمایه و پژوهشهایی که در باره تولید و صادرات گاز مایع طبیعی بکار رفته بی اثر می گردند. همچنین یکی دیگر از ایرادات، ناتمام ماندن کار و برنامه پژوهش پس از تغییر مدیران است. در برخی از موارد مشاهده شده است که مدیران جدید، برنامه های مدیران قبلی را رها و برنامه های تازه ای را شروع می کنند که این امر خود باعث از دست دادن زمان و افزایش هزینه می شود و به نتیجه نرسیدن و ابر مانده طرحهای پژوهشی میشود.

۳- کمبود بودجه پژوهشی و موانع ساختاری در امر پژوهش.

در دو نوشتار قبلی از قول محمد علی عمادی مدیر پژوهش و فناوری شرکت ملی نفت ایران (۲۴ تیر ۸۹ پترو نت) نقل کردم که بودجه پژوهش تنها ۲ درصد بودجه عملیاتی شرکت نفت همانا ۵۰ تا ۵۵ میلیارد تومان می باشد

آقای باقر مهاجرانی رئیس پژوهشگاه صنعت نفت در ۲۲ دیماه ۸۶ در مصاحبه با روزنامه مردمسالاری عنوان می کند: "کدام بودجه؟! ما بودجه پژوهشی نداریم. وزارت نفت فقط حقوق و دستمزد ما را می دهد و بس. بقیه را باید خودمان درآمدزایی کنیم. بعد اجازه خرج از همان درآمدی که ایجاد کرده ایم را از هیات امنا می گیریم که وزیر نفت و وزیر علوم عضو هستند."

مهندس پرویز نوری مدیرکل پژوهش و فناوری وزارت نفت نیز (۱ بهمن ۸۷ جام جم) اعلام کرده است که بودجه پژوهش که از یک درصد درآمد عملیاتی شرکتها تامین می شود، بعلت وجود قوانین و مقررات ناسخ و منسوخ در این مسیر، بازدارنده و محدودیت زاست. به عنوان مثال، قانون مناقصات همان گونه که درباره دیگر موضوعات قابل اجراست، درباره پژوهش براحتی اعمال شدنی نیست. به همین دلیل ما با دانشگاه ها طرف قرارداد شده ایم. برای بخش خصوصی هم مصوب شده است که از وزارت علوم مجوزی بگیرند و برای جذب بودجه با ما طرف قرارداد شوند. وزارت نفت در سال ۱۳۸۵، ۲۰۷ میلیارد تومان بودجه پژوهش داشت که تنها ۵۹ درصد از آن جذب شد و موانع موجود بر سر راه عقد قراردادهای پژوهشی، اجازه جذب تمام بودجه را نداد. در سال ۱۳۸۶ بودجه پژوهش وزارت نفت ۲۲۰ میلیارد تومان بوده و امسال نیز کمی بر آن افزوده شده است. مشخص است که جذب تمامی بودجه پیش بینی شده در سال جاری همچون سنوات گذشته به دلایل مختلف امکانپذیر نخواهد شد. "ناگفته پیداست که طبیعتا وقتی مدیریتی توانا و قوی و با برنامه بودجه پژوهشی را هدایت نکند و مشکلات بوروکراتیک و ساختاری برجای بمانند، بودجه کافی هم تأثیری بر پژوهش و در نتیجه بر توسعه کشور نخواهد گذاشت و این بودجه به هدر خواهد رفت.

۴- کمبود نیروی انسانی متخصص.

باقرمهاجرانی رئیس پژوهشگاه صنعت نفت (ایستا ۸ آبان ۸۶) در اولین ماههای حضور خود در پژوهشگاه اعلام کرد: وجود حدود ۶۰ متخصص PhD در پژوهشگاه با برنامه های استراتژیک صنعت نفت تناسب ندارد و این تعداد افراد برای تحقق اهداف پژوهشگاه در سال ۸۷ کافی نیست و برای توسعه فعالیتهای پژوهشی به حداقل ۳۰۰ متخصص دکتری نیاز است. این در حالی است که دکتر مقدم معاون "وزیر" نفت در امور پژوهش و فناوری (شانا ۱۹ مرداد ۸۹) در نخستین نشست مدیران پژوهش و فناوری صنعت نفت، با یادآوری این که بر اساس چشم انداز ۲۰ ساله، ایران باید در زمینه فناوری در سال ۱۴۰۳ رتبه نخست منطقه خاورمیانه را در اختیار داشته باشد!! گفت: برای ارتقای پژوهش و فناوری در صنعت نفت ۵ نسل پیش بینی شده که هم اکنون در برخی شاخص ها در نسل یک و در برخی دیگر در نسل ۲ قرار داریم، ولی برنامه ریزی شده تا دو سال آینده به نسل سوم و تا ۵ سال آینده به نسل چهارم برسیم که در این صورت می توانیم امیدوار باشیم تا پایان چشم انداز به رتبه نخست فناوری در خاورمیانه دست پیدا کنیم!

۵- عدم ارتباطات بین المللی و تماس با تجربیات شرکتهای پژوهشگران خارجی،

از دیگر مشکلات و کمبودهای پژوهش در صنعت نفت و گاز کشور است که

سازمانی دست به گریبانند، در حالی که داشتن ارتباطات بین المللی یکی از راه های تسریع در دستیابی به فناوری است.

۶- دور ماندن پژوهش در صنعت نفت از گردونه رقابت، بازار و مشتری،

یکی دیگر از دلایل عقیم ماندن پژوهش در صنعت نفت کشورمان است. فصل مشترک همه سرمایه گذاری ها در بخش پتروشیمی و نفت و گاز، این است که هیچ کدام مطالعه بازار نیست. نایبستی در اختراع و پژوهش تنها در حد و سطح خلق یک ایده و طرح جدید ماند بلکه بایستی در راستای نوآوری به بهره برداری و استفاده تجاری از یک ایده در جهت تولید یک محصول جدید یا بهبود محصول موجود در بازار نیز گذر کرد. و با در نظر گرفتن استراتژی بازار مصرف، میزان ریسک را به حداقل رسانده و فرصت های جدید برای توسعه و تأثیرگذاری در بازار ایجاد کرد. چرا که در واقع پیشرفته ترین تکنولوژی ها و تکنیک ها زمانی می توانند مشا رشد اقتصادی باشند، که در توسعه محصولات و خدمات نوآورانه، به نیازهای بازار نیز توجه شود. وقتی که گسترش دوایر پژوهشی بدون تقاضای حقیقی صنعت انجام میگیرد و نیز تحقیقاتی هرگز به نتیجه نرسند و یا ناظر به حل مساله صنعت نمی شوند و یا قابل انتقال به صنعت نیستند، همه با هم موجب اتلاف سرمایه و تخریب فضای رقابتی می شوند. جالب توجه است که طرح رساندن ایده تا بازار در پژوهشگاه صنعت نفت عمر چندانی ندارد و تازه ۲ سال است که اجرایی میشود!! زیرا آقای باقرمهاجرانی رئیس پژوهشگاه صنعت نفت (نفت نیوز ۲۱ خرداد ۸۷) معتقد است: "در گذشته فرایند "ایده تا محصول" مطرح بود که تنها به ایجاد واحد صنعتی منجر می شد و تضمینی وجود نداشت که محصول به بازار برسد، اما فرایند "ایده تا بازار" که اینک در برنامه ها به کار گرفته می شود، تکمیل کننده حلقه تامین ارزش تولیدات پژوهشگاه است. در همین ارتباط در جهت بهبود عملکرد پژوهشگاه در این بخش، واحد تحقیقات بازار در درون مجموعه پژوهشگاه صنعت نفت راه اندازی شده است که وظیفه شناسایی نیاز سنجی بازار و هم بازاربایی محصولات را بعهده دارد". اما از آنجا که در هر نظام استبدادی منجمله نظام ولایت فقیه، مجموعه نگرانی اصل نیست و بر اساس اصل تقدم ایده ای بر سایر ایده ها رفتار میشود، به جایی اینکه راه حل مشکل نگرش صرف به تحقیقات و پژوهشهایی که در طی فرایند خود از ایده راه به بازار نمیبرند نگرینسته شود، اظهاراتی از این قبیل را از زبان باقر مهاجرانی رئیس پژوهشگاه صنعت نفت میشنویم (۲۲ آبان ۸۶ در مصاحبه با روزنامه مردمسالاری): "سوال خبرنگار: در صحت های خود از لفظ پژوهشگر صنعتی استفاده کردید. چه تفاوتی میان پژوهشگر صنعتی و دانشگاهی می بینید؟ تفاوت بسیار زیاد است. من اصلا پژوهشگر دانشگاهی را قبول ندارم، چون وقتی در دوران بحران بودیم، وارد میدان نشدند و حال آنکه پژوهشگر صنعتی ما ایشار کرد و در چه علمی ارتقاء مقام در هیات علمی و رشد جایگاه شخصی خود را فدای کمک به صنعت کرد."

ناگفته پیداست که این نوع نگرش سلبی نسبت به همه پژوهشگران دانشگاهی فضای ارتباط دانشگاه با صنعت را در ایران که خواه آن خواه بسیار سرد و کدر است را خرابتر نیز می سازد. بی دلیل نیست که جدیداً (۲۷ شهریور ۸۹) در خبر ها از قول آقای



وضعیت پژوهش و نیروی انسانی در صنعت نفت ایران

در گفتگو با خیرگزاری مهر میخوانیم که: "وزارت نفت در یکسال گذشته بحث بازنگری نحوه تعامل وزارت نفت با دانشگاهها را مطرح کرده است. انعقاد دانشگاهها این است که برای این بازنگری نیازی به توقف طرحها و تسویه حساب طرحها نیست اما وزارت نفت نه تنها قراردادهای جدیدی با دانشگاهها اجرا نکرد بلکه قراردادهای گذشته را نیز متوقف کرد! و بر اساس یک طرح، لایحه ای در وزارت نفت متشکل از دانشگاه صنعت نفت، پژوهشگاه نفت، یک پژوهشکده و مرکز مطالعات انرژی این وزارتخانه تشکیل شده است که قرار است وزارت نفت هر پروژه پژوهشی را ابتدا به این چهار مرکز ارجاع دهد و اگر آنها گفتند نمی توانیم انجام دهیم، آنگاه پروژه به دانشگاهها ارجاع شود. از ظاهر این تئوری ممکن است چیزی به نظر نیاید، اما واقع قضیه این است که این چهار مرکز پژوهشی وابسته به وزارت نفت را ندارند و وقتی این ظرفیت را نداشته باشند حاضر به گفتن "نمی توانیم" هم نمی شوند. لذا اینطور رفتار می کنند که معمولاً پروژه ها را می گیرند و دست دوم به دانشگاهها رد می کنند. این یعنی واسطه گری صرف."

خروج عادی کارکنان صنعت نفت در ۵ سال آینده به تفکیک مقطع تحصیلی در سال ۸۹ کمترین خروجی را خواهیم داشت و بیشترین خروج در سالهای ۹۱ و ۹۲ و بعد از آن اتفاق خواهد افتاد. بر این اساس کارشناسان معتقدند که اگر امروز شروع به جذب نیروی انسانی جایگزین نشود، با اختتام دوره آموزشی، زودتر از یک سال آینده نیمی توان این نیروها را به کار گرفت و باید به سرعت در این مورد تصمیم گیری و اقدامات لازم در وزارت نفت انجام شود.

همچنین بانا نیوز ۲۴ مرداد ۱۳۸۹ با سید علی رضا میرمحمد صادقی مدیرکل دفتر وزارتی وزیر نفت انجام داده است. کسی که حضورش مایه گلاجه های شدیدی از طرف بسیاری از کارکنان نفت شده است و در نامه یکی از کارکنان شرکت نفت به نگارنده نیز آمده است که وی قرار است با تجدید نظر و جایگزینی نیروهای کارکنان و متخصصان نفت با بسیاری ها و کادریهای سپاه در سطح مدیریتی، فاتحه شرکت نفت را بخواند که این ظن با همداری که نگارنده نسبت به سلطه سپاه بر صنعت نفت و گاز کشور در ۳ نوشتار قبلی داده ام، نسبت به تسری این سلطه در سطح مدیریتی شرکت نفت نیز محل و میدان بی باید. بانا نیوز نیز اذعان میکند که بسیاری از کارشناسان نفتی معتقدند حضور فردی مثل میرمحمد صادقی که از حوزه بازرگانی است در حوزه منابع انسانی نفت، بدون شناخت از بدنه این صنعت، بسیاری غیر کارشناسی است. میرمحمد صادقی در این مصاحبه اعلام می کند که میانگین سنی مدیران و کارکنان نفتی در حال حاضر بین ۵۵ تا ۵۹ سال است در حالی که افراد در ۶۰ سالگی بازنشسته می شوند. در حال حاضر ۷۸۸ نفر در نفت کار می کنند که سنی بالای ۶۰ نفر دارند و حدود ۱۱ هزار و ۵۰۰ نفر هم بین ۵۵ تا ۶۰ سال هستند. بنابراین تا ۵ سال آینده باید منتظر خروج بیش از ۱۲ هزار نفر از کارکنان صنعت نفت باشیم که تعدادی از این افراد قطعاً از پست های مدیریتی بازنشسته می شوند.

وی به پایین بودن حقوق و دستمزد کارکنان شرکت نفت در مقایسه با حقوق و دستمزد کارکنان دیگر کشورها در سکوی نفتی و دکل های حفاری اذعان می کند و اعلام می کند: حقوق کارکنان شرکت های خارجی بین ۲ تا ۱۰ برابر حقوقی است که ما به کارشناسان فعال بر سکوی خود می دهیم!.

وضعیت نیروی انسانی صنعت استراتژیک نفت ایران را از زبان مسئولین آن در این نظام مشاهده کردیم. اما وقتی اظهار نظرات کارگران و کارمندان شرکت نفت را ملاحظه می کنیم، می بینیم که فصل مشترک حرف آنها این موارد است: کاهش خدمات رفاهی، کاهش حقوق پایه، کاهش ساعات اضافه کاری، فقدان امنیت حقوقی و شغلی نزد کارمندان و کارگران پیمانی، کاهش سرمایه گذاری خارجی در بخش نفت بر اثر تحریمها و در نتیجه از بین رفتن موقعیتهای شغلی و اخراج کارکنان در اثر راکد ماندن بسیاری از طرحهای نفتی، و تسلط شرایط رکودی بر مناطق نفتی کشور در پی اجرای سیاست های بی خردانه احمدی نژاد در سطح جاری و داخلی.

در ۸ خرداد ۸۹ عیسی کمالی دبیر اجرایی خانه کارگر بوشهر از رشد میزان بیکاری در این استان خبر داد و گفت: "استان بوشهر صنایع بزرگ و تأثیرگذاری ندارد و تنها مرکزی که می توانست بیکاری استان را کاهش دهد منطقه عسویه بود که آن هم با بحران بیکاری و تعطیلی واحدهای این منطقه روبه رو شده است. در گذشته ۶ هزار نفر در منطقه عسویه کار می کردند که در حال حاضر عسویه هزار نفر در عسویه کار می کنند، گفت: گفت: یکی چهار سال گذشته ۵۲ هزار کارگر در این منطقه شغل خود را از دست داده اند و این در حالی است که دولت همچنان ادعا دارد پروژه های متعددی در حال راه اندازی در این منطقه است!"

بدینسان ملاحظه می شود که در نظام ولایت فقیه تسلط استبداد ضد رشد باعث شده است که فقدان برنامه ریزی صحیح استراتژیک ترین صنعت ایران

بی آیندگی کودک ایرانی

۲۱ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر ۱۸ سال و ۳۵ میلیون زیر ۳۰ سال می باشند. تعداد کودکان ایران ۳۰ درصد جمعیت یعنی حدود ۲۱ میلیون نفر را شامل می شود. از این بابت نگاه به آینده و فراهم آوردن شرایط مساعد رشد برای این بخش از جمعیت کشور امر بسیار مهمی است.

رشد جامعه در پرتو رشد اقتصادی و یا فراهم بودن امکانات کافی اقتصادی میسر می باشد و در ایران امروز بنا به گفته نجمن حمایت از حقوق کودکان: "به علت فقر بیش از حد، طبق سرشماری سال ۸۵ بیش از ۳/۵ میلیون کودک از چرخه تحصیل خارج شده اند. البته آمار ۴ میلیون کودک خارج از چرخه تحصیل نیز داده می شود. یکی از دلایل اصلی خارج شدن این کودکان از مدارس بخاطر وارد شدن آنها در بازار کار می باشد. طبق این سرشماری کودکانی که مستقیم با کار درگیر هستند را یک میلیون و ۶۷۰ هزار نفر اعلام می کند. البته در بعضی از آمار انجمنها ۲/۵ میلیون کودک کار نیز اعلام می گردد."

عبدالرضا شیخ الاسلامی "وزیر" کار و امور اجتماعی در این باره (در ۲۳ تیر ۸۹ خیرگزاری فارس) گفت: قانون هیچ وظیفه ای را برای وزارت کار در قبال کودکان کار در خصوص آموزش مشخص نکرده است و وزارت کار هیچ مسئولیتی در این خصوص ندارد! "

دلیل اصلی وارد شدن کودکان به بازار کار فقری خانواده های ایرانی است و این فقر است که والدین آنها را ناگزیر می سازد تا کودکان خود را در کسب در آمد با آنها همیار کنند. طبق آمار ۹۰۰ هزار تومان در آمد، خط فقر اعلام شده است. در ایران امروز بیش از ۲۴ میلیون با فقر شدید مواجه هستند. یعنی حدود 5 میلیون خانوار ایرانی.

طبق آمار خط فقر شدید در سال ۸۳ معادل ۲۳۸ هزار تومان و در سال ۸۶ معادل ۶۵۰ هزار تومان و در سال ۸۹ بیشتر از ۹۰۰ هزار تومان آمار می باشد. بدین سان رشد فقر در سالهای گذشته سالانه ۱۸ درصد بوده است.

خانواده هایی که با فقر سر درگریبانند، توجه کمتری به آینده فرزندان خود دارند. در این خانواده ها خشونت علیه کودکان و زنان بیشتر است. اعتیاد در این خانواده ها بیشتر مشاهده می شود.

اعتیاد یکی دیگر از عوامل مؤثر در کودک آزاری و خشونت علیه کودکان می باشد. در حال حاضر طبق آمار دولتی حدود ۲/۶ میلیون معتاد و طبق آمار غیر دولتی بیش از ۴ میلیون معتاد در کشور موجود می باشد. تعداد کسانی که به الکل اعتیاد دارند را بیش از ۵۰۰ هزار نفر تخمین می زنند. فقر ناشی از اعتیاد چه از نظر مالی و از آن مهم تر یعنی از نظر فرهنگی تاثیر خشونت بار خود را بر روی کودکان می گذارد. اعتیاد والدین کودک را نسبت به آینده خود بی تفاوت می کند. از نظر تصمیم گیری شخصی ضعیف و معتاد به قدرت می گردد. این کودکان، افرادی مطیع و یا بسیار خشونت طلب خواهند شد.

طلاق نیز از مواردی است که تاثیر مخرب بر روی کودکان میگذارد. آمار طلاق در ایران که ناشی از بیماری های اجتماعی و کمبودها است، حکایت از آن دارد که از هر ۴ ازدواج ۱ ازدواج به طلاق منجر می گردد.

خشونت های اجتماعی و مخصوصاً خشونت های سیاسی که بصورت قانون دولتی به مردم تحمیل می شود. این خشونت ها در سطح خانواده ها خود را نشان می دهد و از عواملی می گردد که باعث وارد شدن خشونت به کودکان و جوان بگردد. از طرف دیگر، فضای دوگانه ای که در درجه اول قدرت حاکم بوجود آمده است تاثیر بد آموزشی بر روی کودکان می گذارد. فضای خشونت رژیم، مردم را ناچار می کند که در درون خانه یک نوع شخصیت در بیرون از خانه شخصیت دیگری را بیان و از خود نشان بدهند. این دوگانگی در رفتار روزمره والدین تاثیر بد خود را بر روی فرزندان میگذارد و باعث می گردد که دارای تربیت دوگانه و دو رو بگردند. مثلاً برای

روا می دارد. والدین اکثراً با این فشار مخالفند. در واقع از کودکی حکومت به دختر به دید شیء جنسی می نگرد و به او این دید را تفهیم می نماید. تاثیر این برخورد با کودکان آمار مصرف بیش از حد لوازم آرایشی است که ایران مقام اول مصرف این مواد را در دنیا دارد.

سن کم استفاده از لوازم آرایشی و آنهم به شکل غلیظ آن در ایران مایه نگرانی بسیاری از روانشناسان و جامعه شناسان گردیده است. بر نامه های تلویزیونی که می بایستی در خشونت زدایی نقش بازی کنند، امروز با برنامه هایی سراسر مملو از تحقیر، عصبانیت، خشونت، فحاشی و ترویج، بدل به ابزار مانع رشد گردیده اند.

نبود امکانات کافی آموزشی مبتنی بر آزادی و رشد کودک و آموزش حقوق او و دفاع از حقوق کودکان و انسانها، دلهره و اضطراب والدین نسبت به آینده کودکانشان، و وقتی می بینند که در بازار کار با وارد شدن سالانه ۱ میلیون متقاضی جدید جایی و آینده ای برای کودکان آنها ارائه نمی دهد، باعث می گردد که همین عدم اطمینان را روزانه به کودکان خود نیز انتقال دهند.

کارشناسان اجتماعی معتقدند، ناهنجاری های اجتماعی از قبیل فقر، کمبود امکانات زندگی، سوء مصرف مواد مخدر و اعتیاد، محیط خانوادگی خشن، بیکاری و طلاق، خانواده را به انواع آسیب های اجتماعی مبتلا می کند تا آنجا که از زندگی احساس لذت و رضایت نمی کنند و در این حالت، سرخوردگی و وحشت خود را با خشونت به کودک انتقال می دهند.

این خشونت در اشکال کتک زدن، پرت کردن، لگد زدن، سبلی زدن، حبس کردن، گرسنه نگه داشتن، به کارهای سخت واداشتن، داغ کردن، سوزاندن و ... بروز می نماید. به طوریکه بر اساس تحقیقات ۱۵درصد کودکان به هنگام تنبیه بدنی از سوی والدین، دچار جراحت و مصدومیت می شوند.

آقای عصمت یاری، مسئول واحد مددکاری انجمن حمایت از کودکان عنوان می نماید که نتایج یک تحقیق میدانی در ایران نشان می دهد ۷۵ درصد کودک آزاری ها از طرف والدین انجام شده است. به عقیده کارشناسان، در کودک آزاری، تنها صدمات فیزیکی مطرح نیست بلکه آسیب های روانی آن اثری به مراتب طولانی تر و عمیق تر دارد.

۹۰ درصد جوانانی که به مواد مخدر روی آورده اند مورد آزاد والدین خود مخصوصاً پدران خود قرار گرفته اند. وحشت کودک، مسایل حیثیتی خانواده و آموزش ندادن مربیان و مدیران مدارس و دانش آموزان برای آگاهی بخشیدن به کودکان در مقابل کودک آزاری ها سبب شده است که اغلب موارد کودک آزاری ها پنهان بماند.

کودک آزاری در کشور ما معمولاً جسمی است ولی شکل پنهان تر کودک آزاری جسمی، کودک آزاری جنسی است که توسط والدین یا خود کودک برای "حفظ آبرو" مخفی می ماند. بیشتر مادران به گمان آنکه به افشای خشونت پدر که موجب آزار کودک شده آبروی خانواده به خطر می افتد، مقابل ظلمه ای از طرف پدر خشن به کودک و یا خود مادر روا داشته می شود، سکوت می کنند.

توسها و خشونت های اجتماعی

فرهنگی را چگونه می شود جبران کرد؟

بخشی از این جبرانها باید در چهارچوب خانه انجام بگیرد. وظیفه پدر و مادر است که در خدمت فرزندان خود باشند. سعی کنند که با فراهم آوردن محیط مساعد بر اصل آزادیها یعنی بر اصل برخوردار شدن کودکان از حقوق خود زمینه های رشد آنها را فراهم نمایند. البته والدین می بایستی از سلامت کافی مالی، اشتغال، امنیت، مسکن و بهداشت و ... برخوردار باشند تا بتوانند با آرامش بیشتر و بهتری به کار آموزش بپردازند. این بخش کار دولت است که نیازهای جامعه را متناسب با برخورداری از حقوق شهروندان فراهم کند.

در کشورهای استبدادی امکانات رشد در مردم گرفته می شود. استبداد تخم استعدادها را می خورد. استبداد رشد را در تضاد با خود می

تحمل هیچگونه تحولی که به زعم آنها در تضاد با ولایت آنها باشد را ندارد. مردم قربانیان استبداد ولی فقیه هستند و زنان و مادران و کودکان آسیبهای بزرگ را در درجه اول می بینند.

در نظام ولایت فقیه که ضد حقوق عمل می کند و ولی فقیه صاحب مال و جان و ناموس مردم است دفاع از حقوق و رشد امری غیر قابل تحقق است.

رشد فضای آزاد می خواهد. در فضای آزاد است که امکان انتخاب و رشد میسر می گردد. در استبداد دینی حاکم بر ایران، ولی فقیه مجموعه قدرت را در دست دارد که به مناسبت های مختلف این قدرت را به افراد مختلف تفویض می کند. رشد کودک و رشد و

انتخاب کودک در تضاد است با ولایت فقیه. در نظام ولایت فقیه هر اندازه گروه های مدافع حقوق بشر فعالتر می شوند به همان نسبت خشونت نظام هم بیشتر می شود. مخصوصاً خشونت نظام به آنها بیشتر ضربه وارد می کند که خواهان تحقق حقوق انسانها در تغییر این نظام می باشند. در این نظام مردم ولایتی ندارند. در این نظام است که کودکان آمار می شوند. آماری که بیاترک بی فردایی آنهاست.

در ایران امروز ۵۰ درصد پدر و مادرها تنبیه کردن فرزندان را "حق" خود می دانند. در ایران امروز اعتراض به تجاوز به کودکان ضد آبرو عمل کردن است. وقتی کسی که به او تجاوز شده است شکایت می کند در چشم بسیاری کار نادرستی مرتکب شده است. غیر مستقیم جامعه از متجاوز دفاع می کند. در ایران امروز آمار کودکان معتاد و کودکان

خیابانی و کودکان کار و کودکان از تحصیل محروم و کودکان ... چون ننگ رژیم است، به درستی ارائه داده نمی شود. مسئولان نظام با بی شرمی اعلام میکنند چون اکثریت بچه های کار و بچه های خیابان غیر ایرانی هستند (در واقع می گویند که افغانی هستند) ما مسئولیتی در قبال آنها نداریم !. گویی با این گفته با شکم گرسنه خوابیدن بچه افغانی و یا تجاوز به بچه افغانی و یا معتاد شدن بچه افغانی و یا از صبح تا شب کار کردن بچه افغانی، به صرف اینکه ایرانی نیست، مشروعیت می یابد!.

چنین دیدی ضد آزادی و ضد ارزشهای یک انسان است. ایران بالاترین آمار اعدام کودکان را دارد. آیا بعد از ۳۰ سال اعدام و خشونت علیه کودکان، وضعیت کودکان ایران بهتر شده است؟ آیا فقر و وضعیت کودکان ایران کمتر شده است؟ چرا باید هنوز در ایران اعدام داشته باشیم و صحنه های اعدام بدون ساتنوسر به کودک و بزرگ نشان داده شود؟ کدام ترس مد نظر نظام است؟ ترس از عمل و یا ترس از نظام؟.

در این نظام آینده تاریک است. اصلاح این نظام سراسر فساد و خشونت حتی در حق کودکان بیگناه، غیر متصور است. سازش و کوتاه آمدن ۲ دوره ریاست جمهوری اصلاح طلبان و یک سال تبلیغات اصلاح طلبان بعد از انتخابات دوره هشتم در قبال رفتار سراسر خشونت طلب نظام حاکم، بیاترک این واقعیت است که بسیاری از اصلاح طلبان حکومتی معتقدند چنانچه استبداد بماند، ولی سهم اصلاح طلبان در قدرت نیز محفوظ بماند

اشکالی ندارد. اما واقعیت امر این است که این نظام ضد حقوق عمل می کند. ضد حیات جامعه و طبیعت عمل می کند. از او نمی شود خواست که ولی فقیه برسر مقام و قدرت بی حد و حصر خود ایفا شود و مقامی قدر قدرت که قدرت خودشان بر سر اصل است آزادیهای مردم نیز باشد! چرا که آزادی مردم به معنای نبود ولی فقیه و قدرت او است.

پس اولین قدم در جهت تحول اساسی برای آینده بهتر فرزندانمان، برداشتن مانع بزرگ، یعنی استبداد دینی حاکم بر ایران می باشد. تا آن مهم به سرانجام برسد، وظیفه طرفداران حقوق انسان است که به مردم حقوق آنها و چگونگی برخوردار بسودن از آن را در چهارچوب خانواده گوشزد کنند.

تا کودکی با آزادیها رشد نکند و تا مردمی به حقوق خود واقف نشوند، مردم سالاری نیز برقرار نخواهد شد.

حق کودکان ماست که بدون خشونت و بدون ترس از ولی فقیه و پاسدارانش و طرز تفکر

تربیت دوگانه و دو رو بگردند. مثلاً برای

اشترک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو، اشترک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو و لطفاً کنید و چک نفرستید، وجه اشترک را نقد و با پست سفارشی یا با حساب بانک واریز فرمایید.
توجه! درج مقالات، الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی و هجرت نیست و تنها بعنوان بحث آزاد قلمی و صرفاً با مگر نظرات نویسندگان و منابع مندرج بوده، این نشریه در مقابل آنها هیچگونه مسئولیت محتوایی و حقوقی را ندارد.
توجه! نویسندگان محترمی که مقالاتی را ارسال می‌کنند و یا به استند مقاله شان «نشریه چاپ شود» توجیه فرمایند که چاپ مقالات آنها «صورتی خواهد بود که با نقل از انتشار نشریه، در رسانه دیگری صورت الکترونیکی و غیر آن نشرینا قلم باشد یا با تکرار

Nr.759 27 Sep.- 10 Oct. 2010

شماره ۷۵۹ از ۵ تا ۱۸ مهر ۱۳۸۹

فتنه

◀ در ۱۷ شهریور ۸۹، به گزارش جرس، نصیر بوشهر از هفته نامه های اصلاح طلب استان بوشهر، در جلسه روز گذشته هیأت نظارت بر مطبوعات توقیف شد.

◀ در ۱۷ شهریور ۸۹، به گزارش موکریان: احمد سلیمانی زندانی کرد اهل آشنویه در زندان ارومیه دست به اعتصاب غذا زد. نامبرده که بیش از پنج ماه است در زندان ارومیه محبوس است از روز یکشنبه در اعتراض به مخالفت مسئولین زندان با انتقال وی به زندان محل سکونتش اعتصاب نموده و در پی آن به قرنطینه زندان منتقل شده است.

◀ در ۱۷ شهریور ۸۹، رهانا، اسامی و اطلاعات مربوط به ۶۰۰ زندانی سیاسی محبوس در زندان های ایران را فهرست کرده است. از آنها، ۶۳ تن زن هستند. از ۶۰۰ زندانی موجود در لیست، ۳۵۴ نفر دارای محکومیت قضایی و ۲۴۶ نفر در بازداشت به سر می برند. از لیست اسامی محکومان، ۹۴ نفر حکم بالای ۱۰ سال داشته و محکومیت های سنگینی را دارا هستند.

◀ در ۱۷ شهریور ۸۹، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، زندانی سیاسی های قانمی از دستگیر شدگان روز عاشورا به زندان گنبد کابوس تبعید شد.

◀ در ۱۸ شهریور ۸۹، به گزارش موکریان: تعدادی از کارگران شرکت کرپ ناز کرمانشاه روز گذشته در مقابل مدیریت بانک ملت این شهر حاضر شدند. خواسته کارگران حاضر در محل از مدیریت بانک، پرداخت حقوق به تعویق افتاده چهار ماه و واریز کردن حق بیمه چند ماهه اخیر بوده است.

◀ در ۱۸ شهریور ۸۹، به گزارش هرانا، مریم ضیا، فعال حقوق کودک، از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه به اتهام تبلیغ علیه نظام، به یک سال حبس تعزیری محکوم شد.

◀ در ۱۸ شهریور ۸۹، به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، آقای بروجردی، روحانی زندانی، در پی اعتراض به فقدان امکانات اولیه انسانی و پایمال شدن حقوق زندانیان، برای چندمین بار مورد هتاک و فحاشی مسئولین زندان اوین قرار گرفت.

◀ در ۱۸ شهریور ۸۹، به گزارش میزان، نامه افشاگرانه ای از زندان وکیل آباد مشهد، از ابعاد دیگری از وضعیت وخیم حقوق بشر در این زندان از جمله ۵۰۰ اعدام مخفیانه در یک سال گذشته پرده برداشته است.

در زندان وکیل آباد مشهد، فجایعی به وقوع می پیوندد که سببیت آن توصیف ناپذیر است. اندر زگاه ۵ زندان وکیل آباد مشهد رمزآلودترین و مخفی ترین بند زندان وکیل آباد مشهد بوده که با چیدن پتو در ورودی اندر زگاه در هنگام بازرسیهای بین المللی به عنوان انبار پتو

ترتیب: بند ۱۰۱: محکومین به اعدام به جرم فروش مواد مخدر بیش از ۵۰۰ نفر بند ۱۰۲: اکثر محکومین به قصاص، ۳۰۰ نفر و دیگر جرائم حدود ۲۵۰ نفر بند ۱۰۳: بند جوانان ۱۸ تا ۲۵ سال با جرائم سرقت، زنا، فروش مواد مخدر، حدوداً ۶۰۰ نفر

بند ۱۰۴: جرائم سرقت، مواد مخدر، زنا، ۲۵ ساله ها به بالا حدوداً ۶۰۰ نفر در هر یک از بندهای ۱۰۲، ۱۰۳ و ۱۰۴ حدوداً ۲۰۰ نفر محکومین به اعدام هستند که با تأیید حفاظت زندان از بند ۱۰۱ به آنجا منتقل شده اند.

◀ در ۱۹ شهریور ۸۹، به گزارش شهزاد نبوز، مریم ضیا، فعال حقوق کودکان و مدیر "جمعیت تلاش برای جهانی شایسته کودکان"، از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یک سال حبس تعزیری محکوم شد. ریاست دادگاه را قاضی مقیسه برعهده داشت.

◀ در ۲۲ شهریور ۸۹، به گزارش جرس: ابراهیم ملکی، پژوهشگر دینی و شاگرد آیت الله منتظری با حکم دادگاه ویژه روحانیت مشهد، به پرداخت پنج میلیون تومان جزای نقدی و خلع لباس محکوم شد. اتهامات وی که ۲۲ اسفند سال گذشته بازداشت شد و یک ماه در سلول انفرادی و سه ماه در بند عمومی اوواک مشهد حبس بود، توهین به رهبری و تبلیغ علیه نظام بود.

◀ در ۲۲ شهریور ۸۹، به گزارش هرانا، دادگاه کیفری استان تهران "شاهین" را به جرم قتل صاحب کار خود به اعدام محکوم کرد. این درحالی است که این متهم تمام اتهامات خود را رد کرده است.

◀ در ۲۲ شهریور ۸۹، به گزارش هرانا، محمد غزنویان فعال حقوق زنان و کودکان و دانش آموخته رشته علوم سیاسی به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد.

◀ در ۲۳ شهریور ۸۹، به گزارش هرانا به نقل از منابع آگاه استان مازندران، دکتر عزیززاده رئیس سابق دانشگاه مازندران، دکتر احمدپور رئیس فعلی دانشگاه مازندران و دکتر عسکر جانعلیزاده سرپرست دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل اقدام به اخراج فعالین دانشجویی این دو دانشگاه نمودند. گفتنی است طی روزهای اخیر مسئولین این دو دانشگاه پس از سخنان وزیر علوم موج جدیدی از فشارها و برخوردها را بر ضد فعالین دانشجویی این دو دانشگاه برانگختند.

عماد بهاور، سارا خادمی، اشکان ذهابیان، سیاوش سلیمی نژاد و ایمان صدیقی از جمله فعالین سیاسی و دانشجویی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل و دانشگاه مازندران بوده اند که طی هفته های اخیر و با صدور احکام جداگانه ای حکم قطعی اخراج خود را دریافت کرده اند.

◀ در ۲۳ شهریور ۸۹، به گزارش هرانا، فاطمه نصیرپور سردبیر نشریه

انقلاب مرنده به شش ماه حبس تعزیری محکوم گردید. اتهام این فعال دانشجویی تبلیغ علیه نظام از طریق چاپ ویژه نامه شکل دانشجویی آرمان دانشگاه آزاد تبریز به مناسبت روز جهانی زن با عنوان «آذربایجان قادینی» (زن آذربایجانی) عنوان شده است.

◀ در ۲۴ شهریور ۸۹، به گزارش هرانا، مهندس رضا کرمانی و حسین شهریاری از اعضای سابق شورای عالی رهبری حزب پان ایرانیست به همراه حجت کلاسی مسؤول سازمان جوانان حزب پان ایرانیست توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

◀ در ۲۴ شهریور ۸۹، به گزارش کلمه، در موج تازه دستگیری ها در شیراز، ۳۹ تن از طلاب و علاقه مندان آیت الله دستغیب دستگیر شدند. بیش از این هم هشت تن از هواداران این مرجع تقلید دستگیر شده بودند که با دستگیری های جدید، تعداد کل بازداشت شدگان اخیر به ۴۷ نفر رسیده است.

◀ در ۲۵ شهریور ۸۹، به گزارش جرس: از آغاز شهریور ماه، قاضی غلامحسین ترکی بازپرس ویژه دادرسی نظامی تهران، در جریان پیگیری پرونده حمله سال ۸۸ به کوی دانشگاه تهران، اقدام به احضار گسترده گروهی از دانشجویان ساکن کوی دانشگاه بصورت تلفنی به سازمان قضائی نیروهای مسلح کرده است.

◀ در ۲۵ شهریور ۸۹، به گزارش هرانا ملا محسن حسینی امام جمعه اهل سنت شهر کامیاران و قاضی دادگاه خانواده این شهر طی روزهای گذشته توسط نیروهای امنیتی در کامیاران بازداشت شده و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

◀ در ۲۵ شهریور ۸۹، به گزارش کمپین بین المللی حقوق بشر، احمد قابل پژوهشگر دینی پس از آنکه در خصوص اعدام گسترده زندانیان مواد مخدر با رسانه ها گفت و گو کرد بار دیگر بازداشت و روانه زندان شد. مسؤولین قضایی هنوز در خصوص بازداشت وی توضیحاتی ارائه نکرده اند.

◀ در ۲۵ شهریور ۸۹، به گزارش کلمه، نیروهای امنیتی با حمله به دفتر مهندس موسوی، اقدام به تفتیش و بازرسی از محل کرده و برخی وسایل موجود در دفتر را نیز با خود برده اند. نیروهای امنیتی، کامپیوترهای موجود در دفتر را جمع آوری کردند.

◀ در ۲۶ شهریور ۸۹، به گزارش هرانا، همسر حسن اسدی زیدآبادی خبر داد، در ابتدای بازداشت قرار کفالت ابلاغ شده، اما با عدم اطلاع رسانی به خانواده، او را بدون قرار بازداشت به صورت غیرقانونی به مدت ۲۱ روز در زندان نگه داشته اند و پس از آن، در روز ۲۲ شهریور این قرار کفالت به بازداشت تبدیل شده است.

◀ در ۲۶ شهریور ۸۹، به گزارش سایت دادگستری خراسان شمالی فردی به اتهام حمل و نگهداری ۴۰۱ گرم

برحق باید ایستاد تا زورپرست تسلیم حق شود

«پس اگر ترسیدید از اینکه نتوانید در باره یتیمان به قسط رفتار کند، پس ازدواج کنید (*) با زنانی که خاطر آنها را می خواهید، دو و سه و چهار، پس اگر ترسیدید نتوانید عدالت کنید، پس با یکی (ازدواج کنید). و اگر کنیز دارید بدو بسنده کنید که نزدیک تر به عدالت است.»

(*) - اولاً آقای شفاء لازم ندیده است یاد آور شود که بنا بر آیه ۲۳۷ سوره بقره ایجاب با زن است و او است که شوهر بر می گزیند. و ثانیاً نصف آیه را «اگر ترسیدید نتوانید به عدالت رفتار کنید، پس تنها با یک تن ازدواج کنید» را نمی آورد و بدین روش، بزرگ ترین دروغ را می سازد، اما قسمت دوم که از آیه ۱۹ همین سوره نقل می کند، ساخته خود را آیه قرآن می کند تا وارونه رهنمود قرآن را بسازد. آیه اینست:

«ای کسانی که ایمان آورده اید بر شما حلال نیست که زنان را به زور به ارث برید و بر زنان سخت گیری مکنید تا که قسمتی از آنچه را به آنها داده اید (مهر) بازگیرید. مگر این که عمل بسیار زشت آشکاری از آنان سرزند. با آنها خوش رفتار باشید. و اگر از همسر خود کراهت پیدا کردید، اظهار کراهت نکنید. بسا از چیزی کراهت می یابید که خداوند در آن، برای شما خیر قرار داده است.»

موارد دیگر را پرسش کننده و دیگر حقیقت جویان خود می توانند با آیه های قرآن تطبیق کنند.

و اگر به این پرسش پاسخ دادم، برای این بود که خوانندگان بدانند، بسا عقل قدرتمندار که دعوی آزادی خواهی می کند، غافل از این که چون با تحریب شروع می کند و این تحریب را با جعل قول و بهتان و... انجام می دهد، زورمداری خود را ثابت می کند. تصدیق می کند بنده زور و در خدمت قدرت است.

نشده است.

◀ در ۲۶ شهریور ۸۹، به گزارش هرانا، باگذشت چندین روز از بازداشت ایوب نعمتی، دانشجوی محروم از تحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران خانواده وی در بی خبری مطلق به سر میبرند.

◀ در ۲۶ شهریور ۸۹، به گزارش دانشجو نبوز، شعبه ۵۴ دادگاه تجدیدنظر تهران حکم صادره از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی مبنی بر محکومیت مجید توکلی به ۸ سال و نیم زندان را تأیید کرد.

◀ در ۲۹ شهریور ۸۹، به گزارش کلمه، خواهر عبدالرضا تاجیک، روزنامه نگار و فعال حقوق بشر، به شعبه ۵

روزنامه انقلاب اسلامی

در مسیر تاریخ

نویسنده: محمد جعفری

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۹

... ما با موارد ذیل موافق نبودیم:

--- ما از ابتدا با تدارک بازگشت

به استبداد بعد از پیروزی انقلاب

به زعم و فهم خود که همه اسناد

آن موجود می باشد:

* با دادگاه های انقلاب و

اعدامهای برق آسا،

* با هرج و مرج و مراکز تعدد

قدرت

* با شکنجه و زندان ها و انواع

آن،

* با سلب آزادیهای فردی و

اجتماعی،

* با خلق و تأسیس ارگانهای

جدید الولاده بعنوان پایه های

استبداد جدید و استقرار

دیکتاتوری،

* و در زمینه دخالت های بی مورد

آقای خمینی و دستگاه روحانیت

* و با توجه نکردن به موقع، به

خواسته های به حق ملت، چه از

جنب روحانیت و چه از جانب

دولت موقت، مخالفت می

نمودیم..

اگر اینها موجب تضعیف دولت موقت و یا سقوط آن شده است حق با آنها است ... «از متن کتاب»

برای اکتیو و در یافت کتاب با آدرسهای زیر تماس حاصل فرمائید!

آدرس پستی:

Engelabe Esلامي Zeitung
Postfach 11 11 18
D- 60046 Frankfurt/M
Germany

آدرس پست الکترونیک:
mbarzavand@Yahoo.com

قیمت: ۱۵ یورو